



آمد. آقای ساجدان نیایشگر که کلید کلمات کاملش گشاینده درهای بهشت است. آمد که کالبد کلمات مرده را به روح دعا جان بخشد و عبودیت انسان را از نردبان نیایش به بام بلند ایمان برساند. باشد که به بال آن صحیفه مقدس، این روزهای توان سوز را، به شور شیرین گفت و گوی با پروردگار آدین ببندیم و چونان گل، جهان جان را به خرمی بخندیم.

میزگردی درباره ترجمه‌های چندباره آثار ادبیات داستانی جهان

ترجمه دوباره؛ ضرورت یا کتابسازی؟



کتابخانه

شنبه ۲۶ تیر ۱۳۸۹
۵ شعبان ۱۴۳۱، ۱۷ جولای ۲۰۱۰
شماره ۲۴۰، پیاپی ۸۹۱
۲۴ صفحه، ۲۰۰ تومان
ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب
سر دبیر: علی آقاغفار
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۵۱-۴
سازمان آگهی‌ها: ۲۲۵۵۲۴۶
چاپ: شرکت افست
www.ketabehafteh.ir



گفتگو با آلکسی
برنده جایزه
قلم/فاکتر
۲۰



راه اندازی
جایزه‌های برای
ادبیات عامه پسند
۱۶



روایت ساده
جنگ به راحتی
داستان می شود
۵

جشنواره کتاب سال قصه‌های قرآنی برگزیدگان را شناخت

در مراسم افتتاحیه سومین جشنواره کتاب سال قصه‌های قرآنی، که سه شنبه هفته گذشته در سالن اجلاس سران کشورهای اسلامی برگزار شد، نفرات برگزیده معرفی شدند. این جشنواره، ۲۲ تیرماه، به همت سازمان اوقاف و امور خیریه طی مراسمی با حضور علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در سالن اجلاس به پایان رسید و از ۱۶ نویسنده و صاحب اثر برگزیده در سه بخش داستان و رمان بزرگسالان، کودک و نوجوان و پژوهش تجلیل شد. در بخش داستان و رمان بزرگسالان از کتاب «شماس شامی» نوشته مجید قیصری از انتشارات افق به خاطر نوآوری در شکل روایت، بیان واقعیت‌های تاریخی، استفاده از زبان مناسب ادبیات دینی و تاثیر گذاری خوب بر مخاطب، به عنوان برگزیده نخست تقدیر شد.

ادامه در صفحه ۲

دکتر رحیم رضازاده ملک در گذشت

انضمام مدخل منظوم (از عبدالجبار خجندی سروده سال ۶۱۶ هـ.ق)، مرکز نشر میراث مکتوب ۱۳۸۴ و ده‌ها اثر و نوشته دیگر اشاره کرد.



آن زنده یاد در حوزه کتابشناسی و نقد تاریخ و فرهنگ ایران نیز سخت فعال بود و نشریاتی چون نقد و تحقیق، کتابشناخت و هوای تازه (۳ شماره که شماره چهارم در دست چاپ است) به زیر چاپ برد. «کتاب هفته» در شماره ۲۳۸ (شنبه ۱۲ تیر ماه جاری) گفت و گوی مفصلی با این محقق برجسته انجام داد که در آن، ضمن اشاره به کارنامه قلمی این پژوهنده به آثار در دست چاپ وی نیز اشاره رفته است، کتاب‌هایی نظیر شاهنامه، شاه‌نامه‌ها، مهر مسیحا، آقای آلت فعل و... «کتاب هفته» در گذشت دکتر رحیم رضازاده ملک را به جامعه پژوهش کشور و خانواده آن شادروان تسلیت می‌گوید.

دکتر رحیم رضازاده ملک، محقق و پژوهشگر فرهنگ، تاریخ و تقویم ایران، سه شنبه شب گذشته (۲۲ تیرماه جاری) به علت ایست قلبی درگذشت.

از این پژوهنده گرانقدر آثار برجسته‌ای در زمینه تاریخ قاجار، زبان‌های ایرانی و تقویم‌های مختلف ایرانی بر جای مانده است که از جمله آنها می‌توان به «تاریخ روابط ایران و ممالک متحده آمریکا» انتشارات طهوری ۱۳۵۰، «حیدرخان عمواغلی چکیده انقلاب» انتشارات دنیا ۱۳۵۲، «گویش آذری» (متن و ترجمه و واژه‌نامه رساله روحی انار جانی)، انتشارات انجمن فرهنگ ایران باستان ۱۳۵۲، «سوسمار الدوله»، انتشارات دنیا ۱۳۵۴، «دانشنامه خیامی» (مجموعه رسائل علمی و فلسفی و ادبی عمرین ابراهیم خیامی) انتشارات صدای معاصر و علم و هنر ۱۳۷۷، «زیچ ملک» (استخراج و تطبیق تقویم‌ها)، نشر گلاب ۱۳۸۰، «تنکوشا» (از مولفی ناشناخته) به

سرآغاز

ریز نقش بزرگ نقش

ساده بود و صمیمی؛ در نخستین برخورد هم می‌شد به درونش راه یافت و لایه‌های صداقت کلامش را در دل نورانی‌اش دید. زود رقیق می‌شد و در بذل دانسته‌هایش خست نمی‌کرد. ریز نقش بود و بزرگ «نقش». شاد و بذله‌گو و سرحال بود و اصرار داشت و تاکید می‌کرد که نه نیاز مالی دارد و نه محتاج شهرت است و به همین دلیل هم، صادقانه می‌گفت، صریح حرف می‌زد و از داشته‌های علمی و تحقیقی و مستندش، دفاع می‌کرد و کوتاه نمی‌آمد. مسافری که قرار بود همین هفته در آیین بزرگداشت مرحوم مهدی آذرزیدی به یزد سفر کند، ناباورانه، به دیاری دیگر پرواز کرد. «دکتر رحیم رضازاده ملک» درگذشت. همین خبر به ظاهر یک خطی یعنی، هزار هزار ناگفته را با خود برد. نگاهی به گفت و گوی کتاب هفته با وی در شماره ۲۳۸ (۱۲ تیر ۱۳۸۹) نشان می‌دهد که «ملک» مالک چه داشته‌هایی بود. روحش شاد.

- ۲
- قول مساعد معاون وزیر برای حذف مالیات کتابفروشان
- رئوس فعالیت‌های بخش حوزوی هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی قرآن
- ۳
- رمان جدید «اومبر تو اکو»
- اکتبر منتشر می‌شود
- راه اندازی خط تولید کفش با نام همینگوی

باید از فضای فرهنگی کشور به ویژه در حوزه تولید و نشر کتاب مراقبت شود زیرا برخی به دنبال تاریخ سازی جعلی و ترویج ضد ارزش ها از طریق کتاب هستند. کسانی که در این میدان جهاد فرهنگی حضور دارند باید حق جهاد را به جا آورند و آن گونه که شایسته است به ترویج ارزش های دینی و واقعیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس بپردازند. مسایل فرهنگی با دستور و حکم پیش نمی روند بلکه لازمه موفقیت در این عرصه، انگیزه، ایمان و حضور فعال انسان های معتقد به ارزش های دینی و انقلاب اسلامی است. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مسوولان حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی ۱۳۸۹/۲/۲۰

آغاز نام نویسی از ناشران برای حضور در نمایشگاه کتاب رشت



ثبت نام ناشران برای حضور در نمایشگاه کتاب استانی گیلان (رشت) آغاز شده و ناشران با مراجعه به وب سایت موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران می توانند فرم ثبت نام را دریافت کنند.

به گزارش روابط عمومی موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، نمایشگاه کتاب استان گیلان ۱۰ تا ۱۶ مرداد در شهر رشت برگزار می شود.

ثبت نام ناشران برای حضور در این نمایشگاه به صورت اینترنتی انجام می شود و ناشران با مراجعه به سامانه اینترنتی www.ifei.ir می توانند فرم ثبت نام را دریافت کنند.

همچنین اداره مخابرات شهر رشت با اختصاص ۸۰ خط تلفن، کارت های الکترونیکی خرید کتاب را در نمایشگاه استان گیلان فعال می کند. مقرر شده است کارت های تخفیف به مراجعان عرضه شود. کتاب ها در نمایشگاه های استانی با تخفیف ۴۰ درصدی تخفیف از سوی معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ناشران عرضه می شوند. نمایشگاه های استانی کتاب از سوی موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران و با همکاری ادارات کل ارشاد استان ها برپا می شوند.

قول مساعد معاون وزیر برای حذف مالیات کتابفروشان

بازدید سرزده معاون فرهنگی وزیر ارشاد از کتابفروشی ها

خواستار بهبود و ارایه راهکار مناسب به منظور دسترسی مخاطبان به کتاب (بدون واسطه) شدند. دری نیز از روند فروش کتاب در کتابفروشی های نامبرده جوپا شد و قول حمایت از آثار فاخر و جلوگیری از کتابسازی را داد.

معاون فرهنگی وزیر ارشاد همچنین به کتابفروشان خیابان انقلاب وعده داد با تشکیل کارگروهی برای بررسی مشکلات موزعان و کتابفروشان، بحث توزیع کتاب را به عنوان یکی از اولویت های کاری در دستور کار این معاونت قرار دهد. دری همچنین از تلاش برای حذف مالیات کتابفروشی ها خبر داد و گفت: «شخصا موضوع را به صورت جدی پیگیری می کنم.» معاون فرهنگی وزیر ارشاد در پایان این بازدید ابراز امیدواری کرد دیدارهایش را با ناشران و کتابفروشان تهران و نقاط مختلف کشور در آینده نیز ادامه دهد.



معاون فرهنگی وزیر ارشاد در این دیدار از کتابفروشی ها و موسسه ها و انتشاراتی های واقع در محمد الهیاری فومنی مدیر کل اداره کتاب وزارت ارشاد و احسان الله حاجتی مدیرعامل موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، دری را در این بازدید همراهی کردند.

معاون فرهنگی وزیر ارشاد در این دیدار از کتابفروشی ها و موسسه ها و انتشاراتی های واقع در خیابان انقلاب تهران مانند موسسه انتشارات اطلاعات، کیهان، اشارت، مولی، خوارزمی، زمان، روزبهان، جهاد دانشگاهی، امیر کبیر، رشد، به نشر، جنگل و ... بازدید کرد.

در این بازدید، ناشران و کتابفروشان با بیان مشکلات صنفی خود و ارایه آمارهایی در این باره،

از سوی معاون مدیر بخش حوزوی نمایشگاه قرآن عنوان شد

رئوس فعالیت های بخش حوزوی هجدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن

ارائه کتاب ها و پایان نامه های قرآنی، برگزاری ۲۰ نشست تخصصی با موضوع قرآن و انتخاب پایان نامه های برتر قرآنی در مقطع دکتری، از مهم ترین محورهای فعالیت بخش حوزوی در هجدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم خواهد بود.

دکتر محمدحسین صادقی معاون مدیر بخش حوزوی هجدهمین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم در گفت و گو با «کتاب هفته» با بیان این مطلب، از متنوع تر شدن فعالیت های بخش حوزوی در این دوره از نمایشگاه قرآن خبر داد. دکتر صادقی در توضیح این پرسش که «آثاری که در این بخش ارائه می شوند چه تفاوتی با آثار بخش مکتوب نمایشگاه قرآن دارند؟» گفت: بخش مکتوب بخشی جداگانه است که در آنجا آثار به فروش هم می رسند اما آثاری که در بخش حوزوی عرضه می شوند، صرفا جنبه نمایشگاهی دارند و برای فروش ارایه نمی شوند گرچه ممکن است در برخی موارد بنا به ضرورت، آثار را به صورت امانت به مدت ۲۴ ساعت در اختیار دوستان قرار دهیم.»

وی همچنین در پاسخ به این سوال که «این کتاب ها لزوما چاپ اولی اند؟» اظهار داشت: «غلب این آثار از سال ۸۵ تاکنون چاپ شده اند و پایان نامه های ارائه شده در یک سال گذشته به تحریر درآمده اند.» صادقی در ادامه یادآور شد: «کار این بخش به نوعی، اطلاع رسانی در زمینه آخرین آثار منتشر شده در حوزه علوم قرآنی و تفسیر در بخش حوزوی است که سال های گذشته نیز بسیار مورد استقبال بازدیدکنندگان قرار گرفت تا حدی که تقاضای زیادی نیز برای تکثیر این آثار و ارسال آنها به مراکز علمی داشتیم؛ امیدواریم امسال بتوانیم زمینه برآورده کردن این درخواست را نیز فراهم کنیم. معاون مدیر بخش حوزوی نمایشگاه قرآن درباره آثار خارجی این بخش نیز یادآور شد: «آثار خارجی که در این بخش ارائه می شوند بیشتر به صورت پایان نامه اند، البته بخشی هم شامل کتاب می شوند اما غالبا پایان نامه ها و رساله های علمی در دو مقطع ارشد و دکتری از کشورهای مختلف آسیای میانه و دیگر کشورها را شامل می شوند، ضمن این که این آثار غیر از آثاری اند که در بخش بین الملل عرضه می شوند.» وی درباره نحوه انتخاب پایان نامه های دکتری در این بخش نیز توضیح داد: «در بخش پایان نامه ها، کارگروهی تشکیل شده که بر اساس آرای اعضای این کارگروه، پایان نامه های برتر در نمایشگاه، در روز تعیین شده معرفی می شوند.» صادقی افزود: «مقطع زمانی پایان نامه هایی که مورد بررسی قرار می گیرند، از سال ۸۷ به بعد را شامل می شود و سعی ما بیشتر این است که بتوانیم پایان نامه های سال های ۸۸ و ۸۹ را معرفی کنیم.»

رونمایی از نخستین جلد مجموعه

«سپاه در گذر انقلاب»

مسوول اداره روابط عمومی و انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از رونمایی نخستین جلد از مجموعه کتاب های «سپاه در گذر انقلاب»، توسط سردار لشکر پاسدار محمد علی جعفری، فرمانده کل سپاه در نوزدهمین مجمع فرماندهان و مسوولان این نهاد خبر داد.

سردار رمضان شریف با اعلام این خبر اظهار داشت: «نخستین جلد از مجموعه کتاب های «سپاه در گذر انقلاب» شامل بیانیه ها و اطلاعیه های رسمی سپاه پاسداران و همچنین متن سخنان امام خمینی (ره) در دیدارهای مهم و سرنوشت ساز با پاسداران، از تاریخ بیست و دوم بهمن سال ۱۳۵۷ تا یکم مهرماه ۱۳۵۹، سه شنبه ۲۲ تیر ۸۹ در نوزدهمین مجمع فرماندهان و مسوولان سپاه، با حضور سردار لشکر پاسدار محمد علی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حجت الاسلام علی سعیدی، نماینده ولی فقیه در این نهاد رونمایی شد.» وی ادامه داد: «سردار جعفری در این مراسم، مطالعه جلد اول کتاب «سپاه در گذر انقلاب» را به دلیل اهمیت فعالیت سپاه پاسداران در وضعیت خاص اوایل انقلاب به همه مسوولان سپاه توصیه کرد.

«سپاه در گذر انقلاب» زیر نظر محمد قاسم فروغی جهرمی، در قطع وزیری و ۱۰۵۶ صفحه، با شمارگان پنج هزار نسخه و بهای ۲۰ هزار تومان، توسط اداره روابط عمومی و انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منتشر شده است.

بخش داستان کودک نیز به مجموعه «قصه های شیرین از زندگی معصومین» نوشته مسلم ناصری از انتشارات به نشر به خاطر روایت ساده و داستانی، از زندگی معصومان (ع) تعلق گرفت.

کتاب «درنمایه و دستمایه های نمایشی در قرآن» نوشته مظفر سالاری از انتشارات سوره مهر برگزیده نخست برای تالیف در بخش پژوهش شد. دلیل این انتخاب، دامنه پژوهش بسیار بالا و بهره گیری از داستان های قرآنی و پیامبران، در تدوین تئوری های داستانی از داستان های قرآنی و متناسب با داستان نویسی امروزی، کاربردی بودن کتاب برای خلق آثار مستند و تخیلی بر مبنای داستان های قرآنی بود.

کتاب «نقش قرآن در تکامل نقد ادبی» با ترجمه علی اوسط ابراهیمی از انتشارات بوستان کتاب، به دلیل اهمیت کتاب از نظر موضوع، حسن انتخاب کتاب از سوی مترجم، غلبه بر دشواری های ترجمه و مراجعات مکرر مترجم به منابع مولف، برگزیده نخست برای ترجمه در بخش پژوهش شناخته شد.

در بخش ویژه آموزشی قرآنی، مجموعه «کتاب اندیشه» نوشته سعید روح افزا از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به خاطر استفاده کاربردی و هنری از قصه های قرآنی در آموزش مفاهیم دینی و براساس روش های قصه های قرآنی تمثیل های راهگشا در کنار استدلال های اقناعی، انتخاب موضوعات مورد نیاز و مناسب نوجوانان برگزیده شد.

سلیمانی از انتشارات به نشر بود که به علت نگاه جذاب و شکل روایت داستانی و تناسب با سن مخاطب، سندیت قابل اعتنا، زبان و نشر نوجوانانه انتخاب شد.

در بخش داستان نوجوان، کتاب «سفر به سوی خدا» نوشته سوسن طاقدیس از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به خاطر روایت داستانی مناسب نوجوان، از معراج پیامبر اسلام (ص) برگزیده نخست شد.

کتاب «یک سبد خاطره» نوشته محسن هجری از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به دلیل روایت داستانی مناسب از یکی از حوادث زندگی پیامبر (ص) عنوان برگزیده دوم این بخش را به دست آورد. عنوان برگزیده سوم در بخش داستان نوجوان نیز به کتاب «بچه های عاشورا» نوشته طاهره ابید از انتشارات به نشر، به دلیل نگاه داستانی به زندگی چند نفر از نوجوانان عاشورایی تعلق گرفت.

در بخش داستان کودک، مجموعه کتاب های «باغلی، یاغلی» نوشته فریا کلهر از انتشارات به نشر برگزیده نخست معرفی شد. دلیل این انتخاب، روایت داستانی کودکانه از زندگی معصومین (ع) بود. برگزیده دوم این بخش، مجموعه کتاب های «قصه های خیلی قشنگ» نوشته مجید ملامحمدی از انتشارات محراب قلم، به خاطر روایت داستانی ساده و کودکانه از زندگی معصومان (ع)، تصویرگری و کتاب سازی متناسب با سن مخاطب اعلام شد. عنوان برگزیده سوم در

جشنواره کتاب سال قصه های قرآنی برگزیدگان را شناخت

ادامه از صفحه اول

در بخش ترجمه داستان و رمان بزرگسالان، کتاب «نگهبان غاز» با ترجمه مجتبی رحماندوست از انتشارات سوره مهر به عنوان برگزیده نخست معرفی شد. دلیل این انتخاب، نگاه جذاب و انتخاب زاویه نگرش مناسب در روایت، اتکا به اسناد و روایات معتبر تاریخی و ترجمه روان و شیوا بود.

در بخش داستان و رمان بزرگسالان، از کتاب «تشنه لبان» به قلم حمید گروگان، منتشر شده توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به دلیل روایت داستانی در مقتل نگاری، دامنه پژوهش مناسب، انتخاب مناسب شخصیت ها، کتاب سازی، گرافیک و تصویر سازی جذاب تقدیر به عمل آمد.

در بخش رمان نوجوان نیز کتاب «اعترافات غلامان» نوشته حمیدرضا شاه آبادی از انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به عنوان برگزیده نخست معرفی شد. دلیل این انتخاب نوآوری و انتخاب زاویه دید مناسب در روایت ماجراها و استفاده از زبان داستانی مناسب و جذاب بود.

برگزیده دوم در این بخش، کتاب «زندگی پیامبر اسلام» نوشته نقی

رمان جدید «اومبر تو اکو» اکتبر منتشر می شود



اومبر تو اکو نویسنده سرشناس ایتالیایی در ماه اکتبر (مهر) سال جاری میلادی جدیدترین رمان خود با عنوان «قبرستان پراگ» را توسط انتشارات ایتالیایی بوم پیانی منتشر و روانه بازار می کند. این رمان تازه، درست ۳۰ سال پس از چاپ رمان پرفروش اکو که «به نام گل سرخ» نام داشت، به بازار کتاب عرضه می شود.

در اطلاعیه مطبوعاتی انتشارات بوم پیانی آمده است: «موضوع این رمان حول محور یک جاعل مسخره می گردد که سازمان های اطلاعاتی و امنیتی تمام کشور های اروپا و با قرار داد بسته اند تادسیسه ها، حمله ها و توطئه چینی هایی انجام دهد تا توسعه تاریخی و سیاسی آن قاره، عمیقاً تحت تاثیر قرار گیرد. این کتاب در مورد زوایای مخفی سیاسی قرن ۱۹ است که به شکل دهشتناکی چهره واقعی مسایل آن دوران را برای ما آشکار می کند.

اکو، دانشمند برجسته ۷۸ ساله در این کتاب ۴۵۰ صفحه ای با بیشترین دقت، به تشریح فضای سیاسی قرن ۱۹ با توطئه چینی ها، شورش ها و انقلاب ها پرداخته است. اکو آخرین رمان خود را با عنوان «شعله های مرموز ملکه لوآنا» شش سال پیش منتشر کرد.

اومبر تو اکو در ۵ ژانویه ۱۹۳۲ در آلساندریا واقع در پیمونت در شمال ایتالیا متولد شد. پدرش که یک

برپایی جایزه ادبی بوکر آسیا با تغییرات جدید

جایزه ادبی بوکر آسیا با تغییرات جدید به استقبال چهارمین سال برگزاری اش می رود. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از گاردین، برگزار کنندگان جایزه ادبی بوکر آسیا، هفته گذشته از تغییرات جدید در چهارمین دوره برگزاری این جایزه خبر دادند.

این جایزه که در دوره های گذشته به بهترین رمان چاپ نشده یک نویسنده آسیایی به زبان انگلیسی تعلق می گفت، از امسال تمامی رمان های انگلیسی زبان یا ترجمه شده به زبان انگلیسی یک نویسنده آسیایی را که در یک سال اخیر منتشر شده باشند، در این رقابت شرکت می دهد. از دیگر تغییرات ایجاد شده افزایش مبلغ جایزه است که از ۱۰ هزار دلار به ۳۰ هزار دلار افزایش یافته و به جایزه ۵۰ هزار پوندی بوکر نزدیک شده است.

پایانی کار کرد.

در سال ۱۹۷۵ اکو نخستین کرسی استادی رشته نشانه شناسی را در دانشگاه بولونیا به دست آورد.

این نویسنده از پایان دهه ۷۰ قرن بیستم میلادی به ادبیات روی آورد و در سال ۱۹۸۰ رمان «به نام گل سرخ» را نوشت. وی پس از موفقیتی که با این کتاب به دست آورد، رمان های «جزیره روز پیشین»، «بائودولینو» و «شعله اسرار آمیز شهبانو لوآنا» را به کارنامه ادبی خود اضافه کرد.

اکو را به عنوان یک نماد شناس، محقق تاریخ و نشانه های قرون وسطی می شناسند و این تخصص او در رمان هایش از جمله در رمان «بائودولینو» مشهود است. وی همچنین تلفیقی از تاریخ، فرهنگ و فلسفه را در قالب رمان در برابر مخاطب قرار می دهد. به همین علت، آثار او از دیدگاه های مختلف، می توانند آثاری فلسفی، تاریخی یا حتی داستانی جنایی و سرگرم کننده باشند.

عامل دیگری که به باور منتقدان از اکو نویسنده ای برجسته ساخته، طنز ظریف و شوخی های عمیق او در میان یافت رمان است. اکو ۷۸ ساله اکنون در خانه ای در شهر میلان و در مقابل کاخ «سورسا» زندگی می کند. کتابخانه شخصی او بیش از ۳۰ هزار جلد کتاب را در خود جای داده و او همچنان به طور منظم به حرفه اش مشغول است.

حسابدار بود دوست داشت او وکیل دادگستری شود. اما اومبر تو جوان رو به فلسفه آورد.

او رساله دکتری خود را در تورین با موضوع «زیبایی شناسی در آثار توماس فون آکوئین» ارائه داد و برای تلویزیون ایتالیا، نشریات و روزنامه های این کشور و نیز به عنوان ویراستار برای انتشارات بوم

درج نام نویسنده «پیرمرد و دریا» روی چکمه های چرمی

راه اندازی خط تولید کفش با نام همینگوی



پسر ۸۲ ساله ارنست همینگوی، برنده آمریکایی نوبل ادبیات، به تولید و تجارت کفش رو آورده و یک خط تولید پوتین های زمستانی به نام پدرش راه اندازی خواهد کرد!

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از آسوشینتد پرس، پاتریک همینگوی با تکیه بر این که پدرش هم دوست داشت این کار را بکند، گفت می خواهد خط تولید پوتین های زمستانی و کفش راه بیندازد و بیش از هر چیز از این خوشحال است که می تواند این کفش ها را بدون جوراب بپوشد. او تاکید کرد که پدرش هم از پوشیدن جوراب متنفر بود.

کمپانی توماس ریموند و شرکا که قرار است این خط تولید را راه بیندازد اعلام کرده که از پاییز امسال در ۱۲ نقطه آمریکا این اجناس ارائه می شوند.

کفش هایی که با نام همینگوی ارائه می شوند، از جنس چرم گاو و در السالوادور تولید می شوند. قیمت این کفش ها از ۱۵۰ تا ۲۳۵ دلار خواهد بود. ارنست همینگوی نویسنده برنده جایزه ادبی نوبل و جایزه پولیتزر بخش مهمی از زندگی اش را صرف ورزش های مختلف کرد که از شنا و قایق سواری و ماهیگیری تا گاو بازی، اسکی و کوهنوردی را دربرمی گرفت.

به همت مرکز هم اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی

نخستین میزگرد «ارزیابی حمایت های دولت از ادبیات داستانی» برگزار شد

نخستین میزگرد تخصصی «ارزیابی حمایت های دولت از ادبیات داستانی» هشتم تیرماه از سوی مرکز هم اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی برگزار شد. به گزارش روابط عمومی مرکز هم اندیشی استادان و نخبگان دانشگاهی، این میزگرد در ساختمان اصلی این مرکز با حضور مدیر دفتر مطالعات و برنامه های راهبردی مرکز هم اندیشی و چند تن از استادان این حوزه از جمله دکتر قدرت الله طاهری، مدرس دانشگاه شهید بهشتی و دکتر مریم حسینی، عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا برگزار شد.

در آغاز جلسه، مرتضی فاضلی مدیر مطالعات و برنامه های راهبردی مرکز هم اندیشی طی سخنانی با اشاره به هدف این مرکز، از برگزاری میزهای تخصصی گفت: «مرکز هم اندیشی تلاش می کند با استفاده از ظرفیت های کارشناسی و توانمندی علمی و تخصصی استادان دانشگاه هافرا آیند تصمیم سازی استادان برای مدیران و مسوولان دستگاه های ذی ربط را اجرایی کند.»

در ادامه، داوود زیدی مجری و کارشناس جلسه با اشاره به عمر صد ساله ادبیات داستانی در ایران، پرسشی را درباره جایگاه ادبیات داستانی معاصر در عرصه تاریخ ادبیات ایران و ادبیات جهانی مطرح کرد.

قدرت الله طاهری در پاسخ به این مساله، عمر ادبیات داستانی را فراتر از صد سال برشمرد و روایت های گوناگون اسطوره ای به نظم درآمده را جزئی از ادبیات داستانی دانست که با ملیت و مذهب ما در آمیخته و ترکیب شده است. وی تاریخ ایران را دارای ظرفیت های فراوانی دانست که بسیاری از آنها متاسفانه

هنوز شکل روایی به خود نگرفته اند؛ تا آنجا که نویسندگان ایرانی عموماً در به تصویر کشیدن ظلم هایی که در طول تاریخ به ایرانیان شده، ناتوان و بی توجه بوده اند. این استاد دانشگاه دوره اوج ادبیات فارسی را حد فاصل قرن چهارم تا قرن هشتم برشمرد اما وضع ادبی معاصر را پس از دوران فترت ادبی - به ویژه دوران سی ساله انقلاب اسلامی - بسیار خوب ارزیابی کرد و پیشرفت و بروز استعداد زنان را در سی ساله اخیر بسیار چشمگیر و قابل توجه دانست.

در ادامه این بحث، مریم حسینی با اشاره به اینکه نمی توان برای ادبیات داستانی چارچوبی متصور شد، اظهار داشت: «بهتر است عرصه را برای ارائه تمام آثار ادبی مهیا کرد و طبیعی است از مسیر نقد و تحلیل در جامعه ادبی آثار ضعیف مورد توجه مخاطب قرار نخواهند گرفت.»

حسینی، متعالی ترین نوع حمایت دولت از ادبیات را در حمایت از منتقدان دانست و افزود: «سیر کمال ادبی تنها در سایه پرورش منتقدان اتفاق می افتد.» در ادامه، طاهری تصدی گری دولت در عرصه امور فرهنگی را رد کرد و گفت: «زمانی که اقتصاد جهانی رو به خصوصی سازی پیش می رود در عرصه فرهنگ که بسیار حساس تر از اقتصاد است حضور مستقیم دولت آسیبی جدی به شمار می رود.» وی با اشاره به این که دولت با حمایت از تشکیل نهادهای خصوصی (NGO) می تواند راه را برای نقد قوی تر آثار پیش از چاپ فراهم کند، ادامه داد: «امروزه نهادهای خصوصی که در زمینه داستان و شعر فعالیت می کنند وضعیت مالی مناسبی ندارند و حمایت از آنها می تواند جریان نقد ادبی را تقویت کند.»

در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب سایت «ایبنا» به شما امکان دستیابی به مطالب بیشتر را هم می دهد.

با داوران کتاب سال سپاه

آیین تجلیل از برگزیدگان همایش پنجمین دوره کتاب سال سپاه، دوشنبه هفته گذشته، با حضور سردار محمدعلی جعفری، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و حجت الاسلام علی سعیدی، نماینده ولی فقیه در این نهاد، در مجتمع فرهنگی غدیر برگزار شد.

کتاب «شعر منظوم ظهر» سروده غلامرضا کافی، رتبه اول گروه ادبیات و دفاع مقدس این جایزه را به دست آورد و کتاب های «آدم هم پوست می اندازد» نوشته اکبر صحرايي و «سرریزون» اثر محمد محمدی، به طور مشترک به عنوان رتبه دوم و کتاب «دیده ای یک نفر برنده شود» تالیف رضا نیکوکار، به عنوان کتاب سوم این گروه از کتاب سال سپاه انتخاب شدند. همچنین در این مراسم آثار برگزیده گروه های جامعه شناسی خانواده، سیاسی- حقوقی، فرهنگی- اعتقادی، پزشکی و پیراپزشکی، فنی و مهندسی و نظامی - امنیتی معرفی شدند.

ایبنا با اعلام کامل نام کتاب های برگزیده پنجمین دوره کتاب سال سپاه و ضمن انتشار گزارش آیین پایانی این مراسم، با سرداوران گروه های مختلف این جایزه به گفت و گو نشست است.

علی شجاعی صایمین، سرداور گروه فرهنگی- اعتقادی جایزه کتاب سال سپاه در یکی از این گفت و گو ها، خواستار فراهم آوردن زمینه های لازم برای حمایت از پاسداران اهل قلم شده و گفته است: «آثار برتر کتاب سال سپاه باید خریداری و در کتابخانه های عمومی این نهاد نظامی وارد شوند و در نشریات فرهنگی و تبلیغی سپاه مورد توجه قرار گیرند تا اطلاع رسانی لازم درباره این آثار صورت گیرد. توجه به روش های علمی و تنوع موضوع، از شرط های اولیه جذب مخاطبند. خوشبختانه تعداد زیادی از کتاب های پاسداران اهل قلم توسط ناشران خصوصی چاپ شده اند که این امر نیز قابل توجه است.»

سید علی دسب، سرداور بخش ادبیات و دفاع مقدس این جایزه هم به خبرنگار ایبنا گفته است: «متاسفانه تمامی کتاب های خاطرات، بدون نوآوری نوشته و تدوین شده بودند و به همین دلیل، هیچ کتابی در این گروه تقدیر نشد. در بخش داستان دو اثر و در بخش های پژوهش و شعر نیز یک کتاب، مورد تجلیل قرار گرفتند. متن کامل این دو گفت و گو و سایر مصاحبه های خبرگزاری کتاب با داوران جایزه کتاب سال سپاه را در ایبنا بخوانید.

اخبار ایران در دید جهانیان

صفحات عربی وانگلیسی خبرگزاری کتاب ایران، اخبار مربوط به پنجمین دوره جایزه کتاب سال سپاه و گزارش مراسم پایانی این جایزه، تحولات کتابی و اخبار آمار انتشار کتاب در حوزه های مختلف در ایران، مهم ترین عناوین مربوط به کتاب در نشریات فارسی زبان و اخباری از انتشار تازه ترین کتاب های ترجمه شده به فارسی را از نویسندگان غیر ایرانی، منتشر کردند.

نقد و معرفی جدیدترین کتاب ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب هایی که به زودی قدم به کتابفروشی ها می گذارند، گفت و گوهایی با پدید آورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه ترین خبرها و گزارش ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل هایی بر کتاب های جدید، از دیگر مطالبی اند که می توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران یافت.

گزارشی درباره جایگاه تاریخی تفکر در زبان فارسی

چرا فارسی نمی اندیشیم؟

فلات ایران بسیار پیش تر از ظهور تاریخ مسیحی، تاریخ داشته است و به عنوان یکی از بزرگ ترین تمدن های جهان شناخته می شود و هم عرض جهان یونانی، که غرب مسکون عالم را تحت تسلط داشته، ایران هم امپراتوری حاکم بر شرق عالم به شمار می رفت، اما تمدنی ساخته نمی شود، مگر با اندیشه و این اندیشه است که ضرورت ظهور تمدن ها را ایجاد می کند.

اندیشه نیز تا زمانی که انتقال پذیر نباشد و در ساحت زبان جلوه نکند، به هیچ کار انسان و تاریخ نمی آید. از همین جاست که به اهمیت زبان در شکل گیری اندیشه و انتقال تفکر می رسیم.

می توان از زبان دری و پهلوی به عنوان نخستین زبان های دارای رسم الخط در فلات ایران نام برد، اما از این زبان های پیش از ظهور اسلام، آثار زیادی به جای نمانده است ولی می توان این ادعا را مطرح کرد که این دو زبان - که هر دو به فارسی شهرت دارند - زبان اندیشه و فلسفه نبوده اند.

اکنون باید در پی پاسخی بود برای این سؤال که چرا با توجه به مرادفات فلسفی و علمی بین مدارس علمی یونانی و بعدتر رومی، با مدارس علمی ایران، زبانی که در این مدارس استفاده می شده، زبان فارسی نبوده است؟

بسیاری، زبان دری را زبان درباری می دانند و آثاری هم که به زبان پهلوی نسبت داده می شوند. با عنوان «پهلوی» در تاریخ از آنها یاد شده، به دست ما نرسیده اند، اما می توان این فرض را طرح کرد که گذشت زمان و چیرگی زبان عربی بر منطقه، باعث بی فروغی و فراموش شدن این آثار شده اند.

در مدارس علمی ایرانی پیش از اسلام، علمای یهودی و زرتشتی و مانویان حضور داشته اند و زبان علمی دوران هخامنشی و ساسانی، زبان سریانی بوده است؛ زبانی که بسیاری از آثار یونانی، پیش از آن که به زبان عربی ترجمه شوند، به آن برگردانده شده اند و حکمای ایران به آنها دسترسی داشته اند.

به راستی علت بی فروغی زبان فارسی در اعصار مختلف چیست و آیا برای پاسخ دادن به این سؤال باید بر نحو دستور زبان فارسی تمرکز کرد یا عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را باعث رکود فلسفی زبان فارسی دانست؟

سیاوش جمادی، یکی از مترجمان و اندیشمندان معاصر است که ترجمه های وی به منابع مهمی برای دانشجویان و استادان فلسفه تبدیل شده اند و دانش او به زبان مقصد باعث شده تا یکی از گزینه های مناسب برای این پرسش باشد.

جمادی در این باره می گوید: «به نظر من مسائل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باعث این اتفاق می شوند. اگر بخواهم دلیل بیاورم، باید یک تاریخ طولانی را مرور کنیم که این امر ممکن نیست.

زبان فارسی دوران ساسانی یعنی زبان پهلوی و پیش از آن که زبان علمی و فلسفی باشد، زبان اوستاست. باید نگاه کرد و دید که تاکنون چند کتاب به این زبان نوشته شده است و سرنخ این کتاب ها از کجاست و ناشر این کتاب ها چه کسانی اند؟ در دوران پیشامدرن، نه تنها ایران، بلکه در هیچ جا امکان تکثیر پذیری صنعتی وجود نداشت، بنابراین صدای تفکر به توده های مردم نمی رسید. همچنین توده های مردم بی سواد بودند، از این رو همواره شکافی بین حلقه های فکری و فلسفی که اغلب وابسته به قدرت بودند و از جانب قدرت حمایت می شدند، و وجود

داشت. به عنوان مثال شاهان، ناشر بوده اند و این شکاف بسیار عمیق بین آنها و توده های مردم وجود داشت.»

این مسأله مربوط به زبان نیست، بلکه مسأله ای مربوط به تحولات سیاسی و اجتماعی است. بنابراین با توجه به این که هر قدرتی، چه نوع تفکری را رقم می زند و متفکران چگونه با قدرت ها کشمکش می کرده اند، این اتفاقات رقم می خورده اند. همیشه فلسفه و تفکر توسط سانسور، هراس و ارباب قدرت ها به تنگنا رفته و در کشمکش بوده است.»

جمادی ادامه می دهد: «برای این که مسأله را خلاصه کنم، دو شاهد می آورم که شبیه هم اند؛ یکی ابن مقفع در دوران عباسی و دیگری بزرگمهر حکیم در زمان انوشیروان، که هر دو از پیشگامان آزاداندیشی و تلاش برای آزاداندیشی در ایران بودند. ابن مقفع که به بزرگمهر اسلامی شهرت دارد، در عمل هم متأثر از بزرگمهر حکیم است. حال ببینیم سرنوشت این دو چه می شود؟ هر دو به وسیله شاهان به قتل می رسند و هر دو در تنور انداخته می شوند. این مشابهت جالب است، یکی در تنور ساسانی و دیگری در تنور عباسیان سوزانده می شوند. بنابراین تفکر در ایران نه تنها بعد از اسلام که قبل از اسلام هم همیشه با قدرت های ظالم در کشمکش بوده است.» به عقیده جمادی، تفکر عقلانی، تفکر خردورزانه و به طور کلی خردبادستگاه سلطنتی و شاهی در کشمکش بوده است.»

در حالی که با ظهور اسلام و گرویدن ایرانیان به این دین مبین، اتفاق بزرگی در عالم اندیشه رخ می دهد از یک سو سرمایه ها و میراث علمی مدارس ایران به حکومت نوپای اسلامی می رسد و از سوی دیگر توجه دانشمندان مسلمان به اندیشه های یونانی جلب می شود و در نهایت با گذشت زمان و رکود تفکر غرب در قرون وسطی، شرق و حکومت اسلامی پرچمدار تاریخ اندیشه بشری می شود. در این میان نقش ایرانیان و فلاسفه ایرانی را نمی توان نادیده گرفت. بحث اصلی این متن، اما چیزی غیر از اینها و بسی فراتر از ذکر تاریخی است که پیش تر و بیشتر از این نگاشته شده اند و در دسترس اند.

این متن در پی طرح مسأله ای است که به کار امروز اندیشه در کشور ما می آید و آن هم این که چرا در بین موج عظیم ترجمه هایی که در دوره متفاوت تاریخی در این کشور و در جهان اسلام انجام شده اند، هنوز تالیفی فلسفی به زبان فارسی نداریم و آن مقدار اندک از تالیفاتی هم که به زبان فارسی صورت گرفته اند، جز شرح و تفسیر و تاریخ نگاری نیستند؟ جمادی درباره فلسفه و تفوق زبان عربی و این که آیا باید چیرگی زبان عربی بر حوزه اندیشه را در فلات ایران، تحت شرایط سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بررسی کرد می توان آن را ناشی از ضعف ساختاری و نحوی زبان فارسی در برابر نحو زبان عربی دانست می گوید: «دوره مأمون عباسی و قرن دوم تا چهارم که نهضت ترجمه نامیده می شود و ما به آن بسیار افتخار می کنیم، نسبت به قیل و بعدش دوران خوبی است، اما در همین دوران مأمون عباسی هم دستگاهی داشته به نام «محنه» شبیه دستگاه تقطیرش عقاید و در بسیاری از مناظره هایی که در برابر خلیفه انجام می شد، اگر طرف مقابل مناظره شکست می خورد، یا همان جا به قتل می رسید یا به زندان می افتاد یا دیگر حق نداشت درباره آن موضوع کار کند؛ تنها به این دلیل که در



طرح: زینب توکلی

آنچه را که شما می گوید رد نمی کنم، اما من از حکمت انسانی سخن می گویم.»

در این که عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی باعث سایه نشینی زبان فارسی در حوزه فلسفه بوده اند، شکی نیست؛ اما باید به خاطر داشته باشیم که بعدها شرایط به گونه ای می شود که دیگر این حکومت ها و قدرت ها نیستند که زبان فارسی را از مدارس اندیشه جدا می کنند، بلکه این زمزمه از خود

مدارس به گوش می رسد که زبان فارسی زبان شعر است، نه زبان فلسفه، هر چند تاکنون کسی در برابر این ادعا، جوابی علمی با پشتوانه تحقیق و پژوهش نداده است و تنها اندیشمندان در پی انکار این مسأله

بوده اند. شاید مسأله چیزی فراتر از بحث زبان و ساختار آن باشد که در این صورت شنیدن سخنان پایانی جمادی خالی از فایده نخواهد بود: «معروف است هنگامی که جسد ابن رشد را به زادگاهش حمل می کنند، ابن عربی همراه دیگر تشییع کنندگان جنازه می رفته و شاهد دفن ابن رشد بوده است و قطعه ای بسیار موثر و جالب دارد. وقتی ابن عربی می بیند که سوار بر استر خورجینی هست که یک طرف آن جسد ابن رشد و طرف دیگر کتاب های ابن رشد قرار دارند و این دو با هم برابرند، می گوید که شاهد دفن حکمت عقلی بوده است! از آن پس می بینیم که به راستی در یک سوی دیگر جهان، عقلانیت و خردورزی شروع به رشد می کند و منجر به رنسانس می شود، اما در ایران همان دوران نخوت

همه فیلسوفانی بوده اند تا می رسد به ملاصدرا. همه اینها نمایندگان حکمت عقلی و فلسفی بوده اند، ولی آثار مدرن و آشنایی با دوران مدرن در کتاب های ایرانی مشاهده نمی شود، یعنی فلسفه بیشتر فلسفه کنج مدارس است. تحولات بسیار چشمگیری در فلسفه ملاصدرا وجود دارد. ملاصدرا چهره درخشانی است که کارهای عظیمی انجام می دهد، اما همان ملاصدرا هم با قدرت حاکم درگیری هایی داشته است و مجبور بوده خودش را از گزند اتهام، تهمت و افترا در امان نگاه دارد. در ایران غالباً مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی که من همه را خلاصه می کنم در مناسبات قدرت، بر فضای فکری - اعم از ترجمه یا تالیف - سیطره داشته اند.»

مناظره شکست خورده است. البته این اتفاق همیشه و کلی نبوده است ولی مورخان مواردی را گزارش کرده اند. همچنین قدرت، یعنی مأمون عباسی از معتزله حمایت می کرده است و در این شرایط، اشاعره مرتد، ملحد و زندیق بوده اند. ابن مقفع به دلیل زندیق بودن و بزرگمهر به جرم زندیق بودن به مرگ محکومند و کشته می شوند. در چنین شرایطی تکلیف زبان نگارشی فلسفه و اندیشه معلوم است!»

او برای بیان دلایل کم فروغی زبان فارسی در حوزه فلسفه به بیان وضعیت حاکم بر جامعه می پردازد و اظهار می دارد: «دوران امویان و عباسیان از وحشتناک ترین دوره ها از نظر سلطه و دیکتاتوری بر فکر در ایران بود. اگر آن قدرت از فلسفه، از اعتزال و از معتزله حمایت می کرد، این جریان هم رشد می یافت. در مقابل، زمانی هم که عمیدالملک کندری وزیر آلب ارسلان سلجوقی اشعری بود، معتزله مرتد می شوند، زندیق می شوند، محکوم به مرگ می شوند و... بنابراین در تاریخ ما چنین مسایلی که جنبه سیاسی دارد، بر تفکر سلطه داشته و تاثیر می گذاشته است.

البته این مسأله به طور ملموس تر به دوران نزدیک تر به ما مربوط می شود؛ به دوران نخوت فلسفه و تفکر در ایران، زیرا تا زمان ملاصدرا اگر زبان فارسی فلسفی نداشتیم، فیلسوف ایرانی که کم نداشتیم، فیلسوفانی که زبان اصلی شان را عربی برگزیده بودند و دلایل بسیاری برای کار آنها می توان آورد. دلایلی موجه و قانع کننده از این قبیل که زبان عربی زبان قرآن و دین اسلام بود و خلفای اسلامی نیز در دربارشان به متون عربی توجه نشان می دادند و عربی زبان سیاسی زمان بود و... اما آیا فیلسوفان بزرگ ما در دوره های بعد نباید توجه بیشتری به زبان فارسی از خود نشان می دادند؟»

جمادی در این باره می گوید: «کسانی مانند ابن سینا و ابن رشد که در ایران کارهای فلسفی کرده اند، چنان نهضتی را به وجود آورده اند که به اعتقاد بسیاری از پژوهشگران، رنسانس بالقوه در شرق می بایست از ایران شروع می شد، اما با تکفیر غزالی، حمله مغولان و به دلایل عدیده، متأسفانه یک مرتبه این سینا در شرق و غرب به حاشیه می رود. این رشد آنچنان که هاتری کرین هم نقل می کند، می گوید من

نشر آبرنگ
ناشر برگزیده بیست و سومین
نمایشگاه بین المللی کتاب تهران

**کتابهای
دنای ریاضی ابتدایی**

تألیف: زهرا سوادیان

مرکز پخش: تهران - انقلاب - ۱۲ فروردین
مجموعه کتاب فروردین - طبقه همکف
۶۶۴۹۷۲۴۴

خانه کتاب منتشر کرد

خیابان انقلاب بین فلسطین و میبای
جنوبی شماره ۱۱۷۸

عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع):

دلایل سیاسی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ بیشتر مورد توجه بوده اند

وی با تاکید بر لزوم انتشار اطلاعات و اسناد بیشتر درباره چگونگی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط مراجع مسوول، خاطر نشان می‌کند: «هنوز اسناد عراق، سازمان ملل متحد و مدارک آمریکا و روسیه در رابطه با نقش آنها در شکل‌گیری قطعنامه و حمایت آنان در صحنه‌های نظامی، سیاسی از عراق چاپ نشده و در اختیار محققان قرار نگرفته‌اند.»

فرمانده نیروی دریایی سپاه پاسداران در دوران دفاع مقدس از آغاز نگارش تازه‌ترین اثر خود با عنوان «تاریخ تحلیل جنگ ایران و عراق» و موضوع چگونگی پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و پایان جنگ خبر می‌دهد و تصریح می‌کند: «در این کتاب به شفاف‌سازی و بیان مسایل مبهم پایان جنگ می‌پردازم. به نظر من امام خمینی (ره)، قطعنامه ۵۹۸ را از روی میل و رغبت نپذیرفتند. ایشان قصد داشتند که جنگ به مرحله‌ای برسد که ایران با یک پیروزی قاطع نظامی، باعث سرنگونی حکومت بعث عراق به دست مردم این کشور شود و آنها دولت دلخواه خود را انتخاب کنند.» وی با اشاره به تدبیر بنیان‌گذار انقلاب اسلامی در زمان پذیرش قطعنامه ۵۹۸ تاکید می‌کند: «ادامه جنگ، به نفع ایران نبود و درگیری‌ها فرسایشی بودند و به همین سبب، جمهوری اسلامی این قطعنامه را پذیرفت.»

حسین علایی، بخش‌های دیگری از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران مانند روند جنگ پس از آزادسازی خرمشهر و دستاوردها و نتایج دفاع مقدس را نیازمند توضیح و شفاف‌سازی بیشتری برای افکار عمومی می‌داند و یادآور می‌شود: «طرح جنبه‌های نظامی به جای خود مناسب است. اما زاویه‌های حماسی و عاطفی دفاع مقدس درباره مسایلی مانند پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و روند پایان جنگ هنوز به ادبیات داستانی راه پیدا نکرده‌اند. نگارش رمان و داستان، در روشن کردن این بخش‌ها برای قشر جوان موثر خواهند بود.»



وی با اشاره به این که بیشتر کتاب‌های مرتبط با پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به زوایای سیاسی این واقعه پرداخته‌اند، توضیح می‌دهد: «سیاست، جنبه اصلی هر جنگی را شکل می‌دهد و عملی کردن اقدامات نظامی از سوی نیروهای مسلح، با هدف دست‌یابی به اهداف سیاسی طرح‌ریزی می‌شوند. به همین سبب نیز بیشتر کتاب‌ها به این مقوله توجه و بر آن تکیه کرده‌اند.»

حسین علایی، آثار منتشر شده در مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس را جزو بهترین کتاب‌ها درباره پذیرش قطعنامه ۵۹۸ می‌داند و معتقد است: «با وجود این کتاب‌ها، هنوز جای تحقیقات و تالیفات متعدد درباره پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران خالی است و بی‌توجهی مجامع دانشگاهی به مسایل تاریخ معاصر در قالب پایان‌نامه، در این باره تأثیرگذار بوده است.»

عراق علیه ایران هنوز کمرنگ است و معمولاً اهمیت و ارجحیت مسایل سیاسی این واقعه، یکی از دلایل این اتفاق عنوان می‌شود.

دکتر حسین علایی، عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین (ع) و یکی از فرماندهان دوران دفاع مقدس و کارشناس مسایل سیاسی معتقد است: «هر جنگی که آغاز می‌شود، قطعاً روزی به اتمام می‌رسد و آنچه مورد بحث صاحب‌نظران قرار می‌گیرد، چگونگی به پایان رسیدن آن است.»

وی ادامه می‌دهد: «جنگ‌ها با چهار روش تمام می‌شوند؛ اول این که آغازگر جنگ، به اهداف مدنظر خود می‌رسد و درگیری پایان می‌یابد. راه دوم این است، کشوری که مورد حمله قرار گرفته، طرف آغازگر جنگ را از رسیدن به خواسته‌های خود مایوس کند و کشور متجاوز، مجبور به عقب‌نشینی شود. شیوه سوم این است که طرفین، وارد مذاکره و مصالحه شوند و با دست‌یابی به یک نقطه توافق، نبرد نظامی را به پایان می‌رسانند. در شیوه چهارم و آخر هم، یک مرجع ثالث و مورد قبول طرفین، مثل شورای امنیت سازمان ملل متحد، وارد عمل می‌شود و در چارچوبی خاص، شرایط پایان جنگ را تعیین می‌کند.»

علایی، تصریح می‌کند: «در ابتدای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، قطعنامه‌هایی توسط سازمان ملل صادر شد که بیشتر آنها به نفع تجاوزگر جنگ بودند. این قطعنامه‌ها در حالی صادر می‌شدند که نیروهای عراقی هنوز در خاک ایران بودند و در هیچ یک از بندهای آن به لزوم عقب‌نشینی عراق به مرز خود اشاره نشده بود. به همین سبب، ایران قطعنامه‌های ذکر شده را نپذیرفت و از مواضع خود کوتاه نیامد.» نویسنده کتاب «مهدی باکری در اندیشه و عمل»، خاطر نشان می‌کند: «حتی قطعنامه ۵۹۸ هم در مرحله اول به سود ایران نبود و به دلیل پیشروی ایران در خاک عراق، سازمان ملل از طرفین درگیری درخواست کرد که به مرزهای خود بازگردند.»

صدور نخستین قطعنامه سازمان ملل متحد به شماره ۴۹۷ در تاریخ ششم مهر سال ۱۳۵۹ و همچنین صدور قطعنامه‌های ۵۲۲، ۵۴۰، ۵۵۲، ۵۸۲ و ۵۸۸ تا اواسط سال ۱۳۶۵، این سوال را در میان افکار عمومی به وجود می‌آورد که چرا پذیرش آتش بس جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در همان سال‌ها صورت نگرفته است؟

این واقعیت که قطعنامه‌های ذکر شده، در مواقع پیشروی رزمندگان ایرانی در دفاع از میهن و دست‌یابی به موفقیت‌های نظامی صادر شده‌اند و منافع ایران را در نظر نگرفته‌اند، در چهل و نهمین مجلد از مجموعه کتاب‌های «روزشمار جنگ ایران و عراق» با عنوان «تصویب قطعنامه ۵۹۸، زمینه‌های سیاسی و نظامی»، چاپ شده توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس و کتاب «شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران» منتشر شده در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، مشروح‌تر از دیگر آثار تبیین شده است. محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران در سال‌های دفاع مقدس نیز کتاب منتشر نشده‌ای با عنوان «پایان پنهان» دارد و در آن مسایلی چون فعالیت‌های دیپلماتیک صورت گرفته بین ایران و سازمان ملل و عملیات‌های نظامی عراق و ایران در یک سال آخر جنگ را که منجر به پذیرش آتش بس شده‌اند، تشریح کرده است.

همچنین سردار احمد سوداگر، کتاب دیگری با نام «روند شکل‌گیری قطعنامه‌های سازمان ملل (۵۹۸)» در دست نگارش دارد که در آن به دو سوال عمده مبنی بر دلیل عدم پذیرش قطعنامه ۵۱۴ شورای امنیت، پس از فتح خرمشهر و قبول کردن قطعنامه ۵۹۸ بعد از هشت سال جنگ، به عنوان مفروضات اساسی تحقیقش، پاسخ خواهد داد. اما مجموع آثار منتشر شده نشان از این واقعیت دارند که شرح همه جانبه موضوع پایان جنگ تحمیلی

حبیب احمدزاده:

روایت ساده و صریح جنگ، به راحتی داستان می‌شود

صریح‌ترین حرف‌ها درباره آن روزهای دانم. خودم هیچ‌گاه جرات نکردم دیده‌هایم را به این صراحت بیان کنم. آن زمان کسی تجربه جنگ نداشت و ما جنگیدن را با خون دادن یاد گرفته و نتیجه بسیاری از عملیات‌ها را با خون دادن به دست آورده‌ایم. بنابراین مهم این است که تجربیات ثبت و اشتباهات تکرار نشوند.

صداقت «دا» این است که با تحلیل‌های همان روزها خاطرات و حوادث بیان شده‌اند و برایم مهم بود که همه مردم از این وقایع آگاه شوند. با این هدف مسابقه کتابخوانی کتاب «دا» را در بخش‌های عمومی زندان اوین برگزار کردیم. از نظر زندانیان زن، اگر الگویی مانند زهرا حسینی (راوی کتاب «دا») داشتند، اغلب سختی‌ها را تحمل می‌کردند.» وی با اشاره به کتاب در دست انتشار مجموعه مطالب، متن برنامه‌ها و یادداشت‌هایش درباره فاجعه حمله به هواپیمای مسافربری ایران توسط ارتش آمریکا در سال ۱۳۶۷، تصریح می‌کند: «در حمله به هواپیمای ایرباس، ۲۹۰ انسان غیرنظامی شهید شدند، اما در آمریکا علاوه بر این که معذرت‌خواهی از ملت ایران صورت نگرفت، عاملان این حادثه، مدال افتخار نیز دریافت کردند و بر همین اساس ملت ایران به خاطر احترام به خودشان باید پای کار گرامیداشت یاد آن شهیدان بایستند.»

حبیب احمدزاده نگارش داستان جنگ را به تهیه غذا در یک رستوران تشبیه می‌کند و می‌گوید: «بر اساس اقتضای داستان، جزئیات جنگ را مانند عملیات‌ها، شکست‌ها، پیروزی‌ها و شخصیت‌ها انتخاب می‌کنیم. مهم این است که رستورانی برای سلاقی متفاوت مخاطبان تهیه کنیم تا قدرت انتخاب داشته باشند. اما مشکل ما این است که این رستوران در دسترس نیست و فقط یک نوع غذا را ترویج می‌کنیم. اغلب کتاب‌های منتشر شده درباره جنگ را نخوانده، نقد می‌کنیم! در حالی که با مطالعه‌شان با دست‌پُر به اظهار نظر می‌پردازیم و سوال‌ها و پاسخ‌های تازه‌ای ایجاد می‌شوند.»

وی درباره روند نگارش و انتشار آثارش تصریح می‌کند: «مهم نیست که سالی یک اثر منتشر شود. من تأثیرگذاری را به لذت بخش بودن کاری می‌دانم که انجام می‌دهم. همه در رویاهایشان داستان می‌نویسند، من در زندگی واقعی دست به نویسندگی می‌زنم. به این معنی که آنچه به رشته تحریر درمی‌آورم، در عمل تجربه کرده‌ام. بر همین اساس وقتی به صورت مکتوب درمی‌آیند، به راحتی شکل داستان به خود می‌گیرند.»

حبیب احمدزاده درباره کتاب «دا» می‌گوید: «از آنجا که وضعیت روزهای ابتدای جنگ را تجربه کرده‌ام، این کتاب را بیانگر صادقانه‌ترین و



تحمیلی عراق علیه ایران، می‌گوید: «همیشه در آثارمان، یک طرف را خوب و طرف دیگر را بد جلوه داده‌ایم. در حالی که این حادثه تجربیات نابی دارد که می‌توان به آنها دست یافت.»

وی درباره ترجمه آثار مرتبط با جنگ تصریح می‌کند: «داستانی قابل ترجمه به زبان‌های دیگر است که حس همذات‌پنداری و همدردی را در مخاطبان زبان‌های دیگر ایجاد کند. آثاری که قابل ترجمه نیستند، ظروف زبانی پیچیده‌ای دارند و وقتی ظرف زبانی در داستان بشکند، چیزی از آن باقی نمی‌ماند. به اعتقاد من زبان روایت جنگ باید ساده و صریح باشد و پیچیدگی‌هایی که در بسیاری از آثار وجود دارند، سبب هم خوانی نداشتن ظرف و مظهر می‌شوند.»

نسترن پورصالحی: حبیب احمدزاده، داستان‌نویس با دو کتاب «داستان‌های شهر جنگی» و «شطرنج با ماشین قیامت»، در حوزه ادبیات جنگ تحمیلی عراق علیه ایران. که به چندین زبان ترجمه شده‌اند. شناخته شده است.

وی ۲۷ مهرماه سال ۱۳۴۳ در آبادان متولد شده و اکنون در مقطع دکترای پژوهش هنر مشغول به تحصیل است.

احمدزاده درباره‌ترین کتاب‌هایش می‌گوید: «مجموعه هفت داستان کوتاه جنگی، اثری درباره ۲۰ سالگی حمله ارتش آمریکا به هواپیمای مسافربری ایران و کتاب نقد تکمیلی آثار صادق هدایت که با سرخ‌های این کتاب، فیلم «گفت و گو با سایه» توسط خسرو سینایی ساخته شده، به زودی منتشر خواهند شد.» وی درباره چگونگی ترجمه رمان «شطرنج با ماشین قیامت» توسط پال اسپراکمن به زبان انگلیسی، یادآور می‌شود: «هنگام فیلمبرداری فیلم «آن که دریا می‌رود»، با این مترجم ملاقات داشتم. تعدادی کتاب برای ترجمه به وی پیشنهاد شده بود که بین آنها «شطرنج با ماشین قیامت» را انتخاب کرد. برای اسپراکمن، انتشار چنین کتابی در ایران باور کردنی نبود. این موضوع سبب تعجب من شد.»

این داستان‌نویس جنگ با اشاره به توجه بیش از اندازه نویسندگان به لایه‌های اولیه و سطحی جنگ



سجاد صاحبان زند

ترجمه مجدد آثار یکی از بحث‌هایی است که همواره در جامعه ادبی مطرح بوده است. برخی کارشناسان ادبی و مترجمان معتقدند یک اثر ادبی که با ترجمه خوبی وارد بازار کتاب شده، نیازی به ترجمه مجدد ندارد و برخی دیگر بر این باورند که هر کتاب، پس از گذشت چند سال باید مجدداً به فارسی ترجمه شود، چرا که زبان مقصد (یعنی فارسی) دچار تحولاتی شده که ترجمه دوباره این آثار ضروری است. کتاب هفته به همین منظور بر آن شد تا این مبحث را با حضور سه مترجم بررسی کند. اسدالله امرایی، محسن سلیمانی و گیتا گرکانی در این میزگرد حاضر شدند و دلایل خود را برای ترجمه مجدد آثار یا عدم نیاز به آن عنوان کردند. در این میزگرد فرزاد شیرزادی، داستان‌نویس و روزنامه‌نگار هم ما را یاری کرده است.

میزگردی درباره ترجمه‌های چند باره آثار ادبیات داستانی جهان

ترجمه دوباره؛ ضرورت یا کتابسازی؟

و برای هنر بخشنامه صادر کنیم. ممکن است جوانی، عاشق یک اثر باشد و احساس کند آن را بهتر از ترجمه‌های قبلی می‌تواند ترجمه کند، خوب می‌تواند امتحان کند. ممکن است واقعا هم موفق شود و کار بهتری ارائه دهد. ما نمی‌توانیم بگوییم نه. این چیزی است که باید اتفاق بیفتد و با جوابی که بعداً از آن می‌گیریم، قضاوت کنیم که آیا کار بهتری است یا نه. این کارها تا انجام نشود، شما هیچ نظری درباره‌اش نمی‌توانید بدهید.

شیرزادی: به هر حال این آثار چاپ شده است که ما اکنون درباره‌اش نظر می‌دهیم.

به جای این که مترجم، یک کار کلاسیک را که قبلاً ترجمه شده، دوباره ترجمه کند می‌تواند یک کار جدید را از نویسنده‌ای که شناختن‌اش به درد ما می‌خورد ترجمه کند.

گرکانی: ما در ترجمه‌های هم‌زمان مشکل داریم، چون از کارهای همدیگر خبر نداریم. ما می‌توانیم بگوییم که کاش یک کار جدید را یک آدم، با قدرت معرفی کند، اما نمی‌توانیم به کسی بگوییم که تو نباید یک اثر کلاسیک را دوست داشته باشی. ممکن است کسی آنقدر عاشق «اتللو» باشد و دلش بخواهد خودش آن را دوباره ترجمه کند و خودش بهتر از همه فهمیده و شاید درست هم فکر کند، چون تا کار را انجام ندهد نمی‌توانید بگویید درست فکر می‌کند یا نه.

ترجمه دوباره از یک اثر بعد از چند سال و ترجمه‌های متعدد از یک اثر، در کشورهای دیگر چطور است؟ آیا مثلاً در آمریکا، آثار هاینریش بل یا هرمان هسه را چندبار ترجمه کرده‌اند؟

امرایی: نه، آنجا بحثی به اسم کپی‌رایت وجود دارد. **شیرزادی:** سی سال بعد از مرگ مولف که کپی‌رایت وجود ندارد. مثلاً درباره هرمان هسه هم کپی‌رایت وجود ندارد؟

امرایی: کپی‌رایت در آنجا حتی اگر در حد تعارف هم باشد، رعایت می‌شود. به عنوان مثال، چند سال پیش من رمان کوچکی از ساندراسینسروس ترجمه کردم با نام «خانه خیابان مانگو». من برای نویسنده‌اش نامه فرستادم که ما تابع کپی‌رایت نیستیم، اما اخلاق حرفه‌ای من می‌گوید که به نویسنده اطلاع بدهم که اثر او را ترجمه کرده‌ام، اگر ناشر بپذیرد که مبلغش را بپردازد چه بهتر. البته گاهی ناشر، در مواردی پول داده و اثر را خریده و در مواردی هم فقط در حد تعارف بوده که در اغلب موارد هم موافقت کرده‌اند. در مواقعی هم که پول خواسته‌اند آنقدر نازل بوده که از ضایعات کتاب هم کمتر است.

گرکانی: در واقع یک قرارداد صوری است. **امرایی:** دقیقاً یک چیز صوری است. همین کتاب را که نام بردم، یک آقای از شیراز به خانم سوزان برگولس از طریق سایتش نامه داده که از این آثار خوشش آمده و می‌خواهد ترجمه‌اش کند. اما او برایش یک نامه مفصل داده که در تاریخ فلان از ایران با من تماس گرفته‌اند و فردی این کتاب را ترجمه کرده و ما چون اجازه این کتاب را به ایشان داده‌ایم، بنابراین هر اثر دیگری را که شما می‌خواهید از این نویسنده ترجمه کنید باید از او سوال کنید که آیا می‌خواهد ترجمه کند که اگر خواست ترجمه کند، اولویت با اوست و اگر نه، کتباً اعلام کند که ما اجازه‌اش را به شما بدهیم. ببینید اینها، این گونه با قضیه کپی‌رایت برخورد می‌کنند. نکته دیگر این که مثلاً از یک کتاب هاینریش بل، شش ترجمه با شش مترجم مختلف دیده‌ام. اما فرض کنید که در آمریکا چاپ شده، اما در پاپوش توضیح داده که این کتاب به دلیل قوانین کپی‌رایت، فروشش در کشورهای مشترک المنافع بریتانیا



رمان ترجمه می‌کردند. این تفاوت زبانی که امروزه رمان‌های بازترجمه شده با گذشته پیدا کرده به دلیل پیدا شدن واژه‌های جدید است.

گرکانی: ما چون کپی‌رایت نداریم، ترجمه‌های هم‌زمان داریم و این را پذیرفته‌ایم، بنابراین ترجمه‌های تکراری هم قابل پذیرش است، چون قانونی نیست که جلوی‌اش را بگیرد. آنهایی که ترجمه کرده‌اند، خودشان هم می‌دانستند که ممکن است فرد دیگری و در زمان دیگری همان اثر را ترجمه کند. اما درباره این بحث که هر ۱۰ سال یک بار کارها ترجمه شود، خیلی زود است. شاید کسانی ضرورت ببینند اما مگر ما چند نفر داریم که به زیبایی حسن قانمیان ترجمه کنند؟ چند نفر داریم که فارسی‌شان به آن قدرت باشد؟ ما که اینقدر به فارسی

امروزی می‌نازیم، چند نفر داریم که به زیبایی عبدالله مستوفی کتاب بنویسند؟ آیا واقعا مطمئنیم که فارسی ما جلو رفته؟ ممکن است ما واژه‌های جدید پیدا کرده باشیم، اما آیا قدرت زبان ما از آنها بیشتر است؟ من مخالف نیستم که ممکن است بعضی از کارهایی که قبلاً ترجمه شده، ترجمه‌های خوبی نباشند، اما ممکن است کسی کتابی را ببیند و احساس کند که می‌تواند بهتر ترجمه کند، هیچ قانون و قاعده‌ای هم وجود ندارد. در نهایت وقتی که بیرون آمد، مردم قضاوت می‌کنند. اینکه فکر کنیم ضرورت دارد کارهای قبلی را کنار بگذاریم، من اعتقادی ندارم. بستگی به آن دارد که چه کاری باشد و چه کسی آن کار را انجام داده باشد. من کارهای قانمیان را دوست دارم یا ترجمه دکتر زهرا خانلری از «رئیس جمهور آستوریاس» یک شاهکار و حتی هشتاد سال دیگر هم شاهکار است.

امرایی: به همین دلیل است که هیچ کس سراغ ترجمه‌اش نرفته.

گرکانی: چون از نظر سختی ترجمه، کتاب هولناکی است.

شیرزادی: درست است که کپی‌رایت وجود ندارد اما مثلاً سال گذشته از «سازده کوچولو» آگروپری چند ترجمه جدید به بازار آمد.

این اثر را محمد قاضی، شاملو و ابوالحسن نجفی قبلاً ترجمه کرده‌اند، چند سال پیش هم رحماندوست آن را ترجمه کرد؛ سال گذشته هم ترجمه‌ای گمنام تر این اثر را به فارسی برگرداندند. این یعنی چه؟ چون کپی‌رایت نیست قانون تنازع بقا باید حاکم باشد؟

گرکانی: ماصار داریم که برای ادبیات قانون بگذاریم

امرایی: فکر می‌کنم دارد، چون حداقل ۴۵ سال از زمان ترجمه‌اش گذشته، اما صالح‌ترین فرد برای این کار خود مترجم اثر است.

همینگوی «وداع با اسلحه» را با زبان دهه ۴۰ آمریکا نوشته، ما اگر بگوییم که با زبان امروزی تر ترجمه کنیم مثل این است که «کلیدر» را دوباره به زبان امروزی بنویسیم. آیا این درست است؟

سلیمانی: ما در ترجمه ادبیات چیزی به اسم سبک داریم که سبک را در ترجمه‌های علمی نداریم. چون زبان علمی چند پهلوی یا مجازی نیست و سراسرت و مثل زبان ریاضی است. ولی در ادبیات مجبوریم مواظب باشیم که سبک افت نکند و با رعایت زبان چند پهلوی، آن چیزی را ترجمه می‌کنیم و معادلش را در زبان خود پیدا می‌کنیم. مثلاً در ریاندردی می‌گوید که من دیدم زبان رمان ایشیگورو در «بازمانده روز»، معادل زبان دوره قاجار در فارسی است، من آن سبک را مطالعه کردم و در ترجمه رمان از همین زبان استفاده کردم. اما آنچه آقای امرایی مطرح می‌کند مربوط به جابه‌جایی نوع زندگی ماست، مثلاً ۵۰ سال پیش نوع زندگی ما با زندگی اروپایی‌ها خیلی متفاوت بود و خیلی از واژه‌ها در زبان ما وجود نداشت. بنابراین اگر مترجم می‌خواست باگت و سوسیس را ترجمه کند، چون ما واژه‌اش را نداشتیم، نمی‌دانست که چه چیزی به جایش بیاورد. من این مشکلات را در ترجمه‌های قدیمی دیده‌ام. مثلاً مستعان در «بینوایان» نمی‌دانسته برای بعضی از کلمات چه معادل‌هایی پیدا کند. بعضی از خوراکی‌ها یا بعضی از اقلام و اشیای اتاق را که آن موقع ما به دلیل تفاوت نوع زندگیمان با اروپایی‌ها، واژه‌ای برایش نداشته‌ایم، نمی‌دانسته چه چیز را جایگزین آنها کند. ولی وقتی ما وارد زندگی مدرن شدیم، کم‌کم زبان فارسی واژه‌هایی یا معادل‌هایی را برای اشیاء و حالات و رفتار تولید کرد. اما ما آن موقع در ترجمه داستان مشکل داشتیم. از دوره قاجار که ما برای اولین بار مثلاً «سه تنفگذار» را ترجمه کردیم، زبان خاصی برای ترجمه داستان نداشتیم. کم‌کم زبان فارسی از این نظر بارور شد و کلمه‌های جدید تولید کرد. با ورود ما به زندگی مدرن (یا در واقع وقتی ما را کشتان کشتان وارد زندگی مدرن کردند) ناگزیر شدیم که کلمه‌های جدیدی بسازیم. به خصوص درباره اشیاء یا ابزارهای مدرنی که وارد زندگی ما شد. آقای مستعان و مترجمان دیگر، با همه بضاعت و قدرتی که در زبان فارسی داشتند، با استفاده از زبانی که هنوز از بعضی جهات واژه کم داشت،

شیرزادی: در عرصه ادبیات داستانی جهان برخی از کتاب‌هایی که قبلاً ترجمه شده‌اند دوباره در ایران ترجمه می‌شوند. این کتاب‌ها را پیش‌تر مترجمان شاخص و نامداری به فارسی برگردانده‌اند و زمان زیادی هم از تاریخ انتشار آنها نگذشته که بگوییم زبان فارسی دچار تغییراتی اساسی شده است. مثلاً کتاب «تیر سیاه» اثر استیونس که قبلاً ترجمه خوبی نداشته، اگر چند بار دیگر هم ترجمه شود، ایرادی ندارد، اما چه ضرورتی دارد آثاری مثل که نجف دریابندری و برخی از مترجمان شاخص دیگر مثل محمد قاضی، بهمن فرزانه و... ترجمه کرده‌اند دوباره ترجمه شوند؟ آیا بحث کتاب‌سازی مطرح است یا به خاطر ضعف ترجمه آنها، سیستم ممیزی، تقاضای ناشر یا... این آثار دوباره ترجمه می‌شوند؟

امرایی: کتاب‌هایی که ما الان در بازار می‌بینیم ترجمه شده‌اند، چند دسته‌اند؛ یک دسته کتاب‌هایی که برای سنین خاصی هستند. به عنوان مثال «بلندی‌های بادگیر» که جزو آثار کلاسیک جهان است، هم متن کامل آن هست و هم خلاصه شده برای سنین نوجوانی و هم متن خلاصه شده برای سنین دبستان. یعنی یک «بلندی‌های بادگیر» در ۴۰ صفحه خلاصه شده یا در صد صفحه و هم این که متن کاملش که برای سنین مختلف است. این یک رویکرد است که من درباره آن حرفی ندارم که چرا این کار انجام می‌شود، چون در کشورهای دیگر هم چنین کاری انجام می‌شود. حتی آن کاری که قبلاً ترجمه شده یک مترجم دیگر آن را برمی‌دارد و برای نوجوانان و با زبان آنها خلاصه‌اش می‌کند. این کاری است که در همه جای دنیا معمول است و اینجا هم هست.

یعنی کار جدید را از ترجمه فارسی بردارد یا متن اصلی؟

امرایی: می‌تواند از ترجمه فارسی استفاده کند. **گرکانی:** این که دیگر ترجمه نمی‌شود. **امرایی:** بله ترجمه نیست. تلخیص است. آن هم به منظور خاص و به صورت تعریف شده. در واقع کار ترجمه شده تلخیص می‌شود.

ولی اینجا اسم مترجم اصلی باید بیاید.

امرایی: اگر ترجمه را تلخیص کند، فقط آن کسی که تلخیص و آدایته کرده اسمش می‌آید و این قطعاً با ترجمه متفاوت است.

گرکانی: این قانون را چه کسی گذاشته، چون او که از روی کتاب اصلی تلخیص نکرده، اگر کسی از روی ترجمه تلخیص کند، کتاب اصلی که نیست.

امرایی: کتاب اصلی نیست. اما اسم نویسنده و مترجم را آورده و زیر آنها نام خودش را به عنوان تلخیص‌کننده آورده است.

گرکانی: یعنی اسم مترجم را می‌آورد. **امرایی:** بله، گاهی شما کتاب را که آن طرف خلاصه شده برمی‌دارید و ترجمه تلخیص شده از یک متن تلخیص شده ارایه می‌دهید که اسم مترجم هم می‌آید. در مورد ترجمه‌هایی که قبلاً انجام شده‌اند و حتی گاهی مترجمان خوب و نامداری آن را ترجمه کرده‌اند و هنوز هم در قید حیات هستند، توصیه‌ام این است که ناشران با آنها صحبت کنند که دستی به کتاب ببرند و امروزی‌ترش کنند یا اگر گرفت و گیری دارد آن را رفع یا حتی با زبان و رسم الخط امروزی آن را اصلاح کنند. مثلاً دریابندری که «وداع با اسلحه» را ترجمه کرده، اگر حوصله‌اش را داشته باشد، دوباره ترجمه‌اش را بازپیرایی کند.

شیرزادی: یعنی «وداع با اسلحه» نیاز به بازپیرایی دارد؟

ممنوع است و فقط در حوزه آمریکا می تواند به فروش برسد. آنها چنین قوانینی دارند.

آقای سلیمانی! شما یک سری کتاب ترجمه کرده اید که مجموعه داستان هایی از نویسندگان مختلف جهان بود. بعضی از آنها قبلاً هم ترجمه شده بود. در کشورهای دیگر، این کار چقدر سابقه دارد که یک مترجم، چند اثر را با انتخاب خودش و با ترجمه مجدد منتشر کند و چه کار کردی دارد؟

سلیمانی: هفت سال قبل یک مجموعه داستان به سروش دادم که پس از سه، چهار بار بررسی، بالاخره چاپ شد که البته بعضی ها در آنجا مخالف چاپ کتاب بودند. اما از منظری دیگر، برخی مخالف ترجمه مجموعه داستان های کوتاه از نویسندگان مختلف در یک کتاب هستند. مثلاً دکتر قانون پرور (استاد دانشگاه تگزاس) اعتقادش بر این بود که وقتی یک داستان را از یک مجموعه بیرون می کشید و آن تکه ها را در یک مجموعه بزرگ می آورد، نمی توان تصویر درستی از آثار آن نویسنده به دست آورد و بهتر است یک مجموعه داستان، از خود همان نویسنده را در یک مجموعه ترجمه کنید. این نظری است که ممکن است کسی موافق یا مخالفش باشد. اما درباره بحث قبلی، قانون کلی وجود ندارد که آیا باید یک اثر دوباره ترجمه بشود یا نه. ولی به نظر من ترجمه مجدد - فارغ از مصداق های خاص - ضرورت دارد. مثلاً همان طور که گفتیم به دلیل تغییرات واژگانی یا به وجود آمدن واژگان جدید در یک زبان. به خصوص در زبان فارسی که وقتی ما وارد مدرنیسم می شویم، با خیلی از مظاهر تمدن غربی و تمدن جدید کم کم آشنا می شویم و برایشان واژه می سازیم. چون مجبوریم که واژه بسازیم، هم در زمینه علوم و هم در زمینه مسایل دیگر اجتماعی و زندگی. البته مترجمان در صف مقدم واژه سازی اند چون وقتی داستان های غربی ها را ترجمه می کنند مجبورند واژه بسازند یا دائم از واژه های جدیدتر که در زبان به دلیل رویارویی یا پذیرش زندگی مدرن، تولید شده استفاده کنند. به نظر من به دلیل وجود رسانه های قدرتمند که پلی بین مسافت های دور در سراسر دنیا به حساب می آیند، الان ما خیلی به دنیای مدرن نزدیک شده ایم اگر چه متأسفانه گاهی در واژه سازی تبلیغ (یا شاید توانایی تولید این همه واژه های دنیای مدرن را عملاً نداریم و به نظر بعضی فقط می توانیم واژه های پربسامد را، آن هم قبل از ورود به کشور ترجمه کنیم) و همان واژه خارجی را به کار می بریم.

نکته دیگر این که گاهی مترجم بعدی، احساس می کند که کتابی از نظر مفهوم یا سبک کار، غلط ترجمه شده است. مثلاً شما نمی توانید امروز مثل بعضی از مترجم های آثار شکسپیر اصطلاحات عامیانه فارسی استفاده کنید و به قول مرحوم سید حسن حسینی، هنگام ترجمه نمایشنامه های شکسپیر، بازیگری بگوید «راست و حسینی بگو ببینم، چی می خوای بگی؟» اگر مترجم بعدی، احساس کند که سبک کار تغییر کرده و به سبک نویسنده نمی خورد، یا به لحاظ مفهومی، مفاهیم غلط ترجمه شده و اثر دیگری به وجود آمده، باز هم ضرورت دارد اثری را دوباره مجدداً ترجمه کند ولی در این حالت حتماً باید مترجم دوم قوی تر از مترجم اول باشد. اما چه کسی این حد را تعیین می کند و می تواند به ضرس قاطع بگوید این مترجم از مترجم قبلی قوی تر است یا توانایی هایش در زبان مبدا یا زبان مقصد بیشتر است؟

متأسفانه اکنون شاخص و مرکزی برای اندازه گیری نداریم و شاید هم از نظر بعضی ها چنین جایی نباید وجود داشته باشد.

نکته دیگر درباره ضرورت ترجمه های مجدد - که به نظر من بسیار مهم است - پیدایش ابزارهای جدید است؛ ابزارهایی که مترجمان قدیم از آن بی بهره بوده اند.

در دوره مستعان، نفیسی و حتی قاضی و دریابندری، مترجمان ابزارهای محدودی برای ترجمه داشتند. مثل یک یا چند کتاب دیکشنری دو زبانه یا یک زبانه (فرانسه به فارسی یا انگلیسی به انگلیسی و فرانسه به فرانسه) و چند دانشنامه خارجی و ایرانی. اما الان معادله ها به هم خورده و با اتصال ما به اینترنت، می توان به صداها دیکشنری جورواجور و دانشنامه در یک لحظه دسترسی داشت حتی می توان در یک چشم برهم زدن از طریق اینترنت سری به کتابخانه های دنیا زد. من هنگام ترجمه و نگارش کتاب جدیدم «بزار و اسرار طنزنویسی» در جایی به یک واژه (نان خاصی در رستورانی در آمریکا)

در کتابی انگلیسی برخوردم که هر چه در دیکشنری ها (مکتوب یا آنلاین) می گشتم، معنی اش را پیدا نمی کردم. فکر کردم آن واژه را از طریق گوگل جست و جو کنم و از این طریق وصل شدم به وب سایت آن رستوران در آمریکا و معنی واژه را فوری فهمیدم و ترجمه اش کردم، اما این ابزارها در دوره های گذشته نبوده و مترجم یا غلط ترجمه می کرده یا کل پاراگراف را حذف می کرده است. ابزارهایی که ما امروز در ترجمه داریم غیر قابل مقایسه با ابزارهای مترجمان قدیم است که فقط مجبور بودند مشکلاتشان را در ترجمه با چند کتاب، بضاعت خودشان، سختکوشی یا نامه نگاری با دوست خارجی شان در آن طرف آب حل کنند! بنابراین، مترجم امروز مسلط به ابزارهای قوی تر است و لازم است در صورت توان همه کتاب های ترجمه شده در گذشته را بازنگری کند و در صورتی که متوجه شد کتابی غلط ترجمه شده، ترجمه بهتری را از آنها ارایه دهد.

آیا این موضوع، می تواند محل سوءاستفاده هم قرار بگیرد؟

سلیمانی: ما بحث کلی می کنیم. اما می توان روی تک تک مصداق ها جداگانه صحبت کرد. بدون هیچ اغراقی می توانم بگویم، من به دلیل ابزارهایی که دارم، در فهم زبان مبدا قوی تر از مترجمان پیش از خود هستم. اما ممکن است در زبان مقصد یعنی فارسی نویسی ضعیف تر باشم. مترجمان قدیم، به خاطر تسلطشان بر متون کلاسیک فارسی و نیز خوب شنیدن زبان گفتار (مثل قاضی، مستعان، دریابندری و...) و حوصله، دقت و سختکوشی، در فارسی نویسی کم نظیر بودند. در ترجمه های جدید، مشکل به نظر من به همین نکته برمی گردد. مثلاً جوان ترها ممکن است زبان مبدا را بهتر بدانند، اما این توانایی زبانی را بعضاً ندارند و برخی تصور می کنند با گذراندن چند واحد دانشگاهی، وقتی فارغ التحصیل می شوند، می توانند به راحتی ترجمه کنند. اما متأسفانه این کارخانه مترجم سازی، نمی تواند با تولید انبوهش، کرور کرور مترجمان خوب تولید کند. چون همه صفاتی را که در مترجمان قدیم نام بردم، نمی توان از طریق تحصیلات دانشگاهی به دست آورد. نکته دیگری که باعث شده ترجمه های امروز اغلب متونی نامفهوم باشند و مترجمان را سلخته بار بیآورند، جنبه های اقتصادی ترجمه است. این روزها مترجمان کمتر روی یک اثر وقت می گذارند. مثلاً یک بار در کتابفروشی، کتابی را دیدم که عنوانی عالی داشت و چون مترجم معروفی آن را ترجمه کرده بود، مشتاق شدم فوری آن را بخرم. اما متأسفانه ترجمه از نظر فارسی نویسی افتضاح بود، طوری که احساس کردم انگار ناشر به مترجم گفته یک هفته ای آن را ترجمه کند، اگر چه آن مترجم، مترجمی توانا و قوی بود. اما قانون بازار خیلی بی رحم است و وقت از نظر بازار طلاست، حتی اگر خواننده چیزی از ترجمه نفهمد.

شیرزادی: البته بعضی از این کتاب ها هم خوب فروش می رود. مثلاً مخاطب می بیند روی جلد کتاب نوشته «قلعه حیوانات»، کتابشناس و مترجم شناس هم نیست. بعد بلافاصله کتاب را می خورد و گاهی یک اثری که ترجمه مزخرف و پر از غلطی دارد به چاپ چندم می رسد، چرا که اطلاع رسانی هم در این عرصه ضعیف است!

سلیمانی: این درست است، ولی مخاطب فقط یک بار گول می خورد! در حقیقت آن مترجم، اعتبار خود را به حراج می گذارد.

بی اعتمادی مترجمان به کتاب هم تاثیر گذار است.

سلیمانی: در اینجا مسایل پیچیده اقتصادی و مسایل ناشر و چیزهای دیگر مطرح است که مسایل ترجمه نیست و به قول فوتبالیست ها مسایل حاشیه ای است.

از دوره قاجار که ما برای اولین بار مثلاً «سه تفنگدار» را ترجمه کردیم، زبان خاصی برای ترجمه داستان نداشتیم. کم کم زبان فارسی از این نظر بارور شد و کلمه های جدید تولید کرد



مسلماناگر مترجم، روزی سه صفحه ترجمه کند، می تواند ترجمه زیبایی ارایه دهد. ولی وقتی قرار باشد با شلختگی و زیر فشار اقتصادی کتابی را ترجمه کند و کار و بار ناشر را سکه کند، به جای کتاب خوب، به قول دوستی پاره آجرهایی تولید می شود که به درد انبار می خورد. به هر حال مسایلی که ترجمه مجدد را ضروری می کند، ربطی به این حاشیه ها ندارد. اگر مترجمی دلایل مقتضی برای ترجمه مجدد بیاورد و به توانایی اش ایمان داشته باشد، ترجمه مجدد ضروری است.

شیرزادی: البته بستگی دارد از طرف کدام مترجم باشد.

امرای: من مدتی سرپرستی طرحی را در یکی از انتشاراتی ها برعهده داشتم که آثار همینگوی را منتشر کنیم. چند اثر را به مترجمان جدید و صاحب نام سفارش دادیم که ترجمه جدید را شروع کنند. یک سری از ترجمه ها خوب بودند. به مترجم گفتیم که اثر را باز بپیرایه کند و با زبان امروزی تر و رسم الخط امروزی و تغییرات جزئی انجام دهد. نمونه اش «پیرمرد و دریا» که نازی عظیماً ترجمه کرده بود. آن را باز خوانی کردند. با همان ویراستاری که ۳۰ سال پیش، ویرایش کرده بود و کتاب بیرون آمد. اما گاهی هم مترجم متوجه ماجرا نشده بود. مثلاً کتابی که آقای غیرایی ترجمه کردند، قبلاً به اسم «زنگ ها برای که به صدا درمی آیند؟» ترجمه شده بود. اولاً این که زنگ ها نیست و یک زنگ است و مشخصاً یعنی ناقوس مرگ و می توان گفت: «ناقوس برای که به صدا درمی آید؟» یا «این ناقوس مرگ کیست؟» و یا «ناقوس در عزای که می زند؟» دکتر نوروزی در کلاس ترجمه می گفت اگر بخواهیم آن را خیلی فارسی ترجمه کنیم باید بگوییم «حلوای که را می پزند؟» تا مفهوم اصلی نمود پیدا کند، که البته ممکن است بار فرهنگی ماجرا از بین برود.

آقای دریابندری معتقد است که ترجمه ها را باید فارسی کرد.

امرای: البته ایشان آن را ترجمه نکرده اند. بحث ساده این است که وقتی کسی تیتتر کتاب را متوجه نشده، تا آخرش معلوم است که چه می شود. یا کتاب دیگری که در همین مجموعه کار کردم، کتابی بود که طبق فصل بندی خود کتاب ۴۵ فصل بود اما در ترجمه ای که از آن منتشر شده بود ۳۵ فصل آورده شده است و ۱۰ فصل موجود نیست. این کتاب را که پرویز داریوش ترجمه کرده اسمش را شعری از حافظ گذاشته، با عنوان «به راه خرابیات در چوب تاک» البته داریوش زبان انگلیسی بلد بوده و خودش هم در مقدمه گفته.

شیرزادی: یعنی نگاه سانسوری داشته؟

امرای: اتفاقاً این کتاب یکی از زمان های ضد جنگ همینگوی است که عنوان اصلی اش «آن سوی رودخانه میان درختان» است. سرهنگی که قهرمان داستان است، روزگاری سرتیپ بوده و کسر درجه گرفته به نوعی غلو ارتش آمریکا و نقش خودش را در جنگ جهانی دوم، زیر سوال می برد و رویکرد تلخی دارد. من به نظرم رسید که شاید انتشارات فرانکلین که به نوعی آمریکایی بوده، به ملاحظاتی آن را سانسور کرده است. اما دیدم در خیلی موارد اینگونه نیست و جالب این که بعضی از فصل های کتاب را مترجم خرد کرده و در سه فصل آورده است تا آن سی و پنج فصل را کش بدهد. این کتاب حتماً دوباره باید ترجمه شود.

شیرزادی: ترجمه های متعددی از آثار همینگوی، مارک تواین، چارلز دیکنز و ... انجام می شود و در این میان کمتری بینیم که مبنای ترجمه ارزش اثر باشد. اکثر این آثار هم کم حجم هستند. چرا مترجمان کمتر سراغ آثار نویسندگان روسی که حجم بالایی دارد می روند؟ مثلاً از «برادران کارامازوف» ترجمه های زیادی نداریم یا همین طور «جنگ و صلح» یا «جنایت و مکافات».

سلیمانی: این از نوع همان مسائل حاشیه ای است که روی کار مترجمان تاثیر می گذارد. مثلاً به دلیل مسائل اقتصادی مترجمان دوست دارند کتابی که ترجمه می کنند زبان و واژگانش خیلی ساده باشد، یا سبک اثر خیلی پیچیده نباشد تا بتوانند فوری ترجمه کنند و به بازار بدهند. با ممکن است مسایلی مثل حجم کار را هم در نظر بگیرند. مثلاً زبان همینگوی زبان بسیار ساده ای است. اگر چه به نظر من مثل نثر مسجع، زبانی سهل و ممتنع است. زبانش خیلی ساده به نظر می آید، ولی ترجمه اش لزوماً ساده نیست، ولی مترجمان و ناشرانی که به سبک اهمیت نمی دهند به خاطر سادگی زبان همینگوی، تاکنون صدها ترجمه از آثار او ارائه کرده اند.

شیرزادی: بنابراین به خاطر دشواری آثار داستانی است که مترجمان زیادی سراغ ترجمه آثار او نرفته اند؟

سلیمانی: بله، از خیلی های دیگر هم آثار زیادی ترجمه نشده است به خاطر این که آنها زبان و سبک فاحری دارند.

آیا مترجم برای ترجمه های کلاسیک، ترجمه های قبلی را هم می بیند و از آنها استفاده می کند؟

سلیمانی: باید ببیند. به نظر من تمدن از صفر آغاز نمی شود. شما اگر بخواید یک ساختمان بسازید، لزومی ندارد که بروید و همه چیز را از اول کشف کنید و قواعدش را در بیاورید. می توانید یاد بگیرید و در ضمن ببینید گذشتگان به چه راهی رفته اند. مثلاً اگر می خواهید یک متن انگلیسی را ترجمه کنید، می توانید ترجمه فرانسوی و ترجمه فارسی اش را هم ببینید. هیچ عیبی ندارد. این کار شما را توانا تر می کند، ولی نه اینکه رونویسی کنید. رونویسی غلط است و شمارا در همان نقطه ای که قبلی ها ایستاده اند نگه می دارد. مترجمان قدیمی ما هم احتمالاً این کار را می کردند. مثلاً من بعید می دانم دریابندری، ترجمه «هاکلبری فین» ابراهیم گلستان را ندیده باشد و آن ترجمه خوب و بالاتر و عالی تر را ارائه داده باشد. اما او برای ارائه ترجمه بهتر خیلی زحمت کشیده است. شاید برای یک صفحه ترجمه، چند روز فکر کرده باشد که کدام واژه را جای فلان واژه بنویسد. اگر چه ممکن است اختلافاتی هم در رابطه با سبک کارش وجود داشته باشد که آن بحث هدایی است.

ولی من اعتقاد دیگری هم در مورد آثار کلاسیک قرن نوزدهم دارم و آن این است که به نظر من ترجمه کامل بسیاری از آثار کلاسیک قرن نوزدهم، وقت تلف کردن است، هم وقت مترجم تلف می شود و هم خواننده، که البته این بحث جداگانه ای است. ضرورت دارد که ما نه وقت خوانندگان را بگیریم و نه مترجم را. چون دیگر امروزه خوانندگان حوصله مردم قرن نوزدهم را ندارند که هر چیز بی ربط به سیر داستان را بخوانند و تحمل کنند. اما این آثار باید به سبک و سیاقی کوتاه شود که اثر نویسنده هم نابود نشود.

امرای: من هم موافق صحبت های آقای سلیمانی هستم. درباره کارهای سهل و ممتنع، مثل این است که شما متن اثر همینگوی را شکسته ترجمه کنید، در صورتی که متن همینگوی شکسته نیست. بلکه متن محاوره و گفت و گو است. در واقع محاوره نویسی یکی از نکاتی است که اگر مترجم ناوارد باشد، پای در گل، فلجش می کند و نمی گذارد تکان بخورد.

یک سری دلایل هست که موجه است، به ویژه در مورد ترجمه هایی که ناقص بوده و با آنها درست برخورد نشده و به نظر من ضرورت دارد که اینها را حتماً ترجمه کنیم. یک سری از ترجمه ها خوب است که می شود آنها را امروزی تر کرد، حتی با استفاده از همکاری همان مترجم و بعضی ها هم که ضرورت دارد دوباره ترجمه شود. درباره ترجمه های مکرر و ترجمه همزمان از چند کار هم به نظرم اگر اندکی صداقت وجود داشته باشد، قابل حل است. مثلاً اگر بنده کتابی را ترجمه می کنم، به آقای سلیمانی بگویم و اگر مترجم دیگری خواست همان کتاب را ترجمه کند، آقای سلیمانی به ایشان بگوید که من دارم ترجمه اش می کنم.

شیرزادی: این موضوع بیشتر اخلاقی است و معلوم نیست چه زمانی به آن برسیم!



جستاری درباره مشکلات انتشار کتاب های گویا

کتاب‌هایی که مخاطب را می‌خوانند

شرکت‌های تولیدکننده کتاب‌های گویا و نیز محدودیت‌های موجود در این حوزه می‌داند و ادامه می‌دهد: «شرکت‌هایی به طور محدود فعالیت در حوزه کتاب‌های گویا را آغاز کرده‌اند و در این حوزه نیز چندان موفق نبوده‌اند، چون حامی نداشتند. من معتقدم که در این حوزه باید عزم جدی وجود داشته باشد و یک نهاد متولی تولیدکنندگان بخش خصوصی را حمایت کند.»

وی می‌افزاید: «هر قدمی که در این سه سال برداشتیم، به ظاهر یک قدم بوده، ولی در واقع به اندازه صد قدم از ما وقت، هزینه و انرژی گرفته است، چون هیچ حمایتی پشت سر ما نبوده است و همه جا با درهای بسته روبه‌رو شده‌ایم. برای تولید هر کتاب گویا حدود شش ماه طاقت فرسا زمان صرف می‌شود. متولی کنونی کتاب‌های گویا، معاونت موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است و به این کتاب‌ها مجوز می‌دهد، در حالی که کتاب یک کالای فرهنگی است و با موسیقی تفاوت‌های زیادی دارد.»

وی درباره لزوم حمایت مسولان از کتاب‌های گویا می‌گوید: «زمانی که یک ابزار جدید فرهنگی وارد بازار می‌شود، باید مورد حمایت قرار گیرد. تجربه سه ساله ما نشان می‌دهد که اگر یک کتاب گویا حرفه‌ای تولید شود، به فروش نسخه اصلی کتاب کمک می‌کند و به هیچ عنوان جایگزین کتاب‌های کاغذی نخواهند شد، زیرا یک کار قوی و خوب، باعث تقویت اثر می‌شود.»

وی با اشاره به مراحل تولید کتاب گویا، توضیح می‌دهد: «قبل از هر کاری باید عنوان اثر مشخص و سپس با ناشر کتاب قرارداد یا تفاهم نامه همکاری امضا شود. پس از آن، متن به معاونت موسیقی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سپرده می‌شود.» محمدیان ادامه می‌دهد: «معاونت موسیقی نیز از اداره کتاب استعلام می‌کند و پس از آن، کتاب با انتخاب گویانده در مرحله تولید قرار می‌گیرد، پس از میکس و صداگذاری نیز کتاب برای تایید نهایی به معاونت موسیقی ارسال می‌شود تا از نظر ترکیب و موسیقی بررسی شود.»

کتاب‌های گویا را جدی بگیریم

اکنون که انواع دستگاه‌های شنیداری در قالب mp3 و mp4 و تلفن‌های همراه در اختیار نسل نوجوان و جوان کشور قرار دارند، کتاب‌های گویا می‌تواند جایگزین موسیقی‌های بی‌محتوا و کم‌ارزش باشند، آثاری که روزانه ساعت‌های زیادی از وقت مردم به ویژه جوانان را به خود اختصاص می‌دهند. این کتاب‌ها گاهی می‌توانند در سیستم‌های صوتی ماشین‌ها جایگزین موسیقی‌های رنگارنگ ایرانی و اروپایی برای خانواده‌ها شوند.

و جدید منتشر شوند.» وی یکی از مشکلات حوزه نشر را بی‌علاقگی ناشران به رویکردها و شیوه‌های جدید می‌داند و معتقد است: «تا وقتی ترس از انجام یک کار بزرگ وجود دارد، نباید منتظر هیچ موفقیتی بود. ما به بیش از ۲۰ ناشر مراجعه کردیم اما وقتی اغلب آنها صحبت‌های ما را می‌شنیدند و نمونه کار را دریافت می‌کردند، می‌گفتند به شما جواب می‌دهیم، اما هیچ‌یک با وجود پیگیری‌های ما، پاسخی ندادند!»

زارعی تصریح می‌کند: «معتقدم باید زیرساخت‌های تولید کتاب گویا با همکاری دست‌اندرکاران فرهنگی در کشور نهادینه و این کار به ناشران و عموم مردم معرفی شود تا شاهد دگرگونی مناسبی در این حوزه باشیم.»

نیازمند حمایتیم

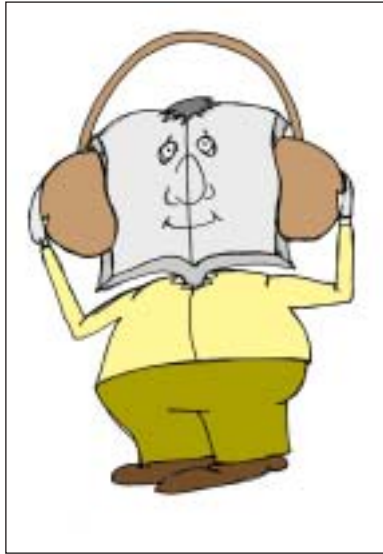
شرکت «نوبین کتاب گویا» حدود سه سال است که در حوزه تولید کتاب‌های گویا فعالیت می‌کند. این شرکت تاکنون بیش از ۱۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف منتشر کرده است.

فاطمه محمدیان، مدیر این شرکت، ناشناخته بودن کتاب‌های گویا را یکی از بزرگترین مشکلات دست‌اندرکاران و تولیدکنندگان این محصولات فرهنگی معرفی می‌کند و می‌گوید: «در حالی که در اغلب کشورهای دنیا هم‌زمان با انتشار کتاب کاغذی، کتاب‌های گویا نیز منتشر می‌شوند، ولی در ایران ناشران به عنوان یک کار عجیب به آن نگاه می‌کنند! همچنین مردم نیز این کتاب‌ها را نمی‌شناسند و استقبال کمی از این کتاب‌ها می‌کنند.»

در حالی که این کتاب‌ها با هزینه‌های نسبتاً گزاف، انرژی و زمان زیادی تولید می‌شوند، ولی اثرات کتاب‌های گویا در جامعه کم‌رنگ است.

محمدیان بیان می‌کند که مردم می‌دانند باید کتاب‌های خود را از کتابفروشی تهیه کنند، می‌افزاید: «مردم ما کتابخوانند و در زمان‌های مختلف کتاب‌های مورد علاقه خود را خریداری می‌کنند، اما برخی نمی‌دانند که چگونه می‌توانند کتاب‌های گویا را خریداری کنند، لذا این کتاب‌ها باید در دسترس مردم باشند.»

وی با اشاره به نقش ناشران در فرآیند تولید کتاب‌های گویا می‌گوید: «برای موفقیت در این حوزه باید قبل از هر کاری با ناشران ارتباط نزدیک وجود داشته باشد. ما در سال نخست فعالیت خود، ارتباط چندان مناسبی با ناشران نداشتیم و با اوضاع بدی روبه‌رو بودیم چون هیچ ناشری حتی نمی‌خواست در این زمینه حرف بزند، اما الان شرایط فرق کرده است و چند ناشر به طور محدود با ما فعالیت می‌کنند. البته این استقبال چندان گرم نیست و جای کار بسیاری وجود دارد.» محمدیان مویبد این ادعا را فعالیت کم‌رنگ



کتاب‌های گویا را در سرفه‌ها کارهای خود قرار داده است. این رادیو تاکنون بیش از یک هزار و هفتصد عنوان کتاب گویا در موضوعات مختلف ادبیات، کودک و نوجوان، ورزشی، مذهبی و اجتماعی تولید کرده است. کتاب‌های این رادیو روی سایت ایران صدا قرار دارد و افراد علاقه‌مند می‌توانند برای در اختیار داشتن کتاب‌ها، آنها را دانلود کنند. کتاب گویا در اصل رواج مطالعه به شیوه‌های نوین است، شیوه‌هایی نو و جدید که هم‌زمان با تغییر و تحولات دستگاه‌های الکترونیکی جدید به وجود می‌آیند.

ناشران می‌ترسند!

تولید کتاب گویا در کشور ما که به تازگی با نسل کتاب‌های الکترونیکی آشنا شده است، با مشکلات و موانع بسیاری روبه‌روست.

معصومه زارعی، یکی از فعالان حوزه تولید کتاب گویا، در این باره می‌گوید: «انجام این کار هزینه بالایی دارد. تهیه استودیوهای استاندارد ضبط، انتخاب گویانده‌گان و هزینه‌های جانبی موجب بالا رفتن خرج این کار می‌شود.» وی از بی‌علاقگی ناشران نیز گلایه‌مند است و می‌افزاید: «ناشران از این که در این حوزه سرمایه‌گذاری کنند، می‌هراسند، چون اغلب آنان نگران باز خورد نامناسب بازارند، ما برای تهیه هر کتابی به شیوه کتاب گویا باید اجازه ناشر را داشته باشیم و این کار ما را خیلی سخت می‌کند.»

زارعی با بیان این که همه هزینه‌ها به عهده شرکت تولیدکننده کتاب گویاست، ادامه می‌دهد: «با وجود این که همه هزینه را خود ما پرداخت می‌کنیم، ولی ناشران باز هم از انجام این کار شانه خالی می‌کنند و حتی حاضر نیستند کتاب‌های انتشاراتشان در قالبی نو

کتاب‌های گویا از جمله کتاب‌هایی اند که با وجود کارایی بسیار و امکان استفاده از آنان در شرایط ویژه مانند حضور در یک محیط تاریک یا در حال رانندگی متأسفانه در کشور ما تاکنون مهجور مانده است و توجه کافی از سوی ناشران و همچنین اقدامات لازم رسانه‌ای برای معرفی این گونه آثار به دستداران کتاب انجام نشده است.

این گزارش به بررسی جایگاه و وضعیت کنونی کتاب‌های گویا در حوزه کتاب و کتابخوانی ایران می‌پردازد و ضمن بررسی موانع موجود بر سر راه گسترش انتشار و استقبال از این آثار، به راهکارهایی در این باره می‌پردازد.

صرفه‌جویی در وقت و استفاده مطلوب از اوقاتی که به طور عادی هدر می‌روند، از مهم‌ترین امتیازات کتاب گویاست، چرا که همه می‌توانند به راحتی کتاب‌های دلخواه خود را روی تلفن همراه یا دستگاه‌های پخش موسیقی گوش کنند و لذت ببرند.

کمی درباره کتاب گویا

کتاب گویا، در واقع متن کتاب است که با صدای یک یا چند گوینده روی نوار کاست یا لوح فشرده ضبط می‌شود. یا نویسنده با صدای خودش کتاب را می‌خواند.

کتاب‌های گویا شامل دو بخش خلاصه شده و خلاصه نشده‌اند که به تناسب میزان صفحات، حجم و موضوع کتاب، دسته‌بندی می‌شوند. این کتاب‌ها ممکن است به صورت ساده یا با موسیقی، گوینده‌گان متعدد و حتی با افکت‌های صوتی همراه باشند. یکی از جالب‌ترین ویژگی‌های کتاب گویا این است که می‌توان حتی در تاریکی هم از مطالب کتاب استفاده کرد و برای دقایق پیش از خواب بسیار مناسب و دلنشین است.

این کتاب ابزاری مناسب برای آموزش و به خاطر سپردن مطالب است، زیرا تکرار آن آسان و لذت‌بخش است. تولید کتاب گویا در بسیاری از کشورها سابقه‌ای طولانی دارد.

کتاب‌های گویا در ایران بسیار محدود تولید می‌شوند و افرادی که در این حوزه مشغول به کارند نیز بازحمات بسیاری این آثار را تولید می‌کنند. نبود متولی تولید این کتاب‌ها، حمایت‌نشدن تولیدکنندگان، ناشناخته بودن کتاب‌های گویا و استقبال بسیار اندک و محدود ناشران و مردم، دغدغه‌های اصلی دست‌اندرکاران این حوزه به شمار می‌آیند.

همچنین، نبود قانون کپی رایت در ایران به عنوان یکی از موانع اصلی تولید این کتاب‌ها، همواره تولیدکنندگان را با دغدغه کپی‌های غیرمجاز روبه‌رو کرده است.

رادیو اینترنتی ایران صدا از سال ۱۳۸۶ تولید

تکتاب

تبلیغ

از این پس می‌توانید برای تبلیغ کتاب‌های خود

در بخش تازه‌های نشر

با شماره ۰۲۱۵۰۶۶۹۶۶ تماس بگیرید



درباره طرح گسترش فرهنگ کتابخوانی در مدارس محروم کشور

هیچ مدرسه‌ای بی کتاب مباد!

می خوانند، اما دیگر ارتباطی با دانش آموزان ندارند تا بتوانند کودکان مستعد را شناسایی و آنها را به مراکز فرهنگی معرفی کنند. حتی مدیران مدارس نیز در اظهارنظرهای خود از اجرای این طرح ابراز رضایت کرده‌اند و تمام آنان درخواست برگزاری مجدد این برنامه را داشته‌اند به همین دلیل برای ثمربخش بودن اجرای چنین طرحی، باید تا رسیدن به اهداف از پیش برنامه ریزی شده، آن را ادامه داد. وی افزود: «من پس از سال‌ها کار و تجربه متوجه شدم که با حضور فعالان عرصه نویسندگی در مدارس، علاوه بر این که می‌توانیم انگیزه کتابخوانی را در دانش آموزان ایجاد کنیم، حتی خواهیم توانست با کشف استعدادها، آنها، کار و حرفه آینده‌شان را هم رقم بزنیم.»

شهیدی ضمن اظهار تشکر از وزارت آموزش و پرورش و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای ایجاد این فرصت، گفت: «امیدوارم روزی با همکاری تمام نهادها و افرادی که در حوزه فرهنگ فعالیت می‌کنند، مانند فرهنگسراها، شهرداری، خیرین، وزارت آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نویسندگان، چنین طرح‌هایی برای دانش آموزانی که نیازمند حمایت فرهنگی اند، اجرا شوند تا کودکان با استعدادی که در مناطق محروم و خانواده‌های کم بضاعت زندگی می‌کنند نیز بتوانند توانایی‌های خود را بروز دهند.»



سخنرانی درباره فنون نویسندگی و تصویرگری برای دانش آموزان، کارگاه قصه‌نویسی رانیز برگزار می‌کنند. در این کارگاه کارشناسان آغاز یک داستان را می‌گویند و کودکان باید ماجرا و پایان آن را بنویسند و تصویرگری کنند که در پایان، تمام این قصه‌ها گردآوری می‌شوند و کارشناسان آنها را

کاهش می‌دهد اما امیدواریم خیرین نیز در این طرح ما را یاری کنند، زیرا کودکان و نوجوانان به همان اندازه که به مدرسه نیاز دارند، به تغذیه فکری که همان کتاب و کتابخوانی است هم احتیاج دارند.»

نامه‌نگاری‌های اداری از موانعی است که فرصت‌های اجرای این طرح را محدود می‌کند چرا که معمولاً مدارس به مناسبت‌های مختلف برنامه‌های جانبی گوناگونی تدارک می‌بینند و این مناسبت‌ها بهترین فرصت برای اجرای طرح گسترش فرهنگ کتابخوانی در مدارس محروم کشور به شمار می‌آیند اما متأسفانه به دلیل زمان‌گیر بودن نامه‌نگاری‌های اداری، در آبان ماه همزمان با هفته کتاب و کتابخوانی و دهه فجر این برنامه اجرا نشد و بالاخره همزمان با برپایی بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران این طرح در ۱۰ مدرسه از ۶۰ مدرسه پیشنهادی اجرا شد.

شهیدی افزود: «تمام افرادی که در گروه کارشناسی این طرح همکاری دارند، به حضور در مدارس و کتابخوانی برای کودکان علاقه‌مندند و این علاقه با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت آموزش و پرورش ایجاد شده است. به عنوان مجری این طرح از وزیر آموزش و پرورش درخواست دارم که با اجرای این طرح در ۵۰ مدرسه باقیمانده تهران و سایر شهرهای کشور نیز موافقت کند تا دانش آموزان مناطق محروم کشورمان بتوانند از این فرصت بهره‌مند شوند.»

نکته قابل تامل در اجرای این طرح، اثربخشی چنین طرح‌هایی است و با توجه به اینکه اجرای طرح‌های آموزشی در نگاه نخست بسیار مفید و تحسین‌برانگیز به چشم می‌آیند، اما باید دید که رهاورد این طرح‌ها برای دانش آموزان چیست؟ آیا برپایی یک جلسه کتابخوانی و حضور نویسندگان در مدارس به قدری اثرگذار هست که دانش آموزان را به سوی کتاب و کتابخوانی جذب کند یا این که این جلسات باید ادامه دار باشند تا در این میان استعدادها، کودکان و نوجوانان علاقه‌مند کشف و پرورش داده شود؟

کارشناس و مجری این طرح در این باره اظهار کرد: «ادامه دار بودن این جلسات جزو درخواست‌های ما از وزارت آموزش و پرورش است، زیرا کارشناسان ما در پایان هر جلسه پس از

«آموزش و پرورش» و «تعلیم و تربیت» دارای مفهوم و کاربردی گسترده و پیچیده‌اند؛ مفاهیمی مانند سوادآموزی، کارآموزی، بار آوردن، پروردن، تادیب، اجتماعی کردن و بسیاری مفاهیم دیگر جزئی از آموزش و پرورش محسوب می‌شوند یا با آن همپوشانی دارند.

در دوران کنونی، متفکران ایرانی مانند محمدباقر هوشیار، شهید مرتضی مطهری، علی شریعتمداری، غلامحسین شکوهی و میرعبدالحسین نقیب‌زاده، تعاریفی از آموزش و پرورش ارائه داده‌اند.

شهید مطهری در تعریف آموزش و پرورش چنین آورده و می‌نویسد: «تربیت، پرورش دادن و به فعلیت رساندن استعدادها و ایجاد تعادل و هماهنگی میان آنهاست تا از این راه مرتبی (فراگیر) به حد اعلای کمال خود برسد.»

امروزه نهاد آموزش و پرورش با توجه به تعاریفی که تاکنون از آن ارائه شده است، برنامه‌هایی را برای تعلیم، تربیت و پرورش استعدادهای دانش آموزان طراحی کرده و در حاشیه برنامه‌های آموزشی روزانه متناسب با مناسبت‌های تاریخی نیز طرح‌هایی را اجرا می‌کند.

در همین راستا، طرح گسترش فرهنگ کتابخوانی در مدارس محروم کشور از جمله طرح‌هایی به شمار می‌آید که در سال جاری و همزمان با برپایی بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در ۱۰ مدرسه اجرا شد. این طرح با حمایت و پشتیبانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و همکاری وزارت آموزش و پرورش برای اجرا در مدارس کلید خورده است.

معرفی کتاب، نویسنده، شاعر، مترجم و تصویرگر، از جمله اهداف اجرایی این طرح به شمار می‌آید.

ناهد شهیدی، مجری این طرح که دبیربان نشسته ادبیات در آموزش و پرورش و نویسنده کودک و نوجوان است، در این باره اظهار داشت: «سال تحصیلی ۸۶، ۸۷ این طرح به صورت آزمایشی در مدارس منطقه سه تهران اجرا شد، اما در قرارداد جدیدی که امضا شده، قصد داریم این طرح را در مدارس مناطق محروم کشور اجرا کنیم.»

وی افزود: «بر اساس این توافقنامه، کتاب‌های نویسندگان عضو انجمن نویسندگان کودک و نوجوان را به آموزش و پرورش پیشنهاد می‌کنیم و پس از تایید موضوع کتاب‌ها، به تعداد دانش آموزان مدارس از کتاب مذکور تهیه می‌کنیم و به مدارس می‌فرستیم. ناشران این کتاب‌ها را با ۵۰ درصد تخفیف ارائه می‌دهند، پرداخت ۳۰ درصد را نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تقبل می‌کند و تامین ۲۰ درصد باقیمانده بر عهده مدرسه و دانش آموزان است. این کتاب‌ها دو یا سه روز پیش از حضور نویسنده، شاعر یا مترجم همراه تصویرگر کتاب، به مدارس ارسال می‌شوند و دانش آموزان آن را مطالعه می‌کنند، سپس تهیه‌کنندگان کتاب در مدارس حضور می‌یابند و درباره کتاب توضیحاتی ارائه می‌کنند و به سوالات دانش آموزان پاسخ می‌دهند.»

مجری طرح گسترش فرهنگ کتابخوانی در مدارس محروم کشور با اشاره به ۲۰ درصد هزینه‌ای که بر عهده دانش آموزان است، گفت: «از آنجا که این طرح در مدارس محروم کشور برگزار می‌شود، نمی‌توانیم از کتاب‌هایی که قیمت آنها بالاست، استفاده کنیم و این مشکل، قدرت انتخاب ما را

فرخوان

جایزه ادبی پروین اعتماسی

چهارمین دوره جایزه ادبی پروین اعتماسی با هدف بزرگداشت مقام و شخصیت شاعر نامدار ایران پروین اعتماسی، رشد و اعتلای خلاقیت‌ها و آفرینش‌های ادبی بانوان، ترویج و تقویت زبان فارسی در خارج از کشور، ایجاد پیوند میان ادبیات ملل بویژه در حوزه جهان اسلام، معرفی چهره‌های شاخص زنان ادیب و پژوهنده و تقدیر از زنان در عرصه زبان و ادب فارسی با مشارکت معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسه خانه کتاب، اسفندماه سال جاری هم‌زمان با روز بزرگداشت پروین اعتماسی برگزار می‌شود. لذا از تمامی بانوان اهل قلم اهم از شاعران، نویسندگان، مترجمان، منتقدان و پژوهشگرانی که آثارشان برای نخستین بار در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ منتشر شده دعوت می‌شود سه نسخه از آثار خویش را به دبیرخانه این جایزه ارسال نمایند.

حوزه مورد ارزیابی هبت داوران کتاب‌های تالیفی و ترجمه‌ای بانوان است که به زبان فارسی منتشر شده و موضوعات آن عبارت‌اند از:

۱. شعر، ۲. ادبیات داستانی (داستان بلند و کوتاه)، ۳. ادبیات نمایشی (نمایشنامه)، ۴. ادبیات پژوهشی (نقد و پژوهش، پایان‌نامه‌های دانشجویی و مجموعه مقالات ادبی)، ۵. ادبیات کودکان (داستان و شعر کودک و نوجوان)

مهلت ارسال آثار: ۳۱ شهریورماه ۱۳۸۹

نشانی دبیرخانه: تهران، خ انقلاب، بین فلسطین جنوبی و برادران مظفر، پلاک ۱۰۸۰، طبقه منفی ۲

تلفن: ۶۶۹۶۶۱۳۶، دورنگار: ۶۶۹۶۶۱۸

www.parvin.ir

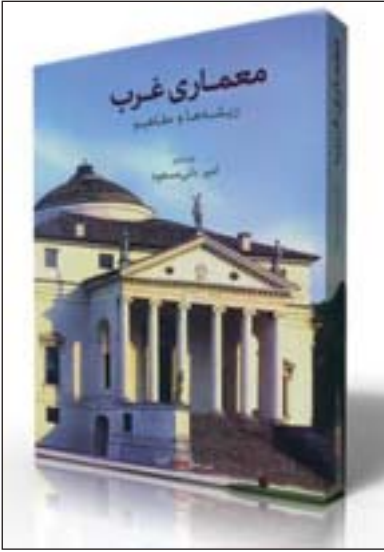
خانه کتاب



امیر بانی مسعود، معمار و مولف کتاب‌های معماری، تازه‌ترین تالیفش را با عنوان «معماری غرب: ریشه‌ها و مفاهیم» منتشر کرده است. وی معتقد است مباحث کتاب‌هایی که در گذشته در حوزه معماری تالیف شده‌اند نخ نما شده است و زمان آن فرا رسیده که معماران و مدرسان باتجربه در این حوزه دست به تالیف بزنند. بانی مسعود، معمار و مولف در سال ۱۳۴۶ در ارومیه متولد شد. وی دانش آموخته معماری و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی است. این نویسنده بیش از سی مقاله و چهار کتاب در زمینه معماری و فلسفه تالیف کرده است که از جمله آنها می‌توان به کتاب «تاریخ معماری غرب» (۱۳۸۳)، «بست مدرنیته و معماری» (۱۳۸۶)، «معماری معاصر ایران» (۱۳۸۸) اشاره کرد.

مؤلف کتاب «معماری غرب: ریشه‌ها و مفاهیم»:

اکنون زمان تألیف معماران است



آن را به صورتی تأثیرگذار و تأثیرپذیر به نمایش می‌گذارد. به عنوان نمونه، در بخش نخست کتاب که با عنوان خاستگاه معماری غرب نامگذاری شده است، به تمدن‌های تأثیرگذار در شکل‌گیری آن، به خصوص بین‌النهرین و مصر پرداخته شده است. پس دانشجوی معماری با یادگیری خاستگاه‌های معماری غرب، سیر منطقی آن را از باستان تا عصر حاضر دنبال می‌کند. فراموش نکنیم که در این سیر تحول، عمدتاً به مباحث کلیدی و تأثیرگذار پرداخته شده و از پرداختن به مباحث کم‌اهمیت و حاشیه‌ای پرهیز شده است.

هنری به‌طور اعم هستند. تصاویر کتاب حالتی ارجاعی دارند و به صورت سیاه و سفید چاپ شده‌اند. با اتخاذ این روند قیمت تمام شده کتاب بیش از توان خرید دانشجویان نیست. همچنین با پیشرفت تکنولوژی و دسترسی به اینترنت هر علاقه‌مندی می‌تواند تصاویر رنگی مورد علاقه خود را با کمترین هزینه تهیه کند. با این روش هم تمامی دانشجویان هنر و معماری توانایی تهیه این کتاب را خواهند داشت، هم با چاپ کیفی و خوب همین تصاویر سیاه و سفید، کیفیت آموزشی کتاب افت نکرده است و هم دانشجویان و علاقه‌مندانی که بخواهند تصویر بهتری از بنای خاص را در اختیار داشته باشند، با کمترین هزینه با استفاده از شبکه اینترنت آن را تهیه می‌کنند.

فصل بندی کتاب چگونه شکل گرفت؟
بیست و هفت فصل کتاب با انسجامی کامل و با تأکید بر جریان‌ات و اندیشه‌های مهم معماری غرب نوشته شده است. فصل بندی کتاب و ترتیب مطالب، حاصل تجربه قریب به دو دهه تدریس مباحث نظری معماری غرب است. به همین دلیل وقتی شما به ترتیب مطالب نگاه می‌کنید، کتاب از خاستگاه‌های معماری غرب آغاز می‌شود و روند منطقی معماری

فرارسیده تا مدرسانی که چندین سال در این موضوع تدریس کرده‌اند، دست به تالیف و تولید مباحث مهم در این زمینه بزنند.

به هر حال هنوز پرسش اصلی باقی است. با توجه به شمار زیاد کتاب‌های خارجی که درباره معماری غرب در ایران ترجمه شده‌اند، چه الزامی برای تالیف چنین کتابی وجود داشت؟

ترجمه راه حل موضوع نیست، بنابه دلایلی که خدمتتان عرض می‌کنم. هر تالیفی در فضا و زمان خود اتفاق می‌افتد و خود نشان دهنده سیر تحول موضوعی است که نوشته به آن می‌پردازد. در غرب حداقل از دوران رنسانس نوشته‌های تحلیلی در مورد تاریخ معماری به تدریس رسیده است. به این موضوع اشاره کنم که قدیمی‌ترین نوشته در مورد معماری که به دست ما رسیده، متعلق به قرن نخست قبل از میلاد مسیح است که شخصی به نام ویتروویوس با عنوان «ده کتاب در باب معماری» تدوین کرده است. حال شما تصور کنید کتاب‌هایی را که در چنین فضایی نوشته شده‌اند، بخواهیم به زبان فارسی ترجمه کنیم. محصول چیزی خواهد شد که مخاطب فارسی زبان با موضوعات مطرح شده در آن هیچ ارتباطی برقرار نمی‌کند. لذا کتاب‌هایی برای ما کاربردی است که در حال و هوای محیط آکادمی ایران نوشته شده باشند. یعنی کتاب‌هایی باید تألیف شوند که هم بیانگر فهم ما از غرب باشند و هم برای مخاطبی که بخواهد تالیفات غربی را از راه ترجمه مطالعه کند، راهگشا باشند چون تالیف از صافی اندیشه‌ها و ذهنیت مؤلفی عبور می‌کند که چندین سال مباحث آن را در محیط کلاس به آزمایش گذاشته است به همین دلیل این تالیف، کاربردی است.

گروه هدف شما چه کسانی هستند؟ شاید همین جا بتوان به مورد دیگری هم پرداخت و آن اینکه با توجه به مسائلی که به آن اشاره کردید، عمده هدف شما از تالیف این کتاب مسائل آموزشی در دانشگاه‌هاست یا اهداف دیگری را هم دنبال می‌کنید؟

عمده هدفم از تالیف کتاب «تاریخ معماری غرب: ریشه‌ها و مفاهیم»، آموزش تاریخ معماری برای دانشجویانی است که می‌خواهند برای نخستین بار با این مباحث آشنا شوند. از این رو کتاب معماری غرب می‌کوشد با شرحی ساده و روان، داستان شکل‌گیری معماری غرب را از عهد باستان تا عصر کنونی و با تأکید بر خاستگاه‌ها، اندیشه‌ها و گرایش‌های گوناگون بازگو کند. موضوع این کتاب عمدتاً معماری اروپاست؛ در نتیجه به معماری آمریکا تا آنجا که در تفکر و فرهنگ غرب مشارکت داشته نیز مربوط می‌شود.

عمده منابعی که برای معرفی یا تدریس تاریخ معماری غرب منتشر می‌شوند، از تصاویر رنگی استفاده می‌کنند. همچنین به نظر نمی‌آید دلایل فنی و محدودیت‌ها موجب استفاده شما و ناشر از تصاویر سیاه و سفید شده باشد. پس جای این پرسش هست که چرا از تصاویر سیاه و سفید استفاده کرده‌اید؟ آیا کیفیت آموزشی کتاب با این تصمیم دچار افت نمی‌شود؟

چون مخاطب این کتاب دانشجویان معماری به طور اخص و دانشجویان هنر و علاقه‌مندان به مباحث

چرا این کتاب را تالیف کردید؟ آیا منابعی که اکنون در فضای آکادمیک ایران در حوزه تاریخ معماری غرب معرفی می‌شوند، نیازی را که این کتاب در پی پاسخگویی به آن است، پاسخ نداده‌اند؟

اجازه دهید برای پاسخ به این پرسش، از کمی پیش‌تر آغاز کنم. از شکل‌گیری رشته معماری در ایران و روند تولید و معرفی منابع در حوزه تئوریک معماری. شکل‌گیری اولین دانشکده معماری در ایران در دانشگاه تهران، به سال ۱۳۱۹ می‌رسد. ولی قبل از این تاریخ، سال ۱۳۱۷ مدرسه‌ای به نام «مدرسه عالی معماری» در وزارت پیشه و هنر سابق در محل مدرسه عالی کمال الملک به ریاست ابوالحسن صدیقی تأسیس شد. این مدرسه بعد از مدت کوتاهی جزء «هنرستان عالی هنرهای زیبای باستان» درآمد و از همان زمان به عنوان «هنرکده» نامیده شد اما بعد از یک سال به خاطر محدود بودن فضای آموزشی، به مدرسه ایران و آلمان در انتهای خیابان سرگرد سخایی فعلی تغییر محل داد. سال ۱۳۱۹، هنرکده به شبستان مسجد مدرسه مروی، واقع در بازارچه مروی منتقل شد. در مهرماه همان سال، براساس تصویب کمیسیون دانشگاه تهران، اسم دانشکده هنرهای زیبا رسماً به تصویب دانشگاه تهران رسید و با عنوان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران در مسجد مروی به کار خود ادامه داد. بعد از یک سال به دلایلی، دانشکده هنرهای زیبا در سال ۱۳۲۰ به زیرمجموعه دانشکده فنی دانشگاه تهران منتقل شد و از همین زیرمجموعه بود که اولین ورودی دانشجویان دانشکده هنرهای زیبا، فارغ‌التحصیل شدند.

روش آموزش و برنامه‌ریزی دروس با الگوبرداری از مدرسه هنرهای زیبای پاریس که در ایران عمدتاً با عنوان مدرسه بوزار شناخته می‌شود، تدوین شد. یکی از نقاط ضعف سیستم بوزاری، نپرداختن به دروس نظری و عمدتاً تاریخ معماری بود. در تمامی مدت دوره تحصیل، دانشجویان معماری تنها دو واحد درس به نام تاریخ هنر داشتند که مرحوم مقدم آن را تدریس می‌کرد و عمده مطالب آن نیز حول هنر باستان می‌گذشت. از سال ۱۳۴۸ که ریاست مدرسه به عهده مرحوم محمدامین میرفندرسکی محول شد، تغییری اساسی در برنامه‌ریزی دانشکده به وجود آمد و سعی شد که دروس نظری از جمله تاریخ معماری تدریس شود. همانگونه که ملاحظه می‌کنید، سابقه تدریس دروس تاریخ معماری در دانشگاه‌های ایران بسیار جوان و شاید به جرأت بتوان گفت که بی‌اهمیت است. از آنجایی که تدریس این دروس کم‌اهمیت بود، لذا تربیت مدرسان زبده و کارآمد که بتوانند این دروس را به شیوه صحیح و درست آموزش بدهند نیز کمتر شکل گرفت، لذا با گذشت این همه سال، شاهد بالندگی و شکوفایی مباحث در حیطه تاریخ معماری غرب و به تبع آن معماری اسلامی و ایرانی نبودیم.

بی‌پرده بگویم که در حیطه تئوری معماری و تاریخ، دانشگاه‌های ما در ایران در سطح نازلی قرار دارند. شاهد سنخ تالیفات و ترجمه‌هایی است که در این زمینه تولید شده است. به جز چند جلد کتابی که در زمان خودشان خوب بودند، ولی مباحث آنها سال‌هاست که کهنه شده، محیط آکادمی ایران چیزی در چنته ندارد و به نظر سال‌هاست که زمان آن

هفتمین دوره جشنواره نقد کتاب همزمان با هیجدهمین دوره هفته کتاب

مؤسسه خانه کتاب به منظور ارتقای سطح کمی و کیفی نقد، هفتمین دوره جشنواره نقد کتاب را همزمان با هیجدهمین دوره هفته کتاب در سال جاری برگزار می‌کند. لذا از تمامی منتقدان، مدیران مسئول مطبوعات، نشریات، سایت‌های خبری و نیز وبلاگ نویسان دعوت می‌کند مقالاتی را که در حوزه نقد کتاب در سال ۱۳۸۸ منتشر کرده‌اند، حداکثر تا پایان مرداد ماه ۱۳۸۹ به دبیرخانه جشنواره ارسال کنند.

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین فلسطین و برادران مظفر جنوبی، شماره ۱۰۸۰، طبقه منفی ۲
تلفن تماس: ۶۶۴۱۵۲۵۵
تلفکس: ۶۶۹۶۶۲۱۸
سایت: www.naghdeketab.ir

خانه کتاب

جشنواره نقد کتاب



مریم محبی

زمانی که صحبت از دانشگاه و آموزش عالی به میان می‌آید، اذهان عمومی بیشتر به سمت دانشگاه‌های بومی و ملی که در کشورمان وجود دارند معطوف می‌شود؛ در حالی که می‌دانیم یکی از خصوصیات بارز علم و علم‌ورزی این است که مرز نمی‌شناسد و هر جا که راهی بیابد تا بیکران اندیشه نفوذ می‌کند. به تازگی کتابی از دکتر مقصود فراستخواه، عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی از سوی نشر نی منتشر شده که در آن مسایل و مشکلات دانشگاه‌ها و آموزش عالی در ایران مطرح شده است. این اثر، دانشگاه را به عنوان خاستگاه اندیشه و معنا و نهاد تولید و انتقال دانش در سطح جهان بررسی می‌کند و با مقایسه دو دیدگاه بومی و بین‌المللی، الگوهای بهنجار و کاربردی را برای رفع مشکلات دانشگاه‌ها و سیستم آموزش عالی به دست می‌دهد. این نویسنده کتاب‌های دیگری نظیر «دین در چالش مسلمان استقامت و استقامت»، «ارزیابی کیفیت آموزش عالی در ایران»، «دانشگاه ایرانی و مسأله کیفیت»، «دین و عصر حاضر» و «زبان قرآن» را در کارنامه اش دارد.

گفت و گو با دکتر مقصود فراستخواه، پژوهشگر و نویسنده کتاب «دانشگاه و آموزش عالی»

دانشگاه می‌تواند عاملی برای صلح باشد

صلح دوستی، مشارکت اجتماعی، احساس مسؤولیت، ایفای نقش‌های شهروندی، دغدغه دموکراسی، دغدغه مسالمت و تساهل، دغدغه پیشرفت و توسعه جامعه در میان مردم نباشد، زیر پای کل فرایند توسعه و حتی زیر پای فعالیت مولد بازاری در جامعه ما خالی می‌شود.

از دیرباز دانشگاه از جمله عواملی بود که کمک می‌کرد صنعت نشر، کتاب و اطلاع‌رسانی پیشرفت کند. در قرون وسطا، بر اثر یادداشت‌برداری دانشجویان و نسخه‌برداری آنها، کاغذ پوستی خصوصاً در ایتالیا به کاغذ نرم تر و سفیدتر تبدیل شد و به جای قلم‌نی، از قلم پر استفاده شد.

پیش‌تر، کتاب، شیئی نفیس بود که اشراف و کشیشان آن را تهیه می‌کردند و بیشتر جنبه تزئینی داشت، اما در بستر دانشگاهی جدید، کتاب با مقیاس زیاد و برای خواندن تولید می‌شد تا جایی که برخی دانشجویان از نسخه‌برداری کتاب، روزگار می‌گذرانیدند و بدین ترتیب حرفه و شغل و صنعت نشر نیز پیش می‌رفت. شما نویسندگان را در نظر بگیرید که بیشتر آنها تحصیلات دانشگاهی داشته‌اند یا برای مخاطبانی کتاب می‌نویسند که غالباً به دلیل تحصیلات عالی، مایل و قادر به خواندن کتاب‌های تخصصی شده‌اند. از سوی دیگر، دانشگاه موجب ارتقای سرمایه فرهنگی هم می‌شود و سرمایه فرهنگی است که سبک زندگی مردم و نحوه گذران اوقات فراغت آنها را ارتقا می‌دهد و کتاب خواندن از جمله اینهاست. همچنین دانشگاه تنها نهاد تولید فکر و معنا و حتی دانش نیست. از سوی دیگر، مطمئناً دانشگاه تنها نهاد تولید و اشاعه کتاب و فرهنگ کتابخوانی هم نیست، اما با این وجود، اگر موانعی در کار نباشد انتظار می‌رود که دانشگاه از جمله مؤثرترین واسطی ترین نهادها و مکان‌های تفکر، اکتشاف، کنجکاوی، خرد ورزی، نقد، روشنگری، روحیه تحقیق و تتبع در جامعه باشد و به توسعه جهان کتاب و فرهنگ مطالعه و آگاهی و جهل ستیزی و جهل زدایی یاری برساند.

شما در این کتاب توجهی خاص به ایران دارید. با مقایسه دو نگاه بومی و جهانی که به دانشگاه‌ها وجود دارد، فکر می‌کنید سیستم آموزش عالی در کشور ما چقدر با استانداردهای جهانی منطبق است؟

به نظر من درباره استانداردهای جهانی آموزش عالی ما جز اینکه طی سال‌های اخیر رشد پرشتاب کمی پیدا کرده است، نتوانسته است در همه جا به تراز استانداردهای کیفی جهان نزدیک شود. شاخص درصد مخارج آموزش عالی از کل مخارج عمومی آموزش که نشانگر میزان توجه به آموزش عالی و تعهد دولت‌ها نسبت به سرمایه‌گذاری در توسعه سرمایه انسانی است، متأسفانه در ایران پایین‌تر از بسیاری کشورهاست ولی شاخص سهم دانشجویان دختر از کل دانشجویان، مثل بعضی از کشورهای منطقه رو به رشد است.

آیا کتاب دیگری هم در دست تألیف دارید؟

بله. کتابی در باب علم و آموزش عالی با عنوان «آنچه باید باشد و نیست» اکنون نزد ناشر است که البته با کمی تأخیر منتشر خواهد شد.



داشت، یا از دانشگاه سخن گفت و تفکر انتقادی را برناتفت.

شما در کتابتان به دانشگاه به مثابه جریان‌سازی در جامعه پرداخته‌اید. به نظر شما دانشگاه‌ها تا چه اندازه می‌توانند در توسعه فرهنگی هر کشور مؤثر باشند؟ آیا دانشگاه‌ها می‌توانند مثلاً در تولید کتاب مؤثر باشند؟

دانشگاه‌ها علاوه بر تربیت نیروی متخصص باید به تربیت شهروند مسئول و مشارکت‌جو بپردازند و علاوه بر کارکردهای تخصصی باید به کارکردهای عمومی از قبیل آماده ساختن نسل جوان دانشجویان برای زیستن در جامعه، برای ساختن انتقادی جامعه، برای ایفای نقش‌های شهروندی و... نیز اهمیت دهند. در واقع اگر یادگیری چگونه بودن، با دیگران بودن، با دیگران زیستن،

کتاب در حوزه مطالعات علم و آموزش عالی و دانشگاه است که طی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۸۹ منتشر کرده‌ام. سه کتاب پیشین عبارت بودند از «سرگذشت و سوانح دانشگاه» ۱۳۸۷، تهران: رسا، «کاربرد از نظریه GT در ارزیابی آموزش عالی ایران»، ۱۳۸۷، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و «دانشگاه ایرانی و مسأله کیفیت»، ۱۳۸۸، تهران: آگاه.

با توجه به نگاه کارکردگرایی که در کتاب دیده می‌شود، به نظر شما آیا در سیستم آموزش عالی کشور ما چیزی به عنوان کارکرد (دیسنونو کسینول) وجود دارد؟

البته کتاب صرفاً به دید کارکردگرایی بسنده نکرده است و انواع رویکردها به دانشگاه را مورد بحث قرار داده که کارکردگرایی نیز یکی از آنهاست که البته مورد نقد هم قرار گرفته است. دانشگاه فقط با کارکردگرایی قابل توضیح نیست، دانشگاه یک زندگی است و دانشگاهیان، سبک خاصی از زندگی علمی را تجربه می‌کنند، این امر و همچنین زندگی دانشجویی، بیش از نگرش کارکردی، با رویکردهای دیگری مانند مکتب انتقادی یا پدیدارشناسی بهتر فهمیده می‌شود.

اما در مورد نکته مهمی که در ادامه سؤال فرمودید باید عرض کنم بله، حتی در حد کارکردگرایی هم دانشگاه‌های ما برای انجام مأموریت‌های خود با انواع موانع مواجه بودند. تمرکزگرایی در آموزش عالی و غلبه ایدئولوژی‌های گوناگون بر آن، سبب شده که نظام علمی ما دچار نوعی کژدیسی بشود و شکلی از ناکارکردی و بیدکارکردی در بعضی بخش‌های آن به وجود آید. این مسایل نظام علمی ما را از حالت و شکل طبیعی خارج کرده است. بنده در جاهای متعددی و به مناسبت‌های مختلف بحث کرده‌ام که دانشگاه‌ها هست یا نیست. دانشگاه داشتن، پروژه‌ای همه یا هیچ است، نمی‌شود رفع و رجوع امور جامعه با علم را نپذیرفت و دانشگاه

چطور شد که به فکر تألیف این کتاب افتادید؟

دانشگاه حلقه مهمی از تحولات ساختاری در جامعه در حال گذار ایران تلقی می‌شود و شایسته است که در تحلیل‌های سرزمینی و راهبردی و بررسی روند جاری تغییرات در ایران و مطالعه آینده آن مورد توجه قرار گیرد. تعداد دانشجویان ما در داخل کشور نزدیک به چهار میلیون نفر است و با احتساب آمار تراکمی مجموع دانش‌آموختگان و چند ده هزار هیئت علمی، دانشگاه‌های مادر حال حاضر، جمعیتی نزدیک به ۱۰ میلیون نفر را در جامعه ایران نمایندگی می‌کنند، آن هم جمعیتی که انتظار می‌رود حاملان ایده و معنا و دانش و آگاهی باشند و قاعدتاً باید عاملان تغییر این جامعه باشند.

هر پردیس دانشگاهی و مرکز آموزش عالی در کشور، با محیط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پیرامون خود در سطوح شهری، استانی، منطقه‌ای و ملی (و تا حدودی بین‌المللی) رابطه تعیین‌کننده‌ای به وجود می‌آورد. وجود یک پردیس هر چند کوچک دانشگاهی در یک شهر، الگوهای ارتباطی، بازار عرضه و تقاضا و سایر فعل و انفعالات اجتماعی را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. اینها در سرتاسر شهرهای کشور پراکنده شده‌اند. در مشاهدات عادی نیز ملاحظه می‌کنیم که چگونه با ورود به هر شهر کوچک، شاهد واحدی از دانشگاه آزاد اسلامی، پیام‌نور و سایر مؤسسات آموزش عالی دولتی و غیردولتی هستیم. دانشگاه محل تلاقی اقوام و فرهنگ‌های مختلف و متنوع ایرانی است که ایران بدون این تنوع قابل تعریف نیست و شاید برای همین است که دانشگاه از جمله نهادهایی است که بیشترین مشکل و مسأله را در ایران داشته و همواره جزو عوامل و موضوعات مورد اختلاف بوده است. آیا اینها کافی نیست که بنده به عنوان دانش‌آموزی کوچک، در باب دانشگاه و چشم‌اندازهای جهانی و مسائل و معضلات ایرانی آن، سیاه‌مشق‌هایی به جامعه و اهل مطالعه تقدیم کنم؟ این کتاب چهارمین

مروری مختصر بر کتاب «دانشگاه و آموزش عالی»

مطرح کرده و به این ترتیب در پی شناسایی موانعی است که باعث توفیق نیافتن دانشگاه‌های کشورمان در برخی حوزه‌ها شده‌اند. دو موضوع دانشگاه به مثابه جایگاه آگاهی و یادگیری در سطح عالی به مثابه عمل آگاهی و کنش معطوف به راهی، کانون توجه نویسنده در این اثر را شکل می‌دهند. چنان‌که در قسمتی از کتاب می‌خوانیم: «در حالی که علم مدرن هنوز عمومی‌ترین منبع قابل رجوع برای حل مسایل زندگی است، علم و ورزشی در جامعه ایرانی بحث برانگیز شده است.»

از جمله مزایای این کتاب می‌توان به رویکرد تاریخی‌ای اشاره کرد که در بخش‌های گوناگون آن دیده می‌شود به صورتی که نویسنده شکل‌گیری سیستم آکادمیک و تغییرات آن را طی سال‌های اخیر با یک بررسی تاریخی به تصویر کشیده است که می‌تواند اطلاعات جامعی را در این زمینه به خوانندگان عرضه کند. نکته قابل توجه دیگری که در این کتاب دیده می‌شود، نزدیکی و ارتباط متقابل میان نظریه و عمل است به این معنا که نویسنده با ارائه پیشنهادها کاربردی، سیاست‌گذاران و افراد مسؤول در عرصه آموزشی کشور را برای اصلاح و بهینه‌سازی برنامه‌های علمی و آموزشی ترغیب و تشویق می‌کند.

کتاب «دانشگاه و آموزش عالی» شامل ۱۵ بخش است که در هریک از آنها دانشگاه و به‌طور کلی یادگیری در سطح عالی به عنوان نقطه عطفی در جوامع بین‌الملل و همچنین جامعه ایرانی در نظر گرفته شده است. نویسنده در این کتاب سعی دارد دو دیدگاه بومی و جهانی را در طول مباحث گوناگون، همواره در کنار یکدیگر حفظ کرده و با مقایسه این دو نگاه، به یک الگوی منسجم و بهنجار در سیستم آموزش عالی دست یابد.

نکته دیگری که در محوریت مباحث کتاب قرار دارد، نقش مهمی است که نویسنده برای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در امر توسعه به‌اشکال مختلف -علاوه بر توسعه فرهنگی که دستمایه اصلی آموزش‌های علمی است- در نظر گرفته است. به اعتقاد او جوامع با سیاست‌گذاری صحیح و مطابق با استانداردهای بین‌الملل در عرصه دانشگاهی و آموزش عالی می‌توانند به توسعه اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دست یابند تا از این طریق در سطح بین‌المللی، علاوه بر ارتقای وجهه فرهنگی خود، آزادی و استقلال کامل آکادمیک را برای دانشگاهیان امروز و نسل‌های آینده به ارمغان بیاورند.

همچنین نویسنده در این اثر انتقاداتی را نسبت به نظام آموزش عالی در ایران



از چهارشنبه تا سه شنبه با سرای اهل قلم خانه کتاب

گرمای ادبیات، آتش تیر را فروشانند

نسخه‌ها خبیره، جبیره، حنیره و کلماتی از این دست آمده است اما «پتیره» صورتی از «پتیاره» به معنای «دیو» است.

در داستان «رستم و اسفندیار»، اسفندیار موفق می‌شود رستم و رخش را زخمی کند. رستم از زال کمک می‌گیرد و درمان می‌شود و با بیت «که ای شیردل چند خسیب چنین/ که رستم نهاده است بر رخس زین» سراغ اسفندیار می‌رود. اسفندیار با دیدن رستم در پاسخ به او می‌گوید: «تو از جادوی زال گشتی درست/ و گرنه که پایت همی گورجست». اعتقادات فردوسی مخالف عقاید مزدک است. درباره بیت «اگر زندگانی بود دیر باز/ بر این «دیر» دین» خرم بماند دراز» باید توجه داشت که کلمه «دیر» معنایی ندارد و همچنین «دین» نیز به خرم‌دینان که ادامه مزدکیان است، اشاره دارد و این مساله نیز با عقاید فردوسی همخوانی ندارد. کلمه صحیح «ویر» به معنای خاطره بوده است.

مصراع «سرش تنگ بگرفت و یک بوس چاک» تاکنون بحث‌ها و نظرهای گوناگونی را در شاهنامه به دنبال داشته است. برخی این اصطلاح را «بوسه چاک» و یا «پوشه چاک» نیز معرفی کردند و در توضیح «پوشه چاک» معتقدند به معنای پاره کردن لباس آمده است. اما با توجه به نوع پوشش ایرانیان در قدیم پاره کردن یقه لباس با یک دست امکان‌پذیر نبوده است.

«چاک» اسم صوت است و در اینجا جایگزین صفت شده است. «بوس چاک» به معنای محکم بوس کردن و یا بوسه باصدا است و علت انجام این کار توسط سودابه، علاقه او به سیاوش بوده اما در حضور دیگران به عنوان نامادری که فرزندش را بوسیده، چنین کاری را انجام داده است.

در پایان این نشست یکی از حاضران در جلسه پرسشی مبنی بر این که چرا فردوسی در بیان نظرات خود از زبان سوم شخص بهره گرفته، مطرح کرد. استفاده از زبان سوم شخص توسط فردوسی برای بیان نظراتش در حقیقت آغازی برای کلام فردوسی و به نوعی تکیه کلام او بوده است. او در جای جای شاهنامه از قول «هیرید»، «موبد»، «بلبل»، «زن»، «تازی»، «پهلوان»، «شیر» و دیگران سخن گفته تا بگوید این افراد عاقل و دانا بوده‌اند و دیگر آن که سخنش را ابتدا به ساکن آغاز نکنند. این مساله متن را نیز زیباتر کرده و البته پیش از فردوسی نیز سخن گفتن از زبان سوم شخص به ویژه از زبان حیوانات مرسوم بوده است.



نمی‌شود این بیت از نظر ساختار شعری دچار اشتباه می‌شود. همچنین «بیه» به معنای درشت اندام است و حتی در دوران باستان نیز طبق شواهد موجود، زنان در پی داشتن اندامی متناسب بوده‌اند پس درشت اندام بودن خوشایند هیچ زنی نبوده است. اما ترکیب «یمه» با «تهم» به معنای دختر خورشید است و معنای اسم او را به درستی می‌رساند. در مصراع «به رسم کیان و پتیره شدن» در تمامی

منتشر می‌شود، اشتباه بسیار فاحشی در تشریح و توضیح متن شاهنامه وجود داشت که نشان از درک نادرست متن دارد. در این مقاله از قول اسفندیار به مادرش گفته شده بود که من با تو ازدواج می‌کنم. در تمامی نسخه‌ها همسر رستم «تهمینه» نامیده شده اما نام صحیح او «تهمیمه» است. در بیتی که تهمیمه خودش را به رستم معرفی می‌کند، باید توجه داشت که «م» با «ن» هم قافیه شده است، اما اگر آن را «تهمینه» بخوانیم از آنجاکه «ن» با «م» قافیه

برنامه این هفته سرای اهل قلم

برنامه هفتگی سرای دائمی اهل قلم از سوی خانه کتاب به ترتیب زیر اعلام شد:
شنبه ۲۶ تیر: نشست رونمایی از مجموعه ۵۴ جلدی روایت دیگر با حضور قاسمعلی فراس، محمدجواد جزینی و حسین فتاحی از ساعت ۱۷ تا ۱۹.
یکشنبه: نقد و بررسی ادبیات داستانی دهه شصت با حضور فیروز زوزی جلالی، احمد شاکری و کامران پارسی نژاد از ساعت ۱۷ تا ۱۹.
دوشنبه: نشست اول: کارگاه داستان‌نویسی با حضور فیروز زوزی جلالی از ساعت ۱۴:۳۰ تا ۱۶:۳۰.
نشست دوم: نقد و بررسی کتاب «دین و اخلاق از نگاه هانس کونگ» در حوزه فلسفه و دین با حضور دکتر همایون همتی و دکتر حسن قنبری از ساعت ۱۷ تا ۱۹.
سه شنبه: نشست دیگر از سلسله نشست‌های شاهنامه‌خوانی با حضور دکتر ضیاءالدین هاجری و فاطمه حیدری فر از ساعت ۱۷ تا ۱۹.
چهارشنبه: نشست اول: جلسه شعرخوانی با حضور جمعی از شاعران از ساعت ۱۶:۳۰ تا ۱۸:۳۰.
نشست دوم: نقد و بررسی کتاب «جنسیت و زندگی روزمره» در حوزه انسان‌شناسی با حضور دکتر شهلا اعزازی و دکتر مهدی لیبی از ساعت ۱۷ تا ۱۹.
 سرای دائمی اهل قلم در خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، کوچه خواجه نصیر، شماره ۲ واقع شده و حضور در این جلسات برای عموم آزاد است. علاقه‌مندان برای دریافت اطلاعات بیشتر می‌توانند با شماره ۶۶۹۶۱۵۶ تماس بگیرند.

سرای اهل قلم خانه کتاب بابرگزاری نشست‌های نقد، بررسی و معرفی کتاب و همچنین ایجاد فضایی مناسب برای گفت‌وگو و تبادل نظر اهالی قلم، زمینه رشد و اعتلای فرهنگی کشور را مهیا می‌کند.

اگرچه تعطیلی سه روزه ابتدایی هفته گذشته باعث شد برخی برنامه‌های از پیش تعیین شده سرای اهل قلم خانه کتاب به تعویق بیفتند، اما برگزاری دو نشست در حوزه‌های شاهنامه‌پژوهی و شعرخوانی باعث شد حاضران در نشست‌های سرای اهل قلم، برای ساعاتی محدود و فارغ از گرمای کم سابقه تیرماه ۸۹، به داستان‌های شاهنامه و اشعار شاعران و ترانه‌سرایان این مرز و بوم دل بسپارند و ثابت کنند که ادبیات این آب و خاک، آنقدر غنی و جاودانه است که نه تعطیلی و نه گرمای تیرماه، هرگز نمی‌تواند جای محفل‌های گرم و دلنشین ادبی را بگیرد. هفته قبل در سرای اهل قلم، به اصطلاح جمع شاعران جمع بود و در نشست شاهنامه‌پژوهی نیز حکایت‌هایی شنیدنی بیان شد که در این گزارش، آنچه در این نشست گفته و شنیده شد، آورده شده است.

نام واقعی مادر سهراب

نشست «متن‌شناسی داستان سیاوش» از سلسله نشست‌های «شاهنامه‌پژوهی» سرای اهل قلم با حضور عزیزالله جوینی، نویسنده، پژوهشگر و ویرایشگر شاهنامه، ابوالفضل ورمزیار، نقال و یاسر موحدفرد، دبیر نشست و همچنین جمعی از علاقه‌مندان به این حوزه برگزار شد.

در این نشست ورمزیار به برخوانی بخش‌هایی از داستان «سیاوش» پرداخت و یاسر موحدفرد متذکر شد که تاکنون شش جلد از کتاب «شاهنامه از دستنویس موزه فلورانس» همراه گزارش وازگان دشوار و برگردان همه ابیات به فارسی روان به قلم جوینی توسط انتشارات دانشگاه تهران منتشر شده است.

جوینی: حدود ۱۵۰ متن دست‌نویس از «شاهنامه» در دسترس اند و نسخه فلورانس آخرین دست‌نوشته این اثر در سال ۶۱۴ هجری قمری نوشته شده است و البته متن آن کامل نیست و تنها تا پایان داستان کیخسرو را شامل می‌شود.

اغلب نسخه‌های اخیر که منتشر شده‌اند براساس چاپ مسکو هستند اما به عنوان نمونه باید بگویم تنها در داستان «اسفندیار» حدود ۳۲ اشتباه در این نسخه پیدا کرده‌ام و درباره همین داستان، در یکی از مقاله‌های آخرین شماره مجله «تابان» که در مشهد

تیلیگ کتاب

۹۹۹۶۹۸۵

agahiekatab@yahoo.com

ایران و سیاست جهانی در آغاز قرن بیستم

زیر نظر: دکتر داریوش رحمانیان
 به کوشش: منیر قادری
 تعداد صفحات: ۴۶۲
 قیمت: ۷۹۰۰۰ ریال
 تلفن: ۸۸۳۱۸۶۵۳-۸۸۳۴۲۹۸۵

سوره‌های تاریخ نگاری انقلاب اسلامی

به اهتمام: خانه کتاب
 تعداد صفحات: ۵۱۲
 قیمت: ۷۵۰۰۰ ریال
 تلفن: ۸۸۳۱۸۶۵۳-۸۸۳۴۲۹۸۵

شهود حسن مولوی و تحریر ریبا نوری

تالیف: مزده احمدزاده هروی
 تعداد صفحات: ۲۰۰
 قیمت: ۲۹۵۰۰ ریال
 تلفن: ۸۸۳۱۸۶۵۳-۸۸۳۴۲۹۸۵

واژه‌نامه آموزش عالی

اصغر اسمعیلی تازه‌کندی و عربعلی رضایی
انتشارات بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران
چاپ اول ۱۳۸۹/۳۸۴ صفحه/۵۰۰ تومان



واژه‌نامه‌ها از جمله آثار مرجعی هستند که برای ایجاد زبان مشترک در هر رشته علمی و نشان دادن معادل‌های مختلف واژگان و اصطلاحات آن رشته، نقش مهمی ایفا می‌کنند و مترجمان و ویراستاران با استفاده از این گونه آثار، تنوع معادل‌ها را به سوی یکدستی سوق می‌دهند. واژه‌نامه آموزش عالی از آثاری است که با هدف یکدست‌سازی معادل‌های فارسی اصطلاحات رایج در آموزش عالی و آسان‌یابی معادل‌های فارسی و انگلیسی تدوین شده تا چندگانگی در ترجمه این اصطلاحات را کاهش دهد.

این اثر دربردارنده مفاهیم و اصطلاحات آموزشی و پژوهشی مرتبط با آموزش عالی است که مولفان با اذعان به دشواری تحدید حدود دقیق و درهم‌تنیدگی آن با سایر عرصه‌ها، در مقدمه آورده‌اند که کتاب، مراکز و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی معروف جهان و رشته‌ها، مقاطع تحصیلی گوناگون و اصطلاحات مربوط به حوزه پژوهش را شامل می‌شود و با اشمال بیش از ۵۰۰۰ واژه و اصطلاح به صورت دوسویه (انگلیسی به فارسی و فارسی به انگلیسی) تدوین و همچنین علائم اختصاری و سرآژه‌ها، به شکل کامل آنها ارجاع داده شده است. در تدوین و گردآوری کتاب از منابع اصلی آموزش عالی، شامل کتاب‌های مرتبط، مجلات و واژه‌نامه‌های گوناگون علوم تربیتی و انسانی استفاده شده است. بنیاد دانشنامه‌نگاری ایران، با انتشار این اثر کوشیده است تا به نیاز دانشجویان و علاقه‌مندان این رشته مطالعاتی در زمینه منابع مرجع پاسخ دهد.

بیان نظری، قواعد بصری

جستارهایی در ماهیت و ساختار سینما
مجید روانجو/انتشارات افراز
چاپ اول ۱۳۸۹/۱۹۲ صفحه/۴۵۰ تومان



حیات و ممت هنر و صنعت سینما بیش از هر چیز و امدار ادبیات سینمایی است. قدرترین و غنی‌ترین سینماهای جهان، سینماهایی هستند که ادبیات سینمایی پویا و تاثیرگذاری دارند و ادبیات سینمایی بر پایه و مایه‌های مباحث تئوریک استوار است. در همین راستا، مطالب و مقالات نظری و کارشناسی به عنوان مراجع کاربردی و رهنمودی نزد صاحبان خرد و اندیشه سینمایی و متولیان و مدیران و سینماگران، جایگاهی والا و ارزشمند دارند. تاکنون به موازات تحولات و افت و خیزهای فراوان سینمای ایران، مقالات، مجموعه مقالات و کتاب‌های سینمایی زیادی تالیف، ترجمه و گردآوری شده که هر یک مخاطبان خاص خود را داشته‌اند، اما همواره در میان آنها جای کتب مرجع و تئوریک خالی بوده و این نقص به شدت به چشم آمده است. از همین رو، چاپ و انتشار مجموعه‌ای از مقالات تحلیلی و نظری، ارزشمند، موثر و قابل تحسین است. کتاب حاضر دربرگیرنده اصلی‌ترین مسائل و موضوعات سینما در کل و سینمای ایران به صورت ویژه است. این کتاب حاوی مقالات کارشناسی «مجید روانجو» است که از منظر آسیب‌شناسی، راهکارهایی را

فراوری مدیران و اهالی سینما قرار می‌دهد.

سینمای ایران، بضاعت و مناسبات خاصی دارد که اساس آن را متزلزل کرده است. جدا از بخش‌های مدیریتی آشفته سینما، بدنه و قشر نخه سینما هم از آسیب مصون نمانده‌اند. تحلیل و بررسی از زاویه آسیب‌شناسی و ارائه رهنمون و راهکارهای حرفه‌ای و کارشناسی، سمت و سوی تمام مطالب مندرج در این مجموعه را تشکیل می‌دهد.

بررسی رکن‌های اصلی سینما و به‌ویژه سینمای ایران، فیلمنامه که پاشنه آشیل سینمای ماست؛ کارشناسی اوضاع و ساختار سینمای کم‌مدی، تحلیل بود و نبود جایگاه سینمای پلیسی در میان تولیدات سینمای ایران، آسیب‌شناسی گونه ایرانی ملودرام که مخاطبان انبوه دارد. پژوهش وضعیت و موقعیت و جایگاه بازی و بازیگری در سینما، به‌ویژه سینمای ایران، از نگرش‌های عمده مولف این کتاب است. فیلمفارسی سینمای عوام زده و اغواگر به رغم عنوان نادرستش، هیولای شب سینمای ایران است و روانجو به نیکی و درستی آن را کالبدشکافی کرده است.

مولف برای تکمیل رکن‌های مطالب سینمایی خود، موضوع‌های مهم موسیقی، اکشن و سینمای رویاپرداز را هم زیر ذره‌بین قلم خود برده و از دریچه‌های تئوریک، آنها را ارزیابی و کارشناسی کرده است. ویژگی دیگر و جذاب مجموعه روانجو، بررسی نقش و جایگاه سینمای مستند در عرصه سینمای جهان و ایران و تاثیر آن بر روند کلی سینمای کشور و جهان است.

روانجو تحقیقی هم درباره «نوروز» عبد ایرانیان و جایگاه آن در سینما و فیلم‌هایی که به آن اشاره کرده یا پرداخته‌اند، داشته که بر امتیازات این کتاب افزوده است. کار فیلمنامه - حرفه فیلمنامه‌نویس، گفتاری درباره بازیگری سینما، جستاری در موسیقی فیلم، مقدمه‌ای بر سینمای مستند، درباره: سینمای خیال‌پردازانه، دریچه‌ای به دنیای ملودرام، از لذت موهوم تا سلطه خشونت، اجمالی بر سینمای کم‌مدی، دنیایی از آن آدمکشان، با این همه، کاش نام دیگری داشت، آنک نوروز، اینک سینما و در جست‌وجوی آهنگ جلسو مینا عناوین بخش‌های این کتاب هستند.

سبب نقره‌ای ماه

نقد غزل‌های حسین منزوی/روح‌الله کاظمی
انتشارات مروارید/چاپ اول ۱۳۸۸
۲۶۰ صفحه/۴۹۰۰ تومان



از بین شاعران معاصر، حسین منزوی، به واسطه نگاه ویژه‌اش، تحول ساختاری چشمگیری را در عرصه غزل امروز موجب شد. او با رویکرد منحصر به فرد خویش به شعر،

به‌ویژه غزل، در طیف‌های گوناگون، تشخیص ویژه‌ای بخشید. آنگاه که ستاره اقبال غزل به افول گراییده بود و عموم گویندگان بر این باور بودند که ظرف غزل فارسی اشباع شده و دیگر توان بازتاب انسان امروز و بیان دغدغه‌های وی را ندارد، با مجموعه «حجره زخمی تغزل» ظرفیت‌های بکر و ناشناخته غزل و نبوغ و حساسیت متعالی شاعرانه‌اش را، به اصطلاح به رخ گویندگان هم عصرش کشید.

تغزل جان کلام اوست، غزل او ساحت غنایی تازه‌ای را پیش روی خواننده می‌گشاید و جسارت او نقش تعیین‌کننده‌ای در ارائه این ساحت نوین ایفا می‌کند، و او را به ظرفیت‌های نامکشوف زبانی‌های او می‌برد؛ گرچه از این رهگذر، به ندرت تلاش‌های او به شکستن ارزش‌های عرفی و سنت شعری می‌انجامد.

شناخت ژرف استعداد و واژگان در هر نقشی (موتیف، قافیه، ردیف و...) و توجه به کارکرد معنایی آنها، رویکرد دیگری‌گون به وزن شعر و نزدیک کردن

آن به دکلماسیون پیشنهادی، ابداع اوزان عروضی، توجه به استعداد تکیه و درنگ، و موسیقی سکنه‌ها و سکوت‌های میان کلام، از رهیافت‌های تأمل برانگیز اوست.

در عرصه ساختار سبکی، نگاه تازه او به موتیف‌های سنت شعری، بهره‌گیری از گنجینه زبان محاوره و فولکلور، توجه به باستانگرایی نحوی و واژگانی، استفاده از فرهنگ اسطوره‌ای، تریزانی در دایره وسیع منادها، تازه کردن صور خیال رایج شعر کلاسیک با تشبیهات گسترده، خلق صور خیال تازه با رویکردی آگاهانه به تابع صفات و اضافات و هزاران هنر پیدا و پنهان دیگر، او را مظهر تعبیر نظرات نیما، در ساحت غزل امروز می‌سازد....

کتاب حاضر دربرگیرنده سیزده بخش است. مقدمه، مصاحبه با خانواده زنده‌یاد حسین منزوی، شرح حال، سیر غزل نو، میان غنچه و گل از تو گفت و گو شده است، عاشقانه‌ها در شعر دیروز و امروز، بازتاب نگرش عاشقانه منزوی در غزل، ساختار موسیقایی، ساختار سبکی و زبان‌شناسی، نکاتی در باب چند غزل و...، چند قطعه عکس و دست‌نوشته از زنده‌یاد حسین منزوی، نمونه‌ای از غزل‌های منزوی و فهرست منابع و مأخذ عناوین بخش‌های این کتاب را هستند.

من شاعر متولد شدم

فروغ داودی/تصویرگر: معصومه قربانی

انتشارات رعنا/چاپ اول ۱۳۸۹/۸۴ صفحه/۲۰۰۰ تومان



فروغ داودی شاعر ۱۰ساله‌ای است که این مجموعه را منتشر کرده است. البته شعرهای مجموعه فراتر از سن او به نظر می‌آیند اما برخی از آنها بسیار زیبا، کودکانه و دوست‌داشتنی‌اند.

فروغ کوچولو شعر «صدای قلب مادر» را چنین سروده است:

به صدای قلب برگ‌ها/درخت‌ها/گل‌ها/پرنده‌ها گوش می‌کنم/هیچ صدایی/صدای قلب مادر نیست. و در شعر دیگری می‌سراید:

دو بال زیبا دارم/با آنها پرواز می‌کنم/تا به آسمان برسم/و از سرنوشت درختی بپرسم/که فقط یک سیب دارد!

اندیشه ایرانی‌شهری در عصر اسلامی

تقی رستم‌وندی/انتشارات امیرکبیر

چاپ اول ۱۳۸۸/۴۸۴ صفحه/۸۵۰۰ تومان



کتاب حاضر، بازخوانی اندیشه سیاسی حکیم ابوالقاسم فردوسی، خواجه نظام‌الملک طوسی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی است.

فرهنگ و تمدن ایرانی مانند برخی تمدن‌های کهن جهان، یعنی تمدن بین‌النهرین، مصر و یونان، از پیشینه‌ای طولانی در امر کشورداری و تاسیس نظام سیاسی برخوردار است.

نظام سیاسی ایرانی، بخشی جدایی‌ناپذیر از اندیشه ایرانی و محصول نگرش‌ها، باورها و احساسات و آرزوهای جمعی ایرانیان در طول تاریخ باستان بود. اهمیت شکل‌گیری چنین نظامی، آنگاه افزون‌تر شد که در پیوند با دین مزدایی، الگوی نوینی از حاکمیت سیاسی - دینی در عصر ساسانیان را شکل داد؛ در صورتی که در نظر آوریم پس از ورود اسلام به ایران، با وجود گروش ایرانیان به دین جدید، همچنان اندیشه حکومت دینی پابرجا ماند و فروپاشی نظام سیاسی کشور به بروز گسست فکری در مبانی اندیشه سیاسی نینجامید، آن‌گاه پیگیری این که چنین تحولی از چه منطقی پیروی کرده و در مسیر استمرار خود چه مراحل را پشت سر گذاشته است، اهمیت

دوچندانی می‌یابد.

در بخشی از مقدمه کتاب آمده است: «مفروض اصلی این پژوهش استمرار اندیشه ایرانی‌شهری، حتی پس از ورود اسلام به ایران است و هدف اساسی پژوهش، شناخت این نکته است که اندیشه ایرانی‌شهری پس از انتقال به دوره اسلامی، چه تحولی یافت؟

از آنجا که این تحقیق در حوزه اندیشه سیاسی به نگارش درمی‌آید، بدیهی است که معطوف به اندیشه «سیاسی» ایرانی‌شهری باشد. بدین ترتیب باید اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری را شاخه‌ای از مجموعه بزرگ‌تر و جامع‌تر «اندیشه ایرانی‌شهری» بشماریم.

زمانی که از «اندیشه ایرانی‌شهری» سخن می‌گوییم، نظام فکری‌ای را مد نظر داریم که در خصوص اصلی‌ترین مسائل هستی و حیات انسانی، دیدگاه‌ها و اصولی را پیش می‌نهد، اما آن‌گاه که سراغ «اندیشه سیاسی ایرانی‌شهری» می‌رویم، آشکارا خود را در حیطه سیاست و مقوله فرمانروایی و کشورداری محدود نگه می‌داریم...»

اندیشه ایرانی‌شهری در دوران باستان، انتقال اندیشه ایرانی‌شهری به دوره اسلامی، تحول اندیشه ایرانی‌شهری در آرای فردوسی، تحول اندیشه ایرانی‌شهری در آرای خواجه نظام‌الملک و تحول اندیشه ایرانی‌شهری در آرای شیخ شهاب‌الدین سهروردی عناوین پنج‌بخش کتاب حاضر را تشکیل می‌دهند.

عکس‌های فوری

داستان‌های کوتاه خارجی

مترجم: گروه مترجمان نیکا/انتشارات کتاب نشر نیکا
چاپ اول ۱۳۸۹/۱۴۴ صفحه/۳۰۰۰ تومان



کتاب حاضر دربرگیرنده شش داستان کوتاه از شش نویسنده خارجی است که هر یک از آنها را مترجمی منتشر کرده است. «آنچه باقی می‌ماند؛ کاترین بل»، «عکس‌های فوری» و «بیلیم بوید»، «دلک استاپو و رزی تریمین»، «ویکیلیدا» ای.ال.دکتروف، «لودا و میلنا؛ لاراوینیا» و «جزیره‌ها؛ الکساندر همان» نام داستان‌ها و نویسندگان شش داستان ترجمه‌ای این کتاب هستند.

کامران غبرایی، بابک مظلومی، شقایق نظرزاده و نسرین طباطبایی از جمله مترجمان این آثار هستند.

دیدار

ابراهیم میرقاسمی/انتشارات آموت

چاپ اول ۱۳۸۸/۲۵۶ صفحه/۵۵۰۰ تومان



«دیدار» رمانی تاریخی است درباره ماجرای دلدادگی طاهر ذوالیمینین - سردار معروف تاریخ ایران - به زنی با نام «دیدار».

ابراهیم میرقاسمی در رمان تاریخی «دیدار» که بر اساس زندگی طاهر ذوالیمینین، است، به ماجرای واقعی و عاطفی در زندگی این سردار ایرانی نظر داشته و آن را در بستر وقایع و رویدادهای تاریخی خلق کرده است.

موضوع اصلی داستان این کتاب، عشق است و این که این عشق بر چنین شخصیتی با آن همه دلمشغولی چقدر تاثیرگذار بوده و چه ردپایی در زندگی او بر جای گذاشته است. توجه خاص به قصه و تعلیق، همراه زبانی پاکیزه از ویژگی‌های رمان «دیدار» عنوان شده است. میرقاسمی به جای اصل قرار دادن تاریخ و زندگی طاهر ذوالیمینین، موضوعی را که برای تاریخ‌نویسان، فرعی بوده، اصل قرار داده و خواننده را با «دیدار» آشنا می‌کند؛ دختری که طاهر او را نجات می‌دهد و بعد...



قصه های گمشده بازار در اوراق کتاب پیدا می شوند!

می کردند. البته برای امانت دادن کتاب ها هم نیازسنجی صورت گرفت و بعد از آن کتاب به افراد علاقه مند سپرده شد. اما وسعت بازار و محله های قدیمی با کوچه های پیچ در پیچ پاسنخگوی حرکت ارزشمند سازمان فرهنگی هنری نیست.

داخل کوچه مروی و در کنار بورس لوازم بهداشتی و آرایشی مغازه هایی وجود دارند که سبد کتاب مستقر در آنها تو را اگر علاقه مند به حوزه کتاب باشی، به ذوق می آورد.

شریفیان در این باره می گوید: «این کتاب ها در چند مغازه بازار مروی به طور نمونه وجود دارند از جمله در محله امامزاده یحیی (ع) و آرایشگاه های مردانه. البته موضوع این کتاب ها ارتباطی به بازار ندارد و بیشتر آن ها، از کتاب های کتابخانه های منطقه ۱۲ انتخاب شده اند که به صورت امانت به مغازه ها سپرده شده اند و طی یک دوره مشخص عوض می شوند.»

مسئول آموزش و اجرای سازمان فرهنگی هنری منطقه ۱۲ شهرداری تهران می گوید: «برای ترغیب کسبه به خواندن کتاب، مسابقات کتابخوانی را برگزار کردیم و هر کتابخانه براساس محیطی که در آن قرار دارد مسابقه ای برپا کرد.»

تیرماه امسال در ادامه برنامه های فرهنگی مرکز فرهنگی هنری منطقه ۱۲ شهرداری تهران، طرح تالیف خاطرات بازار تهران در قالب دو کتاب منتشر می شود؛ کتاب هایی که قرار است یکی از آنها به خاطرات مردم بازار پیرزاد و دیگری چهره های ماندگار و سرشناس بازار را ثبت کند.

اجرای آن با خبر بود، اما پل ارتباطی خوبی میان کسبه و کتابخانه ها ایجاد کرد.

شریفیان در این باره می گوید: «سال گذشته افرادی از سوی برخی کتابخانه ها، با قرارداد سبد روی چند دوچرخه، به اماکن تعیین شده در بازار مراجعه و کتاب ها را به صورت امانی به بازاریان علاقه مند اهدا کردند و امسال نیز این طرح به صورت گسترده اجرا خواهد شد.»

مجید وجدی، یکی از کسبه بازار است. او درباره طرح اجرا شده در سال گذشته می گوید: «این طور که می گویند حتما طرح جالبی بوده است؛ البته من سال گذشته این دوچرخه ها را ندیدم، اما اگر با آن روبه رومی شدم، به طور حتم از آن استقبال می کردم.» توجه جایگاه کتاب در خانواده ها هم از طرح های گسترش فرهنگ کتابخوانی بود که سال گذشته به صورت خانه به خانه میان اهالی برخی محله های اطراف بازار اجرا شد.

سمیه مرادی، یکی از ساکنان اطراف بازار در این باره می گوید: «اوایل طرح را به صورت جامع مطرح کردند تا برای همه کتاب بیآورند، اما این طرح شامل همه نشد، چون خود ما فرمی را پر کردیم، اما کتابی به دست ما نرسید.»

ظاهرا این طرح نیز با کمبودهایی روبه رو بوده است. شریفیان درباره این کتاب ها و شیوه به امانت سپردن آنها می گوید: «سبد کتاب خانوار توسط کتابخانه ایروانی برگزار شد که طبق آن، خانواده هایی که در محدوده بازار زندگی می کنند، کتاب را جلو منازل دریافت و به صورت هفتگی آن را مطالعه



اما همجواری بازار با حوزه علمیه مروی باعث شده بود تا آنها بسیاری از مسائل شرعی و احکام خرید و فروش را در این تعاملات بیاموزند.

مسئول آموزش و اجرای سازمان فرهنگی هنری منطقه ۱۲ در این باره می گوید: «یکی از اهداف اصلی ما، جریان سازی برای ترغیب بازاریان جوان با پیوند های اخلاقی گذشته است که میان بازاریان و علمای دینی به وجود آمد و توانست بر اصول دینی و اخلاقی بازاریان تاثیر بگذارد.»

وی در ادامه می گوید: «با این جریان سازی، فضایل اخلاقی ای که در گذشته بازاریان در مکتب حوزه علمیه، صبح هر روز قبل از رفتن به محل کسب و کار خود می آموختند و مسائل و موضوعات دینی آن رابه اجرا درمی آوردند، زنده می شد؛ امری که کاسبان جوان امروز هم نباید از آن غافل شوند.»

علاقه کاسبان به کتاب و کتابخوانی

ثبت خاطرات شفاهی بازاریان، فرصتی را فراهم می آورد تا ظرفیت های بازار در حوزه آثار مکتوب شناخته شود و علاقه افراد به خواندن کتاب یا ارتباط با کتابخانه ها و برنامه های کتابخوانی بیشتر شود.

اگرچه شاید از نگاه برخی افراد، کسبه مشغول به کار در بازار تهران کتابخوان نباشند، اما اکبر فاضلی در راسته پارچه فروش هادر این باره می گوید: «من هر وقت فرصتی باشد، کتاب می خوانم البته بیشتر به کتاب های مذهبی علاقه دارم، اما اگر کتابی باشد که به بهبود وضعیت کاری ام کمک کند آن را هم مطالعه می کنم.»

او خاطرات و داستان های جالبی از مردم قدیمی بازار می داند و از حوادث و مشکلات امروز بازار، مانند ریختن کابل های سقف فرسوده بازار تا اوضاع کسب و کار سخن می گوید و درباره مصادیق اخلاقی بازاریان اظهار می دارد: «خوش خلق بودن و کم فروشی نکردن، از ویژگی های مهم کاسب است؛ موضوعی که در داستان های قدیمی به صورت ضرب المثل از آن یاد می شود و کمتر کاسب بازاری است که آن را نداند.»

کتابخانه های اطراف بازار

کم توجهی به مکتوبات و دور ماندن مردم بازار و محله های اطراف آن از کتاب و امکانات کتابخوانی باعث شده تا کتابخانه های حوالی بازار اقداماتی را برای رفع این کاستی ها انجام دهند.

کتابخانه امامزاده یحیی (ع) و خواجوی کرمانی در حوزه بازار، فعالیت های خود را مرتبط با کسب و کار بازاریان حوالی خودشان به اجرا درمی آورند. طرح «کتاب دوچرخه» سال گذشته در میان کسبه بازار به اجرا درآمد که هر چند کمتر کسی در بازار از

قصه آدم های بازار تهران و ماجراهایش، مثل دالان ها و پستوهایش پیچ در پیچ است؛ حکایت آدم های کوچک و بزرگ بازار که گاه نقل محافل سیاسی و اجتماعی بوده اند و وقایع مهم تاریخی را رقم می زدند و گنجینه های غنی روزگارش را برای زنده ماندن سینه به سینه نقل می کردند، زیرا کمتر نویسنده ای روایت وقایع مردم بازار را به رشته تحریر در آورده و آنچه هست، گذری است کوتاه بر وقایع تاریخی اعتصاب بازاریان و داستان های پراکنده از کتاب های قدیمی.

بازار تهران در دوران فتحعلی شاه قاجار بادالان ها و پستوهای متعدد ساخته شد و با دکان و راسته مغازه هایی که گویی تمامی ندارد، اصناف مختلفی را در خود جای داد تا آنجا که هر قسمتی، مرکز فروش کالاها و اجناس مشخصی شد تا در دل خود فرهنگ، سبک محاوره خاص و بینش متفاوتی را پرورش دهد.

ضرورت توجه به جایگاه مردم بازار در تاریخ و مسائل فرهنگی موضوعی است که امروز مورد توجه سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران قرار گرفته تا در قالب جشنواره چهره های ماندگار بازار، خاطرات شنیدنی بازاریان را به صورت کتاب منتشر کند و به گونه ای خلاء ناشی از کمبود تالیفات در این حوزه را پر کند.

اقدام سازمان فرهنگی هنری شهرداری در ثبت و حفظ ارزش های مذهبی و اخلاقی مردم بازار، انگیزه ای برای تالیف کتاب تلقی می شود.

شریفیان، مسئول آموزش و اجرای سازمان فرهنگی هنری منطقه ۱۲ شهرداری تهران در این باره می گوید: «جمع آوری آثار شفاهی مردم بازار و معرفی چهره های قدیمی در برنامه این سازمان قرار گرفته است و ما برای اجرای هر چه بهتر آن تلاش می کنیم تا با همکاری معتمدان محلی اطراف بازار، افراد صاحب خاطرات و روایت های مربوط به بازار شناسایی شوند و گفته های آنان به صورت خاطرات ثبت شود.»

شریفیان درباره نحوه حفظ و ثبت خاطرات قدیمی مردم بازار می گوید: «قرار است روایت این وقایع با همکاری یک گروه در قالب مصاحبه و عکس گردآوری و به صورت کتاب منتشر شود.»

برای تعریف خاطرات بازاریان محوری مشخص در نظر گرفته شده که شریفیان درباره آن می گوید: «در آثار شفاهی با موضوعات فرهنگی، گذشت، انصاف، برابری و ایثار مورد توجه است، زیرا این امر از مسائل اصلی و کلی در امر کسب و کار بازاریان به حساب می آید که خواندن آن علاوه بر مردم، برای کاسبان جدید و جوان نیز جذاب خواهد بود.»

شریفیان درباره این که چقدر این فرصت برای کاسب صاحب ذوق فراهم است تا خودش حاصل تجربه اش را عنوان کند یا به رشته تحریر در آورد، می گوید: «بهتر است برای گردآوری این خاطرات یا تجربیات دنبال کاسب ها برویم، چون در بیشتر موارد، افراد بازار مشغول به کارند و افراد قدیمی آنقدر سواد ندارند که بتوانند کتاب بنویسند.»

وی در ادامه می افزاید: «در برنامه جشنواره چهره های ماندگار بازار، علاوه بر معرفی چهره های ماندگار و قدیمی بازار، از کسانی که اکنون در قید حیات نیستند، اما افراد سرشناسی بوده اند، تجلیل می شود.» شریفیان در ادامه یادآور می شود: «این افراد سرشناس از گروه های مختلف اصناف و انجمن های معرفی می شوند که بعد از داوری چهره های برتر جشنواره، نتیجه آن به صورت کتاب چاپ و منتشر خواهد شد.»

شاید قدیمی های بازار، افراد کم سوادی بودند،

چهارمین دوره جایزه گام اول

فرخخوان

این جایزه با هدف کشف استعداد های برتر و تشویق هر چه بیشتر پدید آورندگان است که نخستین کتاب خویش را منتشر کرده اند. هیئت داوران در این دوره کتاب هایی با موضوعات زیر را بررسی می کنند:

الف: در حوزه ادبیات

- مجموعه شعرهای ویژه کودکان و نوجوانان
- مجموعه شعرهای مخصوص بزرگسالان
- مجموعه داستان کوتاه، بلند یا رمان برای کودک و نوجوان
- مجموعه داستان کوتاه، بلند یا رمان برای بزرگسال

ب: در حوزه دین

- علم کلام (آیات باورهای بنیادین و پاسخ به شبهات)
- عرفان و اخلاق
- علوم قرآنی و روایی
- سیره معصومین و زندگینامه بزرگان دین

از همه شاعران و نویسندگانی که در سال ۱۳۸۸ اولین کتاب خود را در حوزه های یاد شده به چاپ رسانده اند، دعوت می شود نخستین اثر خود را تا پایان مرداد ماه سال جاری، به نشانی دبیرخانه گام اول ارسال فرمایند.

خیابان انقلاب، بین صا و فلسطین، مؤسسه خانه کتاب پلاک ۱۰۸۰
 طبقه ۲، دبیرخانه جایزه گام اول
 شماره تماس: ۰۲۱-۶۶۴۶۲۱۸۱ تلفکس: ۰۲۱-۶۶۴۶۲۱۸۱



به تازگی دو کتاب «گذارها و خاطره‌ها» و «لبنان به روایت امام موسی صدر و شهید چمران» همراه تعدادی از تفسیرهای امام صدر بر سوره‌های کوتاه قرآن به همت موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر به چاپ رسیده است. «گذارها و خاطره‌ها» مجموعه خاطراتی از امام صدر است که بر اساس حضور او در ایران، نجف و لبنان طبقه بندی شده است. «لبنان به روایت امام موسی صدر و شهید چمران» تاریخ جنگ‌های داخلی لبنان را این بار در پس یادداشت‌ها، نامه‌ها و پاسخ‌های امام صدر و شهید چمران جست و جو می‌کند. در همین زمینه کتاب هفته با مهدی فرخیان ویراستار این مجموعه و مدیر کمیته پژوهش موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر گفت‌وگوی کوتاهی انجام داده است.

«گذارها و خاطره‌ها» امام موسی صدر در گفت‌وگو با فرخیان

اندیشمندی ایرانی که به تئوری پردازی اکتفانمی‌کرد

همان گونه که توضیح دادم، امام موسی صدر و چمران، خود در متن حوادث جنگ‌های داخلی لبنان بودند و تلاش بسیار می‌کردند که هر چه زودتر شعله‌های این جنگ خاموش شود. بنابراین، روایت این دو شخصیت از این جنگ‌ها بسیار حائز اهمیت است و البته نمی‌توان انکار کرد که مرحوم علی حجتی نیز به شخصیت امام موسی صدر و چمران علاقه‌مند و همیشه پی‌گیر مسائل لبنان بود. شاید بتوان گفت نقش این دو شخصیت در جنگ‌های داخلی لبنان مکمل هم بود.

شما تفسیر قرآن امام صدر را نیز ترجمه کرده‌اید. تفسیر امام صدر چه ویژگی خاصی نسبت به دیگر تفاسیر موجود دارد؟

امروز ما دو جلد از تفسیرهای امام موسی صدر را در اختیار داریم. یک جلد آن شامل تفسیرهای امام موسی صدر در سحرهای ماه رمضان است که از رادیو رسمی لبنان پخش می‌شد. امام موسی صدر هر روز به تفسیر آیاتی که از جاهای مختلف قرآن انتخاب می‌کرد می‌پرداخت. عنوان عربی این کتاب، «احادیث السحر» است. جلد دیگر، تفسیر سوره‌های قصار است که در واقع درس گفتارهای امام برای کادرهای جنبش امل است.

شیوه امام در تفسیر، بیشتر همان تفسیر قرآن به قرآن است و سعی کرده آیات و سوره‌ها را با آیات و سوره‌های دیگر تفسیر کند. البته درباره شأن نزول و مسائل تاریخی نیز در این تفسیرها مطالبی آمده است. این تفسیرها منبع بسیار مهم و خوبی برای شناخت دیدگاه‌های اسلام‌شناختی امام موسی صدر است که نوآوری‌ها و دیدگاه‌های خاص امام موسی صدر نیز در آن دیده می‌شود. از آن جمله می‌توان به تفسیر ایشان از شب قدر اشاره کرد که فکر می‌کنم هیچ مفسر دیگری قبلاً چنین دیدگاهی را بیان نکرده است. زبان این تفاسیر بسیار روان است و می‌تواند مخاطبان زیادی را جذب کند. ترجمه این دو جلد در حال آماده‌سازی است و به زودی منتشر می‌شود.



باخبر شود و چه بسا بسیاری از نایافته‌های خود را در روش و منش امام موسی صدر بیابد.

زندگی نامه نویسی یا پرداختن به زندگی شخصیت‌های تاثیرگذار، شیوه و زبان خاصی را می‌طلبد؛ چرا شما به جذابیت‌هایی مانند کوتاه‌نویسی یا روایت داستانی توجه نکرده‌اید؟

درباره این سؤال باید بگویم که کتاب «گذارها و خاطره‌ها» زبانی ساده و خاطراتی جذاب و متنوع دارد. بنابراین، شاید تا حد بسیاری مطالعه این کتاب جذاب و خواندنی باشد. کتاب «لبنان به روایت امام موسی صدر...» هم اثری است تخصصی در حوزه علوم سیاسی.

گردآورنده با چه هدفی لبنان را از نگاه امام صدر و شهید چمران بررسی کرده است؟ ارتباط فکری این دو شخصیت مدنظر بوده یا مسائل لبنان که سرنوشت دو ایرانی را به هم گره زده بود؟

ایران (قم)، عراق (نجف) و لبنان بوده است. این کتاب خاطرات نزدیکان و خویشان امام موسی صدر در این سه مقطع از زندگی او است. افرادی که در این کتاب با آنها گفت‌وگو شده، یا نسبت بسیار نزدیکی با امام موسی صدر دارند و از نزدیک با او بوده‌اند یا علاوه بر نسبت نزدیک با او، خود شخصیت برجسته‌ای نیز هستند. بنابراین، این خاطرات به ما کمک شایانی می‌کند تا شخصیت ایشان را بهتر بشناسیم.

نسل جوان امروز ایران، امام صدر را با روبرو شدن در لیبی و ۳۰ سال بی‌خبری می‌شناسند. به نظر شما شناخت شخصیت و فراز و نشیب‌های زندگی ایشان چه ضرورتی برای نسل امروز دارد؟

امام موسی صدر اندیشمندی ایرانی است که به لبنان رفت و همان طور که در جواب سؤال قبل گفتم، تنها به تئوری پردازی اکتفا نکرد. او برای ارتقای سطح اجتماعی و معیشتی و آگاهی لبنانیان و شیعیان آنجا تلاش بسیاری کرد؛ مجلس اعلا شیعیان را تأسیس کرد، بیمارستان ساخت، مدرسه ساخت، مرکز پژوهشی راه انداخت و بسیاری فعالیت‌های دیگر انجام داد. به نظر من، تجربه نزدیک به بیست ساله امام موسی صدر که پیش از انقلاب اسلامی بوده، می‌تواند تجربه گران‌بهایی برای ما ایرانیان باشد که باید بگویم متأسفانه ما از این تجربه خوب استفاده نکردیم؛ اما چون به خصوص درباره نسل جوان گفتید، باید بگویم تکیه امام موسی صدر همیشه به جوانان شیعه لبنان بود. او می‌گفت در مواجهه با جوانان یک چشمش را می‌بندم و چشم دیگرم را باز می‌کنم یا در جای دیگر می‌گفت با جوانان در یک اتاق جمع می‌شویم، درها را می‌بندیم و گوش‌ها را باز می‌کنیم، تا هر چه می‌خواهند بگویند. امام موسی صدر همیشه خود را در معرض سؤالات جوانان شیعه لبنان قرار می‌داد و سعی می‌کرد پاسخ‌های متناسب و به روز به آنان بدهد. با همین شیوه بود که رفته رفته جوانان به گردش حلقه زدند. این حق جوان ماست که با شخصیت موفق امام موسی صدر آشنا شود و از سرنوشت او

دو کتاب «گذارها و خاطره‌ها» و «لبنان به روایت امام موسی صدر و شهید چمران» چه کمکی به شناخت زندگی امام موسی صدر در لبنان می‌کند؟ کتاب «لبنان به روایت امام موسی صدر و شهید مصطفی چمران»، در واقع تحلیل امام موسی صدر و چمران از جنگ‌های داخلی لبنان است. جنگ‌های داخلی لبنان به سبب موقعیت ویژه این کشور، تأثیر انکارناپذیری بر منطقه داشت. لبنان کشوری است که همیشه کشورهای بیگانه به آن چشم داشتند؛ چه کشورهای آفریقایی و خاورمیانه و چه کشورهای غربی مثل فرانسه. این کتاب روایت این دو شخصیت درباره نقش شیعیان و نیروهای بیگانه و احزاب داخلی لبنان در این جنگ است و چون این دو بزرگ هر دو در متن حوادث بوده‌اند، روایت آنها از این حوادث بسیار پراهمیت است و فکر می‌کنم علاقه‌مندان به مسائل لبنان و خاورمیانه می‌توانند استفاده خوبی از این کتاب ببرند.

نکته دیگر اینکه امام موسی صدر رهبر و اندیشمندی است که تنها به نظریه پردازی و نوشتن کتاب در گوشه کتابخانه اکتفا نکرد، بلکه پا به عرصه‌های اجتماعی گذاشت و فعالیت‌های اجتماعی او و اقدامات عملی‌اش برای شناخت اندیشه‌هایش اهمیت ویژه دارد. مثلاً امام موسی صدر برای همین جنگ‌ها، دست به اعتصاب غذای معروفی زد. در آغاز اعتصاب غذا گفت هدفم از این کار این است که به همه نشان دهم سلاح دیگری غیر از تفنگ هم وجود دارد و نکته جالب‌تر این است که او اعتصاب را به سبب حمله عده‌ای از مسلمانان به روستای مسیحی دیرالاحمر پایان داد و گفت شلیک یک گلوله به دیرالاحمر مانند شلیک کردن به من و فرزندانم است. فکر می‌کنم این گفته‌ها و این نکته‌ها برای شناخت اندیشه امام موسی صدر بسیار مهم و ضروری است...

و درباره کتاب؟

درباره کتاب «گذارها و خاطره‌ها» باید بگویم که زندگی امام موسی صدر در سه منطقه جغرافیایی مهم

نگاهی به مجموعه پنج جلدی تفسیر قرآن

سید موسی صدر، امامی که باید از نو شناخت*

با مکان و زمان از قرآن» را در مجموعه پنج جلدی «تفسیر قرآن» وی می‌توان به خوبی دریافت. این مجموعه که عناوینی چون «انسان عقل و اخلاق»، «تأملی دیگر در قرآن و تفسیر»، «تفسیر سوره اخلاص»، «تفسیر سوره ناس و فلق»، «تفسیر سوره قدر» و «تفسیر سوره تکوین» را در خود دارد، با ترجمه مهدی فرخیان و به همت موسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر منتشر شده است.

وی در «تفسیر سوره اخلاص»، میان یگانگی خدا و وحدت و یکپارچگی در میان جامعه‌پلی برقرار کرده‌می‌نویسد: «وقتی که سرمنشأ همه انسان‌ها خداوند واحد است، احساس یگانگی جامعه به

انسان دست می‌دهد، انسان با این دریافت، هر چیزی جز خدا را واجد نقص و در مسیر کمال می‌بیند.» در کتاب «تفسیر سوره تکوین» نیز که یادداشتی با عنوان «مقام رسالت و ولایت» را در خود دارد، با ترسیم چشم انداز قرآنی حرکت اجتماعی به سوی سعادت



مسئولیت اسلامی خود نمی‌دانست و در پیمودن این مسیر تنها قرآن را چراغ راه می‌خواند معتقد بود که اسلام آیینی جاودانه و آموزه‌های آن، راهنمای بشر در همه اعصار است و از این رو، دلیل اصلی جاودانگی اسلام را قرآن کریم می‌دانست (۱). البته او جاودانگی خود قرآن را نیز نفس این حقیقت، که قرآن «عین کلام خداست» توصیف می‌کرد. (۲)

رهبر شیعیان لبنان به فهم انسان از قرآن کریم، همراه با سطح معرفت و دانش بشر در حال رشد، معتقد بود و همین استنباط‌های نو را پیش‌درآمدی برای تحول، پیشرفت و حل مشکلات جدید در هر روزگار قلمداد می‌کرد.

بنابراین، او هم خود را در خدمت تفسیر سوره‌های قرآن برای بازفهمی و بیرون کشیدن شیوه‌های قرآن برای ساختن جامعه‌ای صالح، همراه با پیشرفت و عدالت اجتماعی و اقتصادی قرار داده بود. این برداشت مبتنی بر «نظریات اجتماعی همخوان

امام موسی صدر در میان مسلمانان، به همان میزان که مورد علاقه آنان بوده و هست، مورد احترام مردم دیگر ادیان کشور لبنان هم هست تا آن جا که او را «مسیح لبنان» نامیده‌اند. وی از جمله شخصیت‌های تاثیرگذار لبنان معاصر است که روبرو شدن در لیبی و اسارت سی ساله‌اش به خوبی بر عمق تاثیرگذاری وی صحنه می‌گذارد. رهبری عملگرا که با وجود اجتهاد زود هنگامش در قم، در کنج حجره نماند و تا آنجا پیش رفت که در سخنرانی معروفش در جمع روحانیون ایران، نظام فکری و مدیریتی حاکم بر حوزه آن روزگار را به خاطر ناکارآمدی و کم‌کاری مورد انتقاد قرار داد. سید موسی صدر که امام خمینی (ره)، در پاسخ به پرسشی پیش از پیروزی انقلاب، وی را به عنوان گزینه پیشنهادی برای ولایت فقیه معرفی کرده بود، در جوانی و پس از اتمام تحصیل و بر اساس وصیت جدش، به لبنان رفت تا به تحقیر تاریخی شیعیان در این کشور پایان دهد؛ شیعیانی که با وجود جمعیت قابل توجه‌شان حتی یک نماینده در مجلس لبنان نداشتند و حال امام باید علاوه بر بازپس‌گیری حقوق طبیعی آنان، چهره زیبای اسلام را نیز با صداقت در گفتار و عملش به اثبات می‌رساند.

او که همواره کوشش‌های اجتماعی و فعالیت‌های سیاسی خویش را چیزی جز بعدی از ابعاد رسالت و

دنیوی و اخروی بر این باور است: «راهی که مسیر ما را در زندگی مشخص می‌کند و باعث می‌شود در زندگی هدفی داشته باشیم، همان صراط مستقیم است و این نعمت حقیقی ارزانی شده به انسان هاست» در «تفسیر سوره قدر» نیز می‌خوانیم: «حقیقت این است که قرآن بر قلب پیامبر نازل شده؛ قلبی که به تعبیر ادبی، آسمان دنیاست و این نقطه اوج تفسیر بشری است.»

اما مجلد اول با نام «تفسیر سوره ناس و فلق» شامل تفسیر «تفسیر سوره ناس و سوره فلق» است که در بخشی از آن آمده است: «با حسود چه می‌توان کرد؟ اگر محبتت را افزون کنی، بیشتر حسادت می‌کند. اگر از نعمتی که خداوند به تو عطا کرده به او بدهی، باز هم حسادتش بیشتر می‌شود.» همچنین کتاب «تأملی دیگر در قرآن و تفسیر» شامل دو بخش «درباره تفسیر قرآن» و «قرآن معجزه جاودان» است که امام موسی صدر در آن به طور خلاصه مبانی تفسیری خود را بر می‌شمرد.

پانویس‌ها:

*عنوان یادداشت از کتاب «محمد، پیغمبری که باید از نو شناخت» انتخاب شده است.

۱. «تأملی دیگر در قرآن و تفسیر»، ص ۱۱ و ۵۲

۲. «ادیان در خدمت انسان»، ص ۱۴۳

به بهانه چاپ دوم رمان «به وقت بهشت» نوشته نرگس جورابچیان

راه اندازی جایزه‌ای برای ادبیات عامه پسند



شفاهی به مکتوب را انجام می‌دهد و با کمی دقت می‌توان ارزش واقعی این دست آثار را دریافت و تقدیرش کرد. مثلاً به جای راه‌اندازی جایزه ادبیات خاص، جایزه ادبیات عام برگزار شود و مجموع این آثار را در جایگاه خود بررسی و ارزش گذاری کرد، عنوان تحقیر آمیز رمان‌های پاورقی، بر خورد غیر واقعی با این وجه ادبی است و مشکلی را حل نمی‌کند، چرا که به رغم میل خیلی‌ها، این نوع ادبی چرخه صنعت چاپ و نشر رازنده نگه داشته و راهی را همواره کرده و می‌کند که در ادامه راه، خواننده تربیت شده برای خواندن، به اثر خاص - چه بخواند یا بخوایم - می‌رسد یا می‌رساند و در این سطح قرار گرفتن و ترمیم رابطه متن و خواننده، کاری نیست که با مقاله و دستورالعمل و بخشنامه انجام پذیرد، فقط و فقط از طریق ادبیات به خود ادبیات جواب خواهد داد. در پایان اضافه کنم که این نوع طبقه بندی اختراع ذهن بنده نیست. در بعضی ممالک که مبدا داستان کوتاه رمان بوده و هست و سالانه حجم چشمگیری تولید ادبی در قالب رمان و نمایشنامه و به قولی بازاری‌ها و غیره دارند، در تقسیم بندی متداول جای ویژه به ادبیات خواننده پرور اختصاص داده و هر سال بنا به عرف فرهنگی آن دیار که بر اساس تشویق عمل می‌کند و نه پرهیز، جوایز متعددی به خالقان این نوع آثار می‌دهند تا هیچ‌گاه و هیچ لحظه از عمرشان احساس بیهوده بودن و عبث پیمودن نداشته باشند.

این تفاوت و تناقض بین متن و خوانش آن در یک سو و استقبال خواننده از نوشته و از سوی دیگر ارزش هنری یک متن، راه حلی می‌طلبد تا این دوگانگی به انسداد نکشد، بلکه پیشرفت حاصل شود و این مشکل فقط به دست ادبیات برطرف می‌شود.

در طبقه بندی آثار نوشته شده قطعاً باید جایی برای این گونه ادبی در نظر گرفت که کارش تربیت خواننده است و وظیفه سنگین انتقال یا ترکیب از

آنچه تا امروز به گسترش فرهنگ در آفریقا کمک کرده بدون در نظر گرفتن این خصوصیت (فرهنگ شفاهی) قادر به نفوذ و پیشرفت نبوده است. نکته مورد نظر فقط توجه به فرهنگ شفاهی است و تفاوت‌های بنیادی بین فرهنگ‌ها فعلاً مورد بحث نیست.

در جامعه خودمان، آموزش و پرورش عمومی و گسترش چاپ و نشر و رسانه‌های جمعی از جمله روزنامه و نشریات، سابقه چندانی ندارد و قبل از اینها سواد و دانش مکتوب بود در اختیار دربار و نزدیکان حکومت و اعوان و انصارشان بود و در این سوخیل عظیم رعیت و کارگر، سواد، به معنی رایج امروز را نداشتند و متکی بودند بر کتب مذهبی و برخی رسالات و از همه مهم‌تر، سواد قرآنی که در مکتبخانه‌ها به روش سنتی آموزش داده می‌شد و تعداد محدودی از مردان یازدانی بودند که آموخته‌های خود را به نسل بعد منتقل می‌کردند. آنچه همچنان پابرجا بود، فرهنگ شفاهی بود که از طریق قصه‌های مادر بزرگ و در کنارش تجربیات زندگی به دیگران یاد داده می‌شد.

کاربرد فرهنگ شفاهی در زندگی روزمره، در سطوح متفاوت کاربرد عملی و اجرایی داشت و با توجه به جایگاه راوی، تجربه خاص خود را از زندگی، بی‌واسطه روایت می‌کرد و جاری می‌شد بین مردم، یا به شکل ضرب‌المثل و مثل و قصه در شب‌های دراز و سرد زمستان پای کرسی، شب کوتاه می‌شد و یا فراقنی غم و غصه‌ها، بار سنگین زندگی را سبک می‌کرد.

حالا قصد و غرض از این روده درازی چیست. گمانم به طور کلی به نکته اصلی این بحث اشاره کرده‌ام، از گفتن واقعیت امروز و پیشرفت علم و دانش و گسترش وسایل ارتباط جمعی، پرهیز می‌کنم و سراغ نکته بعدی و با اهمیت‌تر می‌روم.

برای این که ادبیات از محاق خواننده نشدن خارج شود راهی نداریم جز این که با کمک خود ادبیات خواننده تربیت کنیم و به عبارتی فرهنگ شفاهی و سنت، تنیده شود با فرهنگ مکتوب و دانش امروز. این که می‌گویند: من برای خواص می‌نویسم، بیشتر از لاعلاجی است تا میل باطنی نویسنده و خالق اثر چرا که ارتباط بین متن و خواننده ارتباطی ضروری و حیاتی است. و بی آن هیچ اثری زنده نمی‌ماند و محکوم به فناست. با این استدلال نباید نتیجه گرفت: پس اثری که مخاطب محدود دارد بی ارزش است، این موضوع جای بحث دارد که در اهداف این مقاله نمی‌گنجد.

راوی قصه ترلان، ماجرا را با به دنیا آمدن خودش می‌آغازد و در چهار فصل سال به طور نامنظم پیش می‌برد و لحن روایت با ترکیب در حسیات لحظه پیش می‌رود. رمان با به دنیا آمدن راوی و احساس خطر مرگ برای مادرش شروع می‌شود و بعد از چهار فصل سال و هشتاد سرفصل دایره‌ای می‌خورد و با زایمان راوی در فضایی وهم‌آلود و احساس مرگ برای مادر نوزاد، به پایان می‌رسد.

این چند خط کلی‌ترین خلاصه رمان است که باید رکوردش ثبت شود، اما به همین بهانه طرح موضوع می‌کنم برای مشتاقان خواندن رمان. شاید به کارگیری کلمه رمان به دلایل تکنیکی، برای این گونه ادبی، جایز نباشد، اما به دلایل دسته‌گرفته از جمله همزمانی و هم معنا بودن و معاصر بودن و به کارگیری برخی تکنیک‌های رایج ادبی می‌توان پذیرفت که پا به عرصه رمان می‌گذارد، چرا که هم در عناصر مکان و زمان و موضوع و شکل ادبی خاص و پترن قابل کشیدن، از قصه روایت و حکایت فاصله می‌گیرد و چاره‌ای نمی‌ماند که بماند در قالب رمان. این که در این قالب تا چه اندازه از کیفیت بهره برده جای چانه زدن می‌گذارد.

بنابر روایت شفاهی، در گفت و گو‌ها با چند دوست و چند اهل قلم، نقل شده، حدود صد نویسنده پاورقی نویسی در سی سال اخیر ظهور و سقوط کرده‌اند، شهاب‌هایی که درخشیدند و رنگی و نوری دادند به ادبیات مظلوم و مهجور در این ولایت. آنچه قابل توجه است یافتن گره کور فرهنگی جماعت کتاب‌نخوان (اکثریت جامعه) و گروه اهل کتاب و قلم (اقلیت) است.

ریشه‌یابی عادات فرهنگی خود مبحثی اساسی است که از شناخت و تحقیق می‌آید. آنچه به این گپ و گفت ربط می‌یابد، یک وجه خاص و محدود آن است، خواندن و عادت به خواندن. اگر مردمی شناخت خود از زندگی را به مدد تلاش ذهنی و خواندن کتب و رساله و تحصیل در مدارج متفاوت پیگیری می‌کنند، قطعاً بازده تلاش خود را در ریز به ریز رفتار اجتماعی بروز می‌دهند که رسیدن به این نوع یا روش با برنامه، آرزویی دست‌یافتنی است. اما اگر ریشه‌های کسب آگاهی در جامعه هنوز بر سنت سده‌های ماضی پیش‌برود و شفافیت بخش اعظم جریان آگاهی رسانی و آگاه‌سازی را به خود اختصاص دهد، باید به دقت و تمرکز کافی ریشه‌یابی و راه‌حل مناسب ارایه شود. این کار در حوزه تخصصی خود باید بررسی شود اما حال از منظر ادبیات با این خصلت عمومی مخاطبان مواجه می‌شوم.

در جهان امروز و قاره‌های مختلف، هر جغرافیا، ویژگی فرهنگی خود را دارد؛ مثلاً آفریقا، به گونه‌ای در وجه فرهنگ شفاهی، با ما اشتراک دارد.

بسیار خوب، اجازه بدهید ببینیم قضیه از چه قرار است. همه ما می‌دانیم که با شروع الفبا، تفکر الفبایی در آفریقا رشد نکرده است. خیلی چیزها از آفریقا آغاز شده است؛ پیش از آنچه به ذهن تان برسد، ولی ارتباطی به حروف الفبا ندارد. حروف الفبا را اولین بار عرب‌ها به کار برده‌اند. بعد هم غربی‌ها از آن بهره‌مند شده‌اند. در آفریقا نوشتن به خودی خود - منظورم نوشتن رمان نیست - امری تازه است و به دوران اخیر برمی‌گردد... یک نویسنده فرانسوی یا انگلیسی هزاران سال سنت داستان‌نویسی را پشت سر دارد... به عبارت دیگر، ما وارث یک سنت شفاهی هستیم. (رمان: الیزابت کاستلو. نویسنده: جک مکسول کوئتری. ترجمه: حمید یزدان‌پناه. بخش رمان در آفریقا)

باسمه تعالی

فراخوان ناشران کتاب سراسر کشور
مؤسسه فرهنگی منادی تربیت
وابسته به معاونت پرورشی و تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش
با همکاری
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
در سال همت مضاعف و کار مضاعف
سیزدهمین دوره‌ی طرح
۴۰.۰۰۰ نمایشگاه کتاب در ۴۰.۰۰۰ مدرسه
را در ۷۰۰ منطقه‌ی آموزش و پرورش کشور
هم زمان با هفته‌ی کتاب برگزار می‌کند
ناشران محترم میتوانند به منظور مشارکت در این طرح ملی با توجه به
زمان اعلام شده به نشانی زیر مراجعه نمایند.
مخاطبین کتاب: دانش آموزان و فرهنگیان
زمان مراجعه:
۱۴ تیرماه لغایت ۷ مرداد ماه
۸ صبح الی ۱۶ بعدازظهر (به جز ایام تعطیل)
ارایه یک جلد از هر عنوان کتاب منتشر شده سال ۸۶ به بعد
به دبیرخانه مؤسسه الزامی است.
برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن‌های ۸۸۸۹۴۲۹۱-۸۸۸۰۹۷۸۷ تماس
و یا به سایت مؤسسه WWW.Monadi.Org
جهت دریافت فرم مراجعه فرمائید.
نشانی: تهران، خیابان استاد نجات‌اللهی، کوچه‌ی بیمه، پلاک ۲۶



مزایا و مضرات بهره‌گیری از فناوری‌های جدید در تاریخ‌نویسی



و سطحی نگر کند و او را در جست‌وجو و گزینش منابع مطمئن، در میان انبوه گسترده‌ای از اطلاعات، کاهل و سردرگم سازد.

رایانه البته ابزاری یاری‌گر است، اما آیا جست‌وجوگری که بردباری انتخاب مطالب محققانه را از نوشته‌های کم‌ارزش تاریخی ندارد و به نخستین یافته‌های خود اکتفا می‌کند، می‌تواند پژوهشی ارائه کند که دربردارنده سخنی تازه و به دور از تکرار حرف‌های گفته شده باشد؟

به هر روی، شناخت ابزارهای نوین و شیوه درست و کارآمد بهره‌گیری از آنها، ارزش و اهمیتی دارد که توجه به چنین پدیده‌های شگرفی را ضروری می‌سازد.

سایت‌های معتبر تاریخی، لوح فشرده نرم‌افزارهای تاریخی، منابع کتابخانه‌ای دیجیتال و... نمونه‌هایی از ابزارهای نوین به شمار می‌روند. باید این واقعیت را پذیرفت که باتوسعه فناوری‌های جدید و تکنیک‌های تازه پژوهشی، وارد مرحله جدیدی از تاریخ‌نگاری شده‌ایم و با تحولی بنیادی در عرصه پژوهش‌های تاریخی مواجهیم؛ هرچند متأسفانه برخی تاریخ‌نگاران امروزی، نه به اهمیت فناوری جدید در پژوهش‌های تاریخی توجه دارند و نه دانش و مهارت کافی برای بهره‌گیری از آنها را آموخته‌اند!

در مجموع می‌توان میزان سودمندی‌های ابزارهای تازه تحقیق را فهرست وار چنین برشمرد؛ ارتباط با جهانی وسیع‌تر از دنیای مورخان پیشین، استفاده آسان و کم‌هزینه از پژوهش‌ها و مطالعات محققان دیگر، دسته‌بندی؛ ذخیره‌سازی و بازخوانی و تکثیر مطلب، برقراری ارتباط سریع و هم‌زمان با پژوهشگران، جست‌وجوی آسان به کمک کلیدواژه‌ها و نیز فراهم آوردن آرشیوهای جامع در کمترین فضای ممکن.

در مقابل این فواید و مزایای بسیار، زیان ابزارهای تازه را نیز باید چنین برشمرد؛ قالب و چارچوب نامناسب رایانه‌ها برای خواندن متن‌های طولانی و اسناد تاریخی، مشکل ارجاع دهی در پژوهش‌های

تاریخ‌نگاران پیشین قرار داشت، دستیابی به مآخذ و بهره‌گیری از آنها بود. این دشواری، اغلب به اتلاف وقت می‌انجامید و گاه جست‌وجوها و پرسش‌ها، به سرانجام روشن و قانع‌کننده‌ای نمی‌رسید. در نتیجه، مورخ پیشین ناگزیر بود که از بخشی از منابع کار خود صرف‌نظر کند.

زیان عدم دسترسی به منابع اطلاعاتی، گاه تا حدی بود که کتاب‌های تاریخی، در بخش‌هایی که مربوط به روزگاران دورتر از حیات مورخ بود، چیزی جز رونویسی کتاب‌های تاریخ‌نگاران دیگر نباشد، اما امروزه چنین مانعی از پیش‌پای تاریخ‌نگاران برداشته شده است.

نه به این معنا که دانش سنتی تاریخ و پیوند آن با ادبیات و علوم دیگر، ارزش و اهمیت خود را از دست داده باشد؛ بلکه آنچه در این میان تحولی بی‌مانند یافته است، شیوه بهره‌گیری از داده‌های تاریخی، امکان استفاده از ابزار نوین رسانه‌ای و دسترسی به امکانات گسترده ارتباطی است.

تاریخ‌نگار امروزی ابزار و لوازمی در اختیار دارد که در جهان گذشته و نزد مورخان سده‌های پیش، ناشناخته بود.

استفاده از صنعت فیلمبرداری برای ثبت رویدادهای تاریخی، عکس و ضبط صدا و فراهم آوردن فایل‌های متنی و بسیاری از ابزار جدید دیگر، روش تاریخ‌نگاری را دگرگونی بنیادینی بخشیده است. هر چند همین ابزارها گاه می‌توانند شیوه‌ای برای تحریف و جعل تاریخ نیز باشند تا جایی که شناسایی آن تحریف‌ها و دگرگونی‌ها، به سادگی امکان‌پذیر نباشد، اما به هر حال چنین ابزارهایی آن گونه بر توانمندی‌های تاریخ‌نگاران می‌افزایند که ارزش آنها را نباید نادیده گرفت.

اما این نوع از دسترسی آسان به اطلاعات و مواد و پژوهش‌های تاریخی، گاه ممکن است همراه با زیان‌ها و آسیب‌هایی نیز باشد و تاریخ‌نگار امروزی را آسان‌گیر

آیا ابزارهایی که مورخان پیشین برای روایتگری تاریخ در اختیار داشتند، امروز نیز می‌تواند در نگارش تاریخ، سودمند باشد و محقق را از به کارگیری فناوری‌های جدید بی‌نیاز کند؟ این پرسشی است که در جهان دگرگون شده ما، پاسخی روشن دارد.

جهان ما گستره شگفت‌آوری از انتشار و انتقال اطلاعات است؛ پیشرفت روزافزون و سرسام‌آور فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، روش‌های سنتی را کم و بیش بی‌اعتبار ساخته است. رایانه‌ها، نرم‌افزارها و شبکه جهانی اینترنت، انبوه شگفت‌آوری از داده‌ها را در کمترین زمان ممکن، در اختیار کاربران می‌گذارند و آنها را بی‌واسطه ابزارهای پیشین، با دانش روز یا میراث گذشته آشنا می‌کنند. طبیعی است که دانش تاریخ نیز نمی‌تواند خود را از این دگرگونی انتقال اطلاعات، بی‌نیاز بداند.

باید پذیرفت که فناوری‌های ارتباطی، ابزار سودمند و کارایی‌اند که بر توانمندی‌های تاریخ‌نگار امروزی می‌افزایند و او را یاری می‌رسانند تا در انتقال داده‌های تاریخی، دقیق‌تر و سریع‌تر عمل کند.

این شیوه از جابه‌جایی اطلاعات می‌تواند به دور از تنگناهای مکانی و جغرافیایی باشد که مورخان پیشین با آن مواجه بودند.

از سویی دیگر، اینترنت می‌تواند از دستیابی به پژوهش‌های تازه تاریخی و همچنین آگاهی از تحقیقات و پژوهش‌های محققان دیگر، ابزاری در دست پژوهنده امروزی باشد. بانک‌های اطلاعاتی مجازی، مجلات علمی الکترونیکی و کتابخانه‌های دیجیتال، از دیگر فناوری‌هایی‌اند که سهولت دسترسی به مواد خام تاریخی و ارائه پژوهش‌ها را آسان می‌کنند. حتی می‌توان آموزش‌های دانشگاهی را از طریق شیوه‌های ارتباطی اینترنتی به کار گرفت و از این راه دانشجویان تاریخ را با روش‌شناسی پژوهشی رشته خود آشنا کرد.

از سویی دیگر، دشوارترین مسأله‌ای که پیش روی

نگاهی به تاریخ‌نگاران بزرگ ایران در سده‌های آغازین اسلام

چستا پاک‌سرشت: هر چند از ایران باستان کتابی تاریخی بر جای نمانده، اما از اشاره‌های مورخان یونانی می‌توان دریافت که سنت تاریخ‌نویسی در میان ایرانیان نیز وجود داشته است و دست‌کم سالنامه‌هایی که دربردارنده فهرست رویدادها بوده‌اند، در دربارهای سلطنتی تدوین و نگهداری می‌شده‌اند. این سالنامه‌ها ادامه سنت رویدادنگاری آشوریان و بابلی‌ها بود.

پس از ورود اسلام به کشورمان، سنت تاریخ‌نگاری در ایران به تدریج به چنان شکوفایی می‌رسد که در سده‌های هفتم و هشتم قمری، تاریخ‌هایی نگارش می‌شوند که هریک از آنها را باید نمونه درخشان رویدادنگاری در نظر گرفت. در این زمان مورخان دانشمندی مانند خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی (۶۴۸ - ۷۱۸ ه.ق) نه تنها به ثبت تاریخ ایران می‌پردازند، بلکه تاریخ جهان شناخته شده روزگارشان را هم مورد توجه قرار می‌دهند. بدین گونه تواریخی پدید می‌آیند که برجستگی و ارزش نمایانی دارند.

اگر از سبک نوشتاری تواریخ سده‌های پس از آن بگذریم و شیوه پیچیده‌گویی بسیاری از تاریخ‌نویسان قرن‌های دهم تا سیزدهم را نادیده بگیریم، می‌توان گفت که سنت تاریخ‌نویسی در ایران، همچنان پایدار می‌ماند و کتابی‌هایی پدید می‌آیند که در شمار بهترین نمونه‌های رویدادنگاری محسوب می‌شوند. دقت مورخان نظیر میرزاهمدی خان استرآبادی در ثبت رخداد‌های روزگار نادرشاه افشار (با همه انتقادهایی که از کتاب او کرده‌اند) یک نمونه از کار تحسین‌برانگیز نویسندگان و مورخان ایرانی به شمار می‌رود. البته تنگناهایی را که این مورخان در

نوشتن تاریخ راستین و بی‌دروغ روزگار خود داشته‌اند، نباید نادیده گرفت. خصلت‌های استبدادی پادشاهان، بسیاری از مورخان را از بازگویی حقایق تاریخی باز می‌داشت.

این نیز گفتنی است که گاه سنت تاریخ‌نویسی در ایران با تملق و چاپلوسی و قلب و واقعیت آمیخته می‌شده است. نمونه این دست تواریخ درباری، متأسفانه اندک نیست. همان‌میرزاهمدی خان استرآبادی که تاریخ با ارزش «جهانگشای نادری» را نوشته است، بانگارش کتابی به نام «دره نادره» چنان زبان به تملق‌گویی و چرب‌زبانی می‌گشاید که خواننده امروزی را از شیوه تاریخ‌پردازی او، بیزار می‌سازد.

با همه اینها باید گفت که دامان مورخان بزرگ و نامور ایرانی از گمان دروغ به دور است و آنها توانسته‌اند که با پایبندی به حقیقت و راستی، حوادث روزگارانشان را ثبت کنند و بنویسند. مثال روشن این سخن، ابوالفضل بیهقی و تاریخ نامدار اوست که اهمیت و ارزش بی‌مانند کتاب او بر کسی پوشیده نیست. او با آن که همواره ستایشگر سلطان روزگار خود بوده است، به هیچ روی از بازگویی حقیقت سرباز نمی‌زند و خود را نسبت به آیندگان متعهد و پاسخگو می‌داند.

در این نوشته که بر پایه بررسی تواریخ مهم و با ارزش ایران (از سده‌های آغازین اسلامی تا پایان عصر قاجاری) شکل گرفته، تلاش شده به زندگی شماری از مورخان نامور ایرانی - تا جایی که بررسی‌های تاریخی بر زندگی آنان روشنی افکنده است - و محتوای اثری که آفریده‌اند، اشاره شود.

۱- ابوعلی محمد بن محمد بلعمی، قرن چهارم، نویسنده تاریخ بلعمی
۲- ابوسعید عبدالحی بن ضحاک گردیزی، قرن پنجم، نویسنده تاریخ گردیزی

۳- ابوالفضل بیهقی دبیر، قرن پنجم، نویسنده تاریخ بیهقی
۴- راوندی، قرن ششم، نویسنده راحه الصدور و آیه السورور در تاریخ

تاریخی در فضاهای مجازی، عادت و انس با متن‌های چاپی و کاغذی و نیز میزان اعتبار و سندی پژوهش‌های تاریخی اینترنتی.

گزینی به تاریخ شفاهی

تاریخ شفاهی شیوه‌ای از پژوهش تاریخی است که بر پایه رویدادها، شنیده‌ها و رفتار نقش‌آفرینان، ناظران و فعالان رویدادها، به شرح و شناخت اتفاقات تاریخی می‌پردازد. این شیوه که خصلتی گفتاری دارد، روشی موثر برای آشکار شدن زوایای پنهان تاریخی است. پیاداست که محقق حوزه تاریخ این بار در جایگاه مصاحبه‌کننده، باید بستر لازم و نقش فعال و پرسشگرانه‌ای را ایفا کند تا راوی واقعه تاریخی، به دور از ملاحظات و پرهیزهای سیاسی، دوستانه و فامیلی، دیدگاه‌ها و میزان دخالت خود در حادثه‌های تاریخی را تشریح کند.

متون این نوع از تاریخ حتی در صورت مکتوب شدن، خصلتی گفتاری دارد. در فرآیند مصاحبه تاریخ شفاهی دو عامل «مصاحبه‌کننده» و «راوی» ارتباطی تنگاتنگ یافته، مصاحبه‌کننده به عنوان یک شنونده فعال نقشی بسیار اساسی را ایفا می‌کند تا مصاحبه‌شونده (راوی) در فضایی آرام و بی‌دغدغه به شرح و بسط دیدگاه‌ها و شنیده‌های خود بپردازد.

بدیهی است نقش مصاحبه‌گر در این میان، نقشی فعال و پویاست و گفت‌وگو متقابل این دو عامل با به کارگیری شیوه‌های اصولی و استاندارد مصاحبه تاریخ شفاهی به آشکار شدن زوایای پنهان تاریخ و بازسازی دوباره آن منجر می‌شود.

- آل سلجوق
- ۵- عظامک جوینی، قرن هفتم، نویسنده تاریخ جهانگشا
- ۶- رشیدالدین فضل‌الله همدانی، قرن هفتم، نویسنده جامع التواریخ
- ۷- منهج السراج جوزجانی، قرن هفتم، نویسنده طبقات ناصری
- ۸- شرف‌الدین عبدالله، قرن هفتم، نویسنده تاریخ و صاف
- ۹- حمدالله مستوفی قزوینی، قرن هفتم، نویسنده تاریخ گزیده
- ۱۰- محمد بن علی شبانکاره‌ای، قرن هشتم، نویسنده مجمع الانساب
- ۱۱- احمد بن جلال‌الدین محمد فصیحی خوافی، قرن نهم، نویسنده مجمل فصیحی
- ۱۲- شرف‌الدین یزدی، قرن نهم، نویسنده شرفنامه
- ۱۳- شهاب‌الدین عبدالله حافظ ابرو، قرن دهم، نویسنده زبده التواریخ
- ۱۴- کمال‌الدین عبدالرزاق سمرقندی، قرن نهم، نویسنده مطلع السعدین و مجمع البحرین
- ۱۵- میرمحمد بن سید برهان‌الدین خواند شاه معروف به میرخواند، قرن دهم، نویسنده روضه الصفا
- ۱۶- غیاث‌الدین بن هماد الدین معروف به خواند میر، قرن دهم، نویسنده حبیب السیر
- ۱۷- حسن بیک روملو، قرن نهم، نویسنده احسن التواریخ
- ۱۸- اسکندر بیک منشی، قرن یازدهم، نویسنده عالم آرای عباسی
- ۱۹- میرزا مهدی خان استرآبادی، قرن دوازدهم، نویسنده جهانگشای نادری
- ۲۰- ابوالحسن بن محمد امین معروف به گلستانه، قرن دوازدهم، نویسنده مجمل التواریخ بعد از نادر
- ۲۱- رضاقلی خان هدایت، قرن سیزدهم، نویسنده روضه الصفا ناصری
- ۲۲- ناظم‌الاسلام کرمانی، قرن چهاردهم، نویسنده تاریخ بیداری ایرانیان



مریم مجبی

هر چند هامون قاپچی تعدادی از داستان‌های خود را پیش از این در مطبوعات و نشریات منتشر کرده بود، اما مجموعه داستان «اولین اتوبوس» را که بهار امسال منتشر شد، می‌توان نخستین حضور جدی او در عرصه ادبیات دانست. این نویسنده در حوزه روزنامه‌نگاری نیز فعالیت دارد و از این رو می‌توان این جنس نگاه او را در داستان‌هایش هم مشاهده کرد. گفت‌وگویی که در ادامه می‌آید، درباره «اولین اتوبوس» با وی انجام شده است.

نویسنده مجموعه داستان «اولین اتوبوس»:

داستان باید شبیه ابتدایش به پایان برسد



بوده است؟

من بخش عمده فعالیت مطبوعاتی‌ام را در مجله «ادب و هنر» انجام دادم که به رشته تحصیلی‌ام (نقاشی) مربوط می‌شد. اگر به کمی عقب‌تر برگردیم به طور کلی به دلیل اینکه من در خانواده‌ای مطبوعاتی رشد کردم و پدر و مادرم هر دو به این کار مشغول بودند نمی‌توانم تأثیر این امر را در ورود من به این عرصه نادیده گرفت چون از سنین کم به خواندن روزنامه و مجلات گوناگون علاقه داشتم و این امر در آشنایی‌ام با دنیای ادبی بسیار دخیل بود. همچنین

با مشاهده فهرست داستان‌های این مجموعه به نظر می‌رسد، وسواس خاصی را در انتخاب عنوان هر قصه به خرج داده‌اید. دلیل آن چیست؟

داستان‌هایی را که می‌نویسم از همان اول اسمی برای آن ذهنم را درگیر نمی‌کند و این گونه نیست که داستانی را با نام خاصی در ذهنم خلق کنم. اما بعد از پایان نوشتن هر قصه، همان‌طور که شما نیز گفتید سعی می‌کنم حساسیت خاصی را برای نامگذاری آن به خرج دهم، چرا که معتقدم نام یک اثر ادبی، معرف آن اثر است و به مخاطب نشان می‌دهد که بن‌مایه اثر چیست. از سوی دیگر فکر می‌کنم اسم کتاب نقش زیادی در جذب مخاطب دارد و می‌تواند ذهن خواننده را به خواندن آن ترغیب کند.

چگونه سوژه مورد نظر خود را برای هر داستان پیدا می‌کنید؟

بخش اعظمی از این سوژه‌ها به عوالم شخصی و افکار درونی‌ام برمی‌گردد. هر داستان در ذهن من با یک پلان یا تصویر ذهنی آغاز می‌شود و اغلب این سوژه‌ها برآمده از نگاهی است که به اطراف دارم. همیشه در تلاطم تا برخی از مسایل پیش پا افتاده را که شاید خیلی مورد توجه دیگران نباشد و به سادگی از کنار آن بگذرند در یک قاب بینم آنها را وارد داستان‌هایم کنم. شاید مهمترین وظیفه یک داستان‌نویس، توجه به همین موضوعات و بیان آنها به شکلی هنرمندانه باشد و امیدوارم توانسته باشم تا اندازه‌ای از پس این کار برآمده باشم.

روزنامه‌نگاری تا چه اندازه بر کار شما تأثیر گذار

گفت و گو با نویسنده «سنجاقک‌های رستم آباد»

چرا چنین شدم که هستم؟

نویسندگان شیوه‌های مختلفی را برای بیان موضوعات داستانی خود به کار می‌گیرند که بهره‌گیری از خاطره‌نویسی، یکی از این روش‌هاست. «سنجاقک‌های رستم آباد» که برای حضور در نمایشگاه کتاب تهران منتشر شد نیز چنین رویکردی دارد. این داستان بلند، روایت زنی میانسال به نام فرنگیس است که تصمیم به نوشتن خاطرات گذشته خود می‌گیرد تا اگر روزی پیری و فراموشی سراغش آمد، با خواندن خاطراتش بداند که بوده است. گفت‌وگویی زیر با نویسنده این رمان، فریبا خادمی انجام شده که علاوه بر نویسندگی در حوزه بازیگری نیز فعالیت می‌کند.



داستان شما درباره مادر بزرگ پیری است که دچار فراموشی شده. برای به تصویر کشیدن این شخصیت از چه منابعی استفاده کرده‌اید؟

به طور کلی دستمایه‌هایی از خاطرات شخصی من در این داستان وجود دارد. شخصیتی که به آن اشاره کردید (عزیز جون) برگرفته از شخصیت مادر همسر من بوده و کلاً تمام افراد این قصه، در زندگی‌ام دارای نوعی ما به ازای بیرونی هستند و به اشکال پررنگ و کم‌رنگ در محیط اطراف من زندگی می‌کنند.

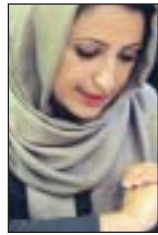
چطور شد که تصمیم به نوشتن این داستان گرفتید؟

رشته تحصیلی‌ام در دانشگاه، ادبیات فارسی بود و از همان زمان یادداشت‌هایی در قالب شعر یا اثر ادبی می‌نوشتم، ولی فکر می‌کردم این نوشته‌ها باید ساختار درستی داشته باشند. یعنی به نظرم باید قالب درستی برای نوشته‌هایم انتخاب می‌کردم تا بتوانم موضوعاتی را که در ذهنم دارم پرورش بدهم. همچنین یکی از دلایلی که من را برای نوشتن «سنجاقک‌های رستم آباد» ترغیب کرد فعالیت‌های متعددی بود که پیش از این در زمینه فیلمنامه، نمایشنامه و به طور کلی ادبیات نمایشی انجام داده بودم.

چرا داستان شما اوج و فرودهای چندانی ندارد؟

هر داستانی ساختار ویژه خود را می‌طلبد و به نظر من، این رمان هم چنین ساختاری را می‌طلبد. مخاطب در این رمان با یک زندگی آشنا می‌شود، در نتیجه ملایمتی که در داستان به چشم می‌خورد می‌تواند برآمده از جهان بینی

کوتاه با نویسنده «مرغ عشق‌های همسایه روبه روی» زن باش و زنانه ننویس!



یکی از مسایلی که برخی منتقدان هم به آن اشاره می‌کنند، نگاه زنانه در ادبیات داستانی است، نکته‌ای که بسیاری از نویسندگان از جمله فرشته نوبخت به آن اعتقاد ندارند. وی در

مجموعه داستان «مرغ عشق‌های همسایه روبه روی» نگاهی انسانی به مسایل دارد. با او گپ کوتاهی زده‌ایم که در پی می‌آید.

بخش پایانی اکثر داستان‌های این کتاب مانند «زندگی کسالت‌بار آقای ت» به نوعی غافلگیری می‌انجامد که ممکن است بعد از تمام شدن داستان، ذهن خواننده را همچنان به خود مشغول نگه دارد. شما پایان بندی داستان‌هایتان را چگونه انتخاب می‌کنید؟

من همواره می‌دانم که قرار است در پایان داستان‌هایم چه رخ دهد و به همین دلیل آگاهانه پایان داستان‌هایم را انتخاب می‌کنم. در این باره معتقدم به دلیل اینکه در داستان کوتاه، نویسنده فرصت زیادی برای بیان آنچه می‌خواهد بگوید ندارد مجبور است با احتساب همین محدودیت‌ها، فضای تأثیرگذاری را خلق کند که پس از پایان داستان همچنان در ذهن خواننده باقی بماند. بدین معنا که داستان در ظاهر پایان می‌پذیرد، ولی در ذهن و روان خواننده همچنان ادامه دارد و این نکته‌ای است که من خواسته‌ام آن را انجام بدهم و امیدوارم موفق بوده باشم.

سوژه داستان‌ها را چگونه انتخاب می‌کنید؟

سوژه‌ها برای خود من گاه در لحظه شکل می‌گیرند، یعنی یک حس بیرونی به حسی درونی می‌انجامد. مثلاً زمانی که مشغول صحبت با دوستی هستم یا به دیدن کسی رفته‌ام، سوژه درون ذهن من شکل می‌گیرد. گاهی نیز سوژه‌ای را انتخاب می‌کنم و بعد به تحقیق درباره آن مشغول می‌شوم. مثلاً به خاطرات رجوع می‌کنم یا منابع دیگری را برمی‌گزینم. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم شغل سابقم است که پرستاری بوده و تأثیر فراوانی روی داستان‌های من داشته است، به طوری که بسیاری از سوژه‌ها و فضاهای داستان‌هایم را تحت تأثیر قرار داده است.

از جمله نقدهایی که تا کنون به داستان‌های شما وارد شده این است که چرا این آثار تا این اندازه زنانه هستند؟ پاسخ شما چیست؟

در این مجموعه سه داستان وجود دارد که شخصیت‌های اصلی شان مرد هستند و قهرمان مابقی قصه‌ها زن‌اند. با این حال مطرح شدن این سوال برای من بسیار عجیب بود، چون من یک نویسنده زن هستم و طبعاً نگاه زنانه و جهان بینی زنانه‌ای خواهم داشت و هرگز نمی‌توانم فارغ از جنسیت به دنیای اطراف نگاه کنم. اما من به نگاه انسانی بیش از نگاه جنسیتی اعتقاد دارم.

یعنی نگاه زنانه تأثیر خاصی بر کار شما نداشته است؟

خیر. این امر هیچ تأثیری بر کارهای من نداشته است. شاید در مجموعه جدید سعی کرده باشم از شخصیت‌های مرد استفاده بیشتری کنم یا نقش پررنگ‌تری به آنها بدهم، اما فکر نمی‌کنم کنار گذاشتن جهان بینی زنانه هرگز برای من و هیچ زن دیگری ممکن باشد. به نظرم نباید در این عرصه وارد افراط شد.

فعالیت‌های روزنامه‌نگاری من، مثل خیلی از نویسندگان دیگر که در هر دو عرصه نویسندگی و روزنامه‌نگاری فعالیت می‌کنند، به طور قطع در کارم تأثیر دارد.

پایان بندی داستان تا چه اندازه ذهن شما را به خود مشغول می‌کند؟

زمانی که شروع به نوشتن داستانی می‌کنم، شاید هنوز ندانم که در پایان داستان چه روی می‌دهد و به گمانم این یکی از ویژگی‌های ادبیات است که ما را با یک داستان همگام می‌کند و همیشه پایان داستان را برای ما جذاب است.

به گمان من، برای پایان بندی یک داستان خوب نیازی نیست که طرحی هیجان‌انگیز و پر از فراز و فرودهای خاص پیاده کنیم، چون معتقدم داستان باید شبیه ابتدایش به پایان برسد و نیازی به اتفاق خارق‌العاده و یگانه‌ای برای داستان‌ها وجود ندارد.

آیا سرریسته ماندن برخی مسائل را پس از پایان هر داستان لازمه جذابیت آن می‌دانید؟

ما گاهی از خواننده انتظار نداریم نتیجه ویژه‌ای از قصه بگیرد یا با کنار هم گذاشتن مسایل، پیام یا نکته بخصوصی را دریابد! گاهی پایان بندی یک داستان برای من بسیار ساده‌تر از آنچه تصورش می‌رود صورت گرفته، به طوری که تنها در یک لحظه با خود فکر کردم که الان باید تمام شود! و این پایان همواره برای من با یک تصویر همراه بوده است. البته گاهی در بازنویسی، این پایان تغییر پیدا می‌کند.

شخصیت‌های داستانی باشد. مثلاً فرنگیس، شخصیت اصلی داستان می‌گوید من زنی هستم ساده، بی‌هیچ بلندپروازی که نباید یادم برود هیچ هیجانی را اعتباری نیست. پس جهان بینی چنین آدمی طبعاً نمی‌تواند از فراز و فرود خاصی برخوردار باشد. برای او بالاتر جایی است که اکنون آنجا ایستاده.

یعنی به نظر شما چون داستان دارای لطافت است، نباید اوج و فرود داشته باشد؟

هر داستانی اوج و فرود دارد و این کتاب هم قطعاً خواسته چنین باشد، اما به طور حتم این فراز و فرودها با توجه به مضمون داستان، کمتر از برخی داستان‌های دیگر است.

به نظر شما «سنجاقک‌های رستم آباد» چه گروه سنی از مخاطبان را پوشش می‌دهد؟

من وقتی کتاب را می‌نوشتم، قشر خاصی را در نظر نداشتم، اما به گمانم خانم‌ها و به ویژه خانم‌های بالای سی سال ارتباط بهتری با آن برقرار می‌کنند، چون برخی فضاسازی‌های داستان، با حالت نوستالژیکی همراه است که مورد پسند این قشر از مخاطبان واقع می‌شود. البته به تعبیر دیگری می‌توان گفت این امر بستگی به پرداخت شخصی خود خواننده دارد که آیا با خواندن این کتاب احساس همذات‌پنداری با شخصیت‌های داستان می‌کند یا نه. ضمناً ممکن است به دلیل پیچیدگی و تکلفی که در شکل نگارش بعضی قسمت‌های داستان وجود دارد، مانع جذب عده‌ای از مخاطب‌های عام بشود.



آنچه جام جهانی برای آفریقای جنوبی بر جای گذاشت

از «طلا تا فوتبال» با گام نخست در عرصه‌ای وسیع

صدای وووولها خاموش شده و جام جهانی در آفریقای جنوبی به پایان رسیده است؛ رویدادی جهانی که برای نخستین بار یک کشور آفریقای جنوبی میزبان آن بود. اما این مراسم پرهزینه و پرسروصدا چه چیز برای مردم آفریقای جنوبی به جا گذاشته است؟

کتاب «از طلا تا فوتبال» که به تازگی از سوی نشر ورزش منتشر شده، اطلاعات گوناگونی را درباره کشور آفریقای جنوبی (میزبان جام جهانی ۲۰۱۰ فوتبال) ارائه می‌کند.

جهانگیر چراتی، مولف این اثر، از فعالان عرصه اطلاع‌رسانی حوزه ورزش و تربیت بدنی محسوب می‌شود که به‌ویژه در حوزه دو میدانی صاحب نظر به حساب می‌آید.

سابقه طولانی حضور چراتی در این عرصه موجب می‌شود که انتظار از کتاب او درباره جام جهانی فوتبال بالا رود. وی در نوشته‌اش به بررسی عمیق دلایل اشتیاق مقامات کشورهای آفریقای جنوبی برای کسب میزبانی این مسابقات و همچنین اعطای این میزبانی از سوی فدراسیون بین‌المللی فوتبال (فیفا) پرداخته. او در این کتاب اطلاعاتی را درباره کشور آفریقای جنوبی و شهرهای میزبان بازی‌ها ارائه کرده است.



البته تالیف چنین کتابی از سوی جهانگیر چراتی و انتشار آن توسط نشر ورزش را باید به فال نیک گرفت، زیرا در حالی که بسیاری از اهل قلم و ناشران دولتی و خصوصی حوزه ورزش و تربیت بدنی به رویدادی بزرگ به نام جام جهانی بی‌تفاوت بودند، تالیف و انتشار این کتاب می‌تواند تا اندازه زیادی جویبار اشتیاق اهالی فوتبال برای کسب اطلاعات درباره کشور میزبان جام جهانی باشد.

انتشار کتاب «از طلا تا فوتبال» را باید گام نخست در جاده نشر تالیفات درباره رویداد عظیم جام جهانی سال ۲۰۱۰ دانست.

چراتی در کتاب خود می‌نویسد: «مقام‌های آفریقای جنوبی برای آن که کشور خود را بهتر معرفی و گردشگران بیشتری با سفر به آنجا، به رونق اقتصادی آفریقای جنوبی کمک کنند؛ از سال‌ها پیش تلاش گسترده‌ای را برای کسب میزبانی جام جهانی فوتبال آغاز کردند که این تلاش سرانجام نتیجه داد و آفریقای جنوبی توانست اولین میزبان آفریقای جام جهانی باشد. کسب میزبانی این رویداد بزرگ دنیای ورزش، برای مردم آفریقای جنوبی پویایی و نشاط تازه‌ای ایجاد کرد تا شهرهای خود را بهتر بسازند و میزبانی سربلند برای جام جهانی فوتبال باشند.»

به عقیده او، سال ۲۰۱۰ و برگزاری جام جهانی فوتبال در آفریقای جنوبی، نقطه عطفی در تاریخ امروز سرزمینی به شمار می‌آید که با وجود مشکلات اجتماعی فراوان خود، به آینده لیخند می‌زند.

نظریات چراتی، بخشی از واقعیت به حساب می‌آیند؛ واقعیتی که در نهایت چهره‌ای زیبا از کشور آفریقای جنوبی و طراوتی که فوتبال به آن بخشیده است، ارائه می‌کند، اما حکایت میزبانی این کشور برای برگزاری مسابقات فوتبال در آفریقای جنوبی، نقطه عطفی در تاریخ امروز سرزمینی به شمار می‌آید که با وجود مشکلات اجتماعی فراوان خود، به آینده لیخند می‌زند.

نظریات چراتی، بخشی از واقعیت به حساب می‌آیند؛ واقعیتی که در نهایت چهره‌ای زیبا از کشور آفریقای جنوبی و طراوتی که فوتبال به آن بخشیده است، ارائه می‌کند، اما حکایت میزبانی این کشور برای برگزاری مسابقات فوتبال در آفریقای جنوبی، نقطه عطفی در تاریخ امروز سرزمینی به شمار می‌آید که با وجود مشکلات اجتماعی فراوان خود، به آینده لیخند می‌زند.

نظریات چراتی، بخشی از واقعیت به حساب می‌آیند؛ واقعیتی که در نهایت چهره‌ای زیبا از کشور آفریقای جنوبی و طراوتی که فوتبال به آن بخشیده است، ارائه می‌کند، اما حکایت میزبانی این کشور برای برگزاری مسابقات فوتبال در آفریقای جنوبی، نقطه عطفی در تاریخ امروز سرزمینی به شمار می‌آید که با وجود مشکلات اجتماعی فراوان خود، به آینده لیخند می‌زند.

چرا میزبانی جام جهانی با چهار سال تاخیر به آفریقای جنوبی واگذار شد؟ آیا این تاخیر با انتخابات دوره قبلی ریاست فیفا ارتباط دارد یا نه؟ چگونه کشوری که از هزار و یک معضل اجتماعی رنج می‌برد، هزینه‌های چندین میلیارد دلاری را برای این میزبانی می‌پردازد؟ این که کشور میزبان جام جهانی از درآمدهای مستقیم و غیرمستقیم برگزاری جام جهانی بهره می‌برد و حتی تا چند سال آینده از این منافع استفاده می‌کند، واقعیتی انکارناپذیر است، اما پذیرش میزبانی جام جهانی در کشوری که از هر ۱۰ نفر جمعیت آن یک نفر مبتلا به بیماری ایدز است و کشوری که هنوز فقر و ریشه‌های بی‌فرهنگی ناشی از آپارتاید آن را زجر می‌دهد، تا حد زیادی سوال برانگیز است.

هنگامی که در آغاز مسابقات جام جهانی ۲۰۱۰ در آفریقای جنوبی، نوه نلسون ماندلا مرد فراموش نشدنی این کشور و سردمدار مبارزه با نژادپرستی در یک حادثه رانندگی در یکی از جاده‌های این کشور، که احتمالاً مانند اغلب جاده‌های آفریقای جنوبی از شرایط استاندارد برخوردار نیست، کشته

باز یکنان را در سراسر مسابقه بررسی می‌کند. مخاطب در فصل سوم کتاب با چگونگی تجزیه و تحلیل تکنیکی و تاکتیکی مسابقه فوتبال آشنا می‌شود و فصل چهارم، حوزه روانی مسابقه را مدنظر قرار می‌دهد.

نویسنده در فصل پنجم (پایانی کتاب) با طرح برخی پرسش‌ها، درصدد است به تفکرات مخاطب به عنوان یک مربی یا کارشناس فوتبال نظم دهد و از پراکندگی افکار او برای تحلیل صحیح تیم خودش و تیم حریف جلوگیری کند. در هر یک از فصل‌های پنجگانه این اثر، مطالب قابل تأملی به چشم می‌خورند که مطالعه آنها می‌تواند علاوه بر تنویر افکار مربیان و کارشناسان، حتی بر نگرش علاقه‌مندان به فوتبال نیز تاثیر فراوانی بگذارد.

به عنوان مثال، هنگامی که سخن از وظایف گروه آنالیز به میان می‌آید و بیان می‌شود که تیم ملی آلمان در مسابقات جام جهانی ۱۹۹۰ ایتالیا، علاوه بر تیم مربیگری، یک گروه آنالیزور مجهز را به ایتالیا برد تا آنها به تجزیه و تحلیل مسابقات بپردازند، به خوبی مشخص می‌شود که کسب عنوان در مسابقات مهمی نظیر جام جهانی، هرگز اتفاقی نیست. از دیگر نکات قابل تأمل این کتاب می‌توان به ارایه تعاریفی صحیح و مشخص از اصطلاحات به کار گرفته شده در عرصه فوتبال اشاره کرد.

در اکثر موارد، تجزیه و تحلیل دو واژه به حساب می‌آیند که یک معنا و مفهوم را به ذهن متبادر می‌سازند، در صورتی که طبیعتاً (نویسنده



نگاهی اجمالی به کتاب «تجزیه و تحلیل مسابقه فوتبال»

وقتی فوتبال علمی می‌شود



پویا راد؛ فوتبال جدای از جذابیت‌های فراوانی که به عنوان یک رشته ورزشی پُرطرفدار در دنیا دارد، دارای جنبه‌های تخصصی متعددی است که تجزیه و تحلیل رقابت‌های آن، یکی از این جنبه‌ها به حساب می‌آید. کتاب «تجزیه و تحلیل مسابقه فوتبال» اثر احسان طیبی، در این حوزه به رشته تحریر درآمده است.

بررسی نقاط ضعف و قوت تیم خودی و تیم حریف، همراه با زیر ذره بین قرار دادن حرکات تکنیکی بازیکنان و رفتار تاکتیکی آنان، محور اصلی این کتاب را تشکیل می‌دهد، اما آنچه باعث می‌شود این کتاب به اثری قابل تأمل در حوزه فوتبال تبدیل شود، کاربردی بودن مطالب کتاب است.

طیبی که مهر تایید کمیته آموزش فدراسیون فوتبال کشورمان را نیز برای کتابش گرفته است، در این اثر ابتدا سعی می‌کند در چهار بخش متفاوت، مخاطب را با دانش و مبانی تئوریک این حوزه آشنا کند. فصل نخست کتاب به تشریح مفاهیم اولیه و فرآیند تجزیه و تحلیل در فوتبال اختصاص دارد و فصل دوم نیز اعمال حرکتی و فیزیولوژیکی

کتاب) به خوبی مشخص می‌کند که این دو واژه تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند.

طیبی در این باره می‌نویسد: «هرگونه داده خاصی که از طریق کنکاش (تجزیه) پدیده‌ها در دسترس قرار می‌گیرد، بدون پردازش (تحلیل) قابل استفاده نیست؛ به گونه‌ای که جمع‌آوری این آمارها بدون پردازش به تنهایی هیچ‌گونه کمکی در ارایه راهکارهای مثبت نخواهد داشت.»

همین چند جمله مشخص می‌کند که چرا گزارشگران مسابقات فوتبال که اغلب آمارهای متعدد و متنوعی نیز در جریان گزارش مسابقه ارایه می‌دهند، هرگز نمی‌توانند در قالب یک تحلیلگر ظاهر شوند.

البته این کتاب نقاط ضعفی نیز دارد. به طور مثال، در حالی که در کشورمان آنالیزورهای توانایی نظیر مجید جلالی فعالیت می‌کنند، کتاب تجزیه و تحلیل مسابقه فوتبال مملو از تصاویر مربیان و بازیکنان خارجی است. اگر چه به کارگیری تصویر فردی مانند الکس فرگوسن، سرمربی اسکاتلندی تیم منچستر یونایتد انگلیس می‌تواند بر جذابیت جلد این کتاب بیفزاید، اما استفاده از تصاویر مربیان و آنالیزورهای داخلی نیز می‌توانست به برقراری هرچه بیشتر ارتباط بین کتاب و مخاطبان کمک کند.

چاپ نخست این کتاب در شمارگان دو هزار نسخه در ۱۸۴ صفحه و قیمت ۴۵ هزار ریال از سوی نشر بامداد کتاب منتشر شده است.



یگانه وصال

شرمان الکسی شاعر و نویسنده‌ای آمریکایی، از تبار سرخ‌پوستان و یکی از چندین سرخ‌پوستی است که با امید کم‌رنجی به پیشرفت از قرارگاه‌های مخصوص سرخ‌پوستان بیرون زده تا در بی‌دنیایی جدید گشوده باشد. او که ابتدا به قصد پزشک شدن به کالج می‌رود، پس از مدتی نویسندگی و شاعری را پیشه می‌کند و اکنون به یکی از سرشناس‌ترین نویسندگان آمریکا مبدل شده است که خشم و طنز را با هم آمیخته تا از درد گذشته‌اش بگوید و آنچه بوده است و بوده‌اند. تقریباً تمام آثار الکسی مورد تحسین منتقدان ادبی بوده و آثارش جوایز بسیاری را به خود اختصاص داده‌اند. او به تازگی جایزه قلم/فاکتر از آن خود کرد که موفقیتی دور از انتظار نبود. مصاحبه حاضر، برگردان گفت‌وگوی «انریکه سرنا» با «شرمان الکسی» است که در سایت اینترنتی کی.سی.تی.اس منتشر شده است.

شرمان الکسی، برنده جایزه قلم/فاکتر:

نویسندگی، حاشیه امنیت ندارد

روی آنها نوشت. چند نفر از دوستانم هم پرسیدند که آیا داستان هم می‌نویسم و من گفتم بله. همان شد که رفتم خانه و شروع به نوشتن داستان کردم. **با نوشتن چطور کنار می‌آید؟ روند سختی دارد؟** فقط یک سال و نیم اولش سخت بود. بعد از آن یک سال و نیم همه چیز برعکس و خیلی هم ساده شده بود.

آیا شما از آن دسته نویسندگانی هستید که برنامه دقیقی دارند و از چهار صبح شروع به نوشتن می‌کنند و...

من همیشه در حال نوشتن هستم، همیشه. همه جا دفترچه یادداشت دارم. گاهی اوقات چیزهایی پیدا می‌کنم که رویش مطلبی نوشته و بعداً فراموش کرده بودم. گاهی دفترچه‌هایم را گم می‌کنم، چون همیشه، همه جا هستند. هر جا را که می‌گردم یک دفترچه پیدا می‌کنم که در آن شعری یا یادداشتی نوشته‌ام. به معنای واقعی من همیشه در حال نوشتنم.

سوال دیگرم را می‌خواهم مطرح کنم در مورد کتاب «خاطرات واقعا واقعی یک سرخ‌پوست نیمه وقت» که اتوبیوگرافی است. آیا این کتاب باعث شد که با مخاطبان جدیدی مواجه شوید؟

بله. در واقع این کتاب برای جوانان و نوجوانان بود و شاید به همین خاطر هیجان‌انگیز بود. وقتی شما کتابی می‌نویسید، با حدود صد و پنجاه هزار خواننده جدی در کشور روبه‌رو می‌شوید. در این صورت اگر کتاب خوبی بنویسید، واقعا می‌توان به شما گفت نویسنده موفق که فکر می‌کنم من حدوداً دو سوم آن هستم. اما با ادبیات جوانان و نوجوانان، شما با حدود دو میلیون مخاطب مواجهید. درباره محبوبیت داستان‌های من در میان آنها شاید بتوان این توجیه را آورد که من خودم جوانی‌ام را در تنهایی گذرانده‌ام، مانند بیشتر افراد و فکر می‌کنم توانسته‌ام این احساس را در کتاب‌هایم به تصویر بکشم. حس غریبه بودن در جمع بیشتر مد نظر من است اما نکته جالبی که در این زمینه می‌توانم به آن اشاره کنم، این است که وقتی با اکثر جوانان صحبت می‌کنید، آنها هم خودشان را حتی با وجود حضور در جامعه‌ای که متعلق به خودشان است، غریبه و تنها می‌بینند و همان حس طردشدگی که در اکثر کارها به آن پرداخته‌ام را تجربه می‌کنند. البته طردشدگی من و آنها کاملاً متفاوت است.



ادبیات را اول با شعر شروع کردید و موفقیت‌های بسیاری هم به دست آوردید و چند جایزه هم گرفتید. اما چه شد که در این بین از شاعری به نویسندگی رسیدید؟

خب، در واقع در دانشگاه مدتی به کلاس فن نویسندگی می‌رفتم، البته به دلایل خاصی که بیشتر عاشقانه بود. اما به هر حال همان‌جا در همان کلاس من چند داستان کوتاه نوشتم که با تحسین بسیاری روبه‌رو شد و بعد هم «نیویورک تایمز» نقد خوبی

اما هنوز هم یادآوری و حس دوباره‌شان خیلی سخت نیست.

بیا بید در مورد خود شرممان الکسی صحبت کنیم. شخصی که موضوع اصلی همه کتاب‌هاست و زندگی‌اش. تا آنجا که من می‌دانم شما در قرارگاه محل سکونت سرخ‌پوستان در «اسپوکان» زندگی می‌کردید؟

بله، من در «اسپوکان» به دنیا آمدم و در یک قرارگاه مخصوص سرخ‌پوستان بزرگ شدم. مادرم هم اهل اسپوکان است. من همان‌جا بزرگ شدم البته مدتی را هم در متل بلورید اسپوکان زندگی کردم.

اما شما از وقتی به دنیا آمدید بیمار بودید.

بله، آب در مغزم جمع شده بود. به آن می‌گفتند هایدروسفالیک. وقتی شش ماهه بودم عمل مغز رویم انجام دادند که البته این موضوع هم را در کتابم داستان گونه شرح داده‌ام.

و در واقع برعکس آن شد و شما در سن بسیار کم شروع به خواندن کتاب کردید...

بله، خیلی زود. حقیقتش این طور تصور کنید که مجبورید فقط استراحت کنید و کار خاصی برای انجام دادن نداشته باشید، مطمئناً سراغ کاری می‌روید. دیگر این که من عاشق پدرم بودم و پدرم هم عاشق کتاب بود، بنابراین من هم عاشق کتاب شدم. رابطه‌ای بسیار صمیمی با کتاب داشتم. شاید به همین خاطر خیلی زود شروع به خواندن کردم. دیوانه‌وار کتاب می‌خواندم و عاشق مدرسه بودم. در واقع تمام این مسائل باعث شده بود در تمام قرارگاه انگشت نما شوم.

درباره نویسنده

شرمان الکسی ۱۷ اکتبر سال ۱۹۶۶ به دنیا آمد. او نویسنده، شاعر و فیلمساز از میان سرخ‌پوستان اصیل آمریکایی است و بیشتر آثارش را از تجربه‌های زندگی‌اش به عنوان یک سرخ‌پوست در میان دیگر سرخ‌پوستان و قبایل سرخ‌پوستی الهام گرفته است. دو اثر از مهم‌ترین آثار الکسی «تکاور تنها» و «تنو در بهشت مشت زنی می‌کند» که در سال ۱۹۹۴ به چاپ رسید و کتابی از داستان کوتاه‌های او هستند و همین‌طور فیلم «علامت‌های دود» که توسط او ساخته شده است. کتاب «خاطرات واقعا واقعی یک سرخ‌پوست نیمه‌وقت» هم اتوبیوگرافی خود اوست که در واقع نخستین اثر موفق از نظر اقتصادی و بازار فروش بوده است. آثار الکسی به زبان‌های بسیاری از جمله چکی، عبری، مجاری، ژاپنی، سوئدی، سواحیلی و فرانسوی ترجمه شده است. او اکنون، همراه همسر و دو پسرش ساکن سیاتل است و در سال ۲۰۱۰ هم تا امروز سه جایزه را از آن خود کرده است که یکی از آنها جایزه قلم/فاکتر برای داستان «رقص‌های رزم»، دیگری جایزه نویسندگان اصیل آمریکایی به خاطر یک عمر فعالیت موفق ادبی و سومین جایزه‌اش جایزه «پیتربراو» بوده است. شرممان الکسی چهارده کتاب نوشته است که اثر آخر او مجموعه داستان «سرخ‌سخت‌ترین سرخ‌پوست جهان» است و مجموعه شعر جدیدی که پاییز آینده به چاپ خواهد رسید.

هیجان برنده شدن جایزه کتاب ملی یا جایزه معتبری مثل قلم/فاکتر درست مثل برنده شدن جایزه اسکار است. نه؟

دقیقاً مثل اینکه جایزه اسکار گرفته باشی. هر کسی که این تعبیر را می‌شنود فوراً شباهت آنها را قبول می‌کند، بعضی‌ها هم معتقدند که مثل جایزه اسکار برای افراد نزدیک است؛ افراد خانه‌نشین نزدیک بین. اما در واقع یک جشن بزرگ رسمی است، شما ننشسته‌اید آنجا و ناگهان اسمتان را از میان منتخبان بخش مربوط به خودتان صدا می‌زنند و بعد هم شما را به عنوان برنده معرفی می‌کنند. شما تا لحظه‌ای که اسمتان را صدا نکرده‌اند خبر ندارید و سرشار از حس اضطراب هستید. آن روز وقتی اسم من را به عنوان برنده اعلام کردند، همسر، مدیر برنامه‌هایم و ویراستارم و همه با خوشحالی به من تبریک گفتند. واقعا نمی‌توانم حس آن لحظه را توصیف کنم و مدام ذهنم با چیزهای مختلف پراکنده می‌شد.

برنده شدن جایزه کتاب ملی و معرفی شدن به عنوان بهترین نویسنده جوان در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ برای کتابی که در مورد زندگی خودتان بود و حالا هم که جایزه ادبی قلم/فاکتر در بخش داستان. افتخارات بزرگی است. قبول دارید؟

بله، دقیقاً. به ویژه آن کتاب که در واقع اتوبیوگرافی خود من است، داستانی در مورد پسری سرخ‌پوست و بقیه ماجراها را هم که می‌دانید.

اکثر داستان‌های شما از تجربیات خودتان به عنوان یک سرخ‌پوست آمریکایی نشأت می‌گیرند. آیا هیچ وقت حس وحشت یا شک در مورد نوشتن از خودتان و زندگی‌تان نداشتید؟

البته که داشتم. هر بار که می‌نشینم مطلبی بنویسم این ترس سراغم می‌آید. در واقع نویسندگی حاشیه امنیت چندانی ندارد. اما بهترین قسمت آن این است که در آنجا هم من با درد سر و کار دارم. وقتی من قبيله‌ام را ترک کردم، تنها موضوع ترک قبيله نبود. چون من مرگ‌های بسیاری را در خانواده‌ام تجربه کرده بودم. همان سال هشت نفر از اعضای خانواده من مرده بودند که البته من در کتابم سه‌تای آنها را نوشته‌ام. به همین خاطر با به یاد آوردن خاطرات آن روزها و نوشتن‌شان، انگار بازدید دوباره از درد داشتم. می‌دانم که مدت زیادی از آن زمان گذشته و خیلی چیزها تغییر کرده و برای من بهتر شده است.

رقصنده با واژگان

«رقص‌های رزم» نوشته شرممان الکسی جایزه قلم/فاکتر را در بخش ادبیات از آن خود کرد. برنده این جایزه، پانزده هزار دلار جایزه نقدی و دیگر فینالیست‌ها هر یک پنج هزار دلار جایزه می‌گیرند. این جایزه سالیانه، امسال در میان ۳۵۰ اثر شرکت‌کننده، از سوی بنیاد قلم/فاکتر به شرممان الکسی به خاطر وسعت و عمق موضوعات انتخابی و سبک خلاقانه او در نوشتن اهدا شد. «رقص‌های رزم» شامل داستان‌های کوتاه با زبانی شاعرانه است. چهار فینالیست دیگر در این قسمت باربارا کینگ سولور برای داستان «شکاف»، «لوری مور» برای داستان «نرد پله‌ها»، «لورین م. لویز» برای مجموعه داستان «بیک نیک زنده ماندگان قتل و داستان‌های دیگر» و همین‌طور «کولسان وایت هد» برای داستان «بندر ساگ» بودند. «رقص‌های رزم» مجموعه‌ای شامل شعر، داستان و پرسش و پاسخ از نویسنده برنده جایزه ملی کتاب روانه بازار شده است با سیاقی نافذ

بی‌نهایت خنده‌آور. در کل باید گفت که این مجموعه را می‌توان جزو بهترین نمونه‌های کم‌دی تراژیک به حساب آورد.

شرمان الکسی در سال ۲۰۰۷ هم برنده جایزه کتاب ملی نویسندگان جوان شد و امسال هم جایزه یک عمر فعالیت ادبی موفق سرخ‌پوستان را هم از آن خود کرد. او که در کودکی بسیار بیمار بوده، بر تمام شرایط سخت اطرافش غلبه می‌کند و زندگی را بر پایه خواندن و نوشتن ادامه می‌دهد. در دبیرستان او تنها آمریکایی سرخ‌پوستی بود که توانست بورسیه ورزشکاری بگیرد که البته بعدها این موضوع را در داستان «خاطرات واقعی» هم می‌گنجاند. بسیاری از کارهای الکسی مورد تحسین و تشویق قرار گرفته‌اند که از آن میان می‌توان از «تکاور تنها» نام برد که جایزه قلم/همینگوی را در بخش نخستین اثر داستانی نویسنده را به خود اختصاص داد. همین‌طور فیلم «علامت‌های دود» که آن هم دو جایزه را در سال ۱۹۹۸ در جشنواره فیلم «سان دنس» برنده شد.

شرمان الکسی در سال ۲۰۰۹ هم برنده جایزه سوئدی «قلم پیتربراو» برای کتاب «داستان‌های واقعا واقعی یک سرخ‌پوست نیمه‌وقت» شد.

که خشم و شوخی را به هم می‌آمیزد. الکسی در این کتاب می‌پرسد: «آیا حقیقت داد که فرزندان تاوان گناهان پدرشان را پس می‌دهند؟ بنابراین آیا می‌شود گفت که پدران نیز تاوان پس‌دهنده خطاهای فرزندانند؟» بیشتر داستان‌ها حول موضوع پیچیدگی‌های پدر بودن می‌گردد. در داستان اصلی این مجموعه که عنوان کتاب نیز از آن گرفته شده است، راوی در مقابله با وجدان خویش مرگ پدر دائم‌الخمرش را به خاطر می‌آورد و بازگو می‌کند و داستان دیگری به نام «آواز پل ناندلس» در این مجموعه وجود دارد که قصه فروشنده لباس‌های کهنه و نامتعارفی است که پس از به دنیا آمدن فرزندانش، علاقه‌اش نسبت به همسرش کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌شود. این مجموعه همچنین شامل دفاعیات پرشوری از صداقت و اصالت هنری می‌شود. به عنوان مثال داستان «قرینگی هولناک» روایتی بی‌پرده از کار کردن یک فیلمنامه‌نویس جوان در یک استودیوی هالیوودی است و شعر «قصیده‌ای برای میکس نوارها» سختکوشی را به عنوان کلید اصلی خلاقیت معرفی می‌کند. الکسی دارای زبانی به‌غایت پراحساس است و از آن سو، شوخی‌هایش



«در جاده» می راند و می نوشت

هنگامی که رمان «در جاده» منتشر شد، منتقدان ادبی نیویورک تایمز آن را بهترین رمان زمان خود معرفی کردند. جک کرواک نویسنده این رمان، اثر خود را در سپتامبر سال ۱۹۵۷ میلادی منتشر کرد. وی با انتشار این رمان، خود را به عنوان یکی از پیشروان نویسندگان جنبش ادبی «نسل بیت» آمریکا معرفی کرد. «در جاده» اثری است که با رمان «هنگامی که خورشید هم طلوع می کند» (نوشته ارنست همینگوی) برابری می کند.

بسیاری این رمان را کتابی برای نسل گمشده آمریکا می دانند. «در جاده» یکی از پرفروش ترین آثار زمان خود بود و نه تنها جک کرواک را برای همیشه ماندگار کرد، بلکه این گونه که آلن گینز برگ (شاعر آمریکایی قرن ۲۰) می گوید باعث شد که کرواک در زمانی که تنها ۴۷ سال داشت بمیرد!

آلن گینز برگ، دوست و همپای همیشگی جک کرواک بود. او نیز شاعر و نویسنده ای بود هم سبک جک کرواک. رمان «در جاده» در یک شب بر چند تکه کاغذ پاره نوشته شد، اما انتشارش چیزی نزدیک به ۱۰ سال طول کشید. بسیاری می گویند که تنها عامل مرگ کرواک، شهرتش برای همین کتاب بود. کتابی که او را دیوانه در خواست های مکرر طرفدارانش برای توضیح کلمه «بیت» کرده بود. «بیت» تنها یک اصطلاح مسخره و کهنه آمریکایی است که کرواک از آن فلسفه زندگی اش را بیرون کشید، برخلاف آنچه بسیاری فکر می کنند که بیت جدای از معنای لغوی که به معنی ضربات موسیقی یا همان ضربه است، این اصطلاح هنگامی که در دهان کرواک می چرخید معنی ای نداشت جز فقر و خستگی و به انتهای دنیا رسیدن. او خود در این باره می گوید: «این واژه را از مرد میانسالی که همیشه در خیابان های اطراف پرسه می زد و همیشه دائم الخمر بود شنیدم. این عبارت با رمان «در جاده» عمومیت یافت. سال ۱۹۴۸ کرواک در مصاحبه ای این گونه گفت: «می دانی؟ این نسل به راستی نسلی ضربه (بیت) خورده است. این عبارت کرواک آنقدر معنا داشت که پنج سال بعد، منتقد تایمز آن را به عنوان تیتری برای نقد اثر کرواک انتخاب کرد.

کرواک بارها و بارها اعلام کرد که می خواهد نام کتابش را از «در جاده» به «نسل بیت» تغییر دهد و شاید به همین دلیل بود که چند سال بعد از انتشار کتابش، نماینده ای با نام «نسل بیت» نوشت. افراد متعلق به نسل بیت نه جنبشی را تشکیل دادند و نه حرکتی کردند. آنها دنبال چگونگی راه های زیستن زندگی بودند، جوانانی که در چرایی و چگونگی زندگی خود در مانده بودند و برخلاف هولمز که در نوشته های آن زمان خود این افراد را مردمی ماجراجو و خوش بین معرفی می کرد، نسل بیت بیشتر زمان خود را به خوشگذرانی و هنجارشکنی اجتماعی می پرداختند.



آنها خود را در شعر و موسیقی و مواد مخدر غرق کردند. کرواک که تپاه شدن زندگی این نسل را در آثارش به تصویر می کشید اعتقاد داشت باید نسل بیت را از هیپی ها و کولی ها جدا دانست. بسیاری معتقدند که کرواک اگر به این زودی سراغ مرگ نمی رفت می توانست به توضیح بیشتر معنای «بیت» بپردازد و طرفدارانش را از گمانه زنی های اشتباه خلاص کند. بعد از تمام مصاحبه ها و نوشته های متفرقه ای که کرواک در توضیح بیت نوشت، توانست توجه بسیاری را به خود جلب کند. باب دیلن، چارلز بوکفسکی و ریچارد براتیگان همه و همه از افرادی بودند که الهام بخش نوشته های خود را کسی غیر از کرواک نمی دانند. باب دیلن که موسیقی نسل آمریکا را آغاز کرد، درباره رمان «در جاده» می گوید: «جک کرواک زندگی من

را مثل خیلی های دیگر با یک کتاب تغییر داد.» حقیقت امر آن است که نویسندگان و شاعران نسل بیت، پوچ گرا نبودند، اما در دنیای ادبیات و انتقادات آکادمیک آن زمان این افراد را نادیده گرفتند. برای کرواک و گینز برگ این رگبار انتقادات و تفسیرها آزار دهنده بود. آلن گینز برگ می گوید: «برای من و جک این تفاسیر معنا و مفهوم داشت. ما به این انتقادات فکر می کردیم و ساعت ها با هم بحث می کردیم. نمی خواستیم خیلی هم از جامعه ادبی دور شوم. می خواستیم ما را هم جدی بگیرند! اما از طرفی دیگر زندگی کردن مطابق خواسته و اعتقادات دیگران برای افراد هنجار شکن نسل بیت بسیار دشوار بود. «در جاده» کتابی نیست که به مزاج همگان سازگار بیاید، با این حال، دوستداران بسیاری دارد. این اثر نه تصمیم به رواج نیهیلیسم (پوچ گرایی) دارد و نه از مومنانی سخن می گوید که در اعتقادات خود دچار شک شده اند نه حکایت مخالفان کلیسا و نه قصه خرابکاران کارتن خواب را بازگو می کند.

«در جاده» قصه غمناکی است با اشعاری که محتاطانه کلماتش را انتخاب می کند و از تنهایی، ناامنی و شکست سخن می گوید.

«در جاده» را می توان تقریباً زندگی نامه کرواک به حساب آورد. بسیاری آن را گزارشی می دانند از زندگی روزمره نویسنده اش که با کلمات تازه ترین شده است و شامل توضیح چند سفر طولانی کرواک است که در دهه چهل و پنجاه میلادی از نیویورک به دنور و پس از آن از دنور به مکزیکو سیتی انجام داده است. سفر در نظر او این گونه معنی شده است: «سفر از هدف های نوشتن محسوب می شد. انگیزه ام نه توریستی سفر کردن بود و نه فرار، تنها ادبیات بود که مرا به این سو و آن سو می کشید.» جک کرواک قبل از آن که با نیل کسدی (دوست و شخصیت اصلی داستان هایش!) آشنا شود نیز می نوشت. این گونه که هم سفر هایش می گویند یادداشت های روزانه اش همه جا به چشم

هایکو های آمریکایی

از جک کرواک تنها یک کتاب مستقل در ایران منتشر شده است. «هایکو های آمریکایی» با ترجمه فرید قدمی که این کتاب هم تازه چند ماه است از سوی انتشارات آفرینش راهی بازار نشر شده است.

برخی دیگر از شعرهای این نویسنده و شاعر در کتابی با نام «هایکو های نسل بیت» توسط علیرضا بهنام ترجمه و از سوی نشر مینا منتشر شده است. اما رمان «در جاده» که مطرح ترین اثر این نویسنده است توسط احسان نوروزی به فارسی ترجمه شده، ولی این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است. در سال های اخیر ترجمه و انتشار اشعار و داستان های نویسندگان نسل



بیت در ایران پررونق بوده که از میان آنها می توان به انتشار چندین کتاب از نویسندگانی چون چارلز بوکفسکی و ریچارد براتیگان اشاره کرد. با این وجود، جای خالی ترجمه فارسی از آثار جک کرواک احساس می شود.

کرواک هنگامی که پسرکی بیش نبود تنها ۱۱ سال داشت شروع به نوشتن داستان های کوتاه کرد؛ داستان هایی که زاده تخمیلش بودند و این گونه که خود می گوید: «زمان هایی هم بود که قوه تخمیل می خشکید و دیگر کار نمی کرد. آن زمان بود که گزارش فوتبال هایی را که در کوچه و پس کوچه خانه مان می دیدم می نوشتم. در اواخر دنیای کودکی بودم که چند داستان تخیلی از مسابقات اسب سواری و بیس بال را نیز روی کاغذ آوردم.»

این نویسنده هنگامی که ۱۷ سال داشت مدرسه اش را عوض کرد. چون هم نمراتش پایین بود و هم این که غذای مدرسه آنقدر بد بود که مقدار قابل توجهی وزن کم کرده بود. کرواک در نوجوانی توانست بورسیه مدرسه فوتبال را از آن خود کند. دانشگاه کلمبیا، در شهر پرسروصدای نیویورک، وقتی وارد مدرسه شد، در همان اول کار در دومین دور مسابقات فوتبال مدرسه شان پایش شکست. در دوران

می خورد. اما خودش می گوید: «نمی دانستم این یادداشت ها را که همه روی کاغذهای پاره، ته کیفم تلنبار شده بود را چگونه کنار هم بچینم. هنگامی که با نیل آشنا شدم فهمیدم که او می تواند شخصیت اصلی داستانم باشد. نیل بهترین کسی بود که می توانست قصه هایم را برای دیگران بازگو کند.»

شاید به نوعی بتوان آشنایی کرواک را با نیل یکی از مهمی ترین اتفاق های زندگی وی دانست. بسیاری از منتقدان می گویند قبل از آن که بخوایم درباره کرواک صحبت کنیم، باید نیل کسدی را بشناسیم. وی در طول زندگی اش نتوانست چیزی به درد بخوری بنویسد اما بی شک تاثیر بسزایی روی برخی از نویسندگان آن زمان گذاشت. کرواک در ابتدایی ترین صفحه کتابش این گونه می نویسد: «با آمدن او بود که زندگی حقیقی من - در جاده - شروع شد.»

کرواک قبل از «در جاده» شخصیت های خیالی و داستانی را وارد قصه هایش می کرد و گاه کنترل این شخصیت های داستانی از دستش خارج می شد. سه سال طول کشید تا بفهمد با استفاده از آدم های حقیقی اطرافش به عنوان شخصیت داستانی، بهتر می تواند داستان بنویسد؛ شخصیت های واقعی با رفتارها و اعتقادات واضح. نوشتن نخستین نسخه «در جاده» نیز خود داستانی جداگانه دارد. جک کرواک، نوشتن نخستین نسخه «در جاده» روی چند کاغذ پاره طویل نوشت. نوشتن این سیاهه بالا و بلند تنها سه هفته نویسنده اش را به خود مشغول کرد. خود می گوید: «دو چیز به من در نوشتن این چند صفحه بلند بالا کمک کرد؛ یکی نوشیدن قهوه های بسیار زیاد و دیگری همسر دومم. بعد از آن سه هفته، او در همان زمان نوشته هایش را روی صفحات عادی تایپ کرد و چیزی حدود شش سال این سیزده هزار کلمه را دوره می کرد و گاه تنها لغاتی را جابه جا می کرد تا برای چاپ آماده شود. او در جایی می گوید: «در نظر من اگر کسی نداند چه چیزهایی درست است ایرادی ندارد. اما باید بتواند اشتباهات را تشخیص دهد.» وی جکسون پالاک، نقاش معاصر را همیشه مثال می زد و درباره اش می گفت: «او می داند چه کارهایی را نباید بکند.»

«در جاده» همان گونه که از نامش پیداست، در جاده اتفاق می افتد و با سرعت همراه است، اما هیچ یک از جریانات آن در ماشین اتفاق نمی افتد. شخصیت ها بیرون از ماشین دعوا می کنند، به گفت و گو می پردازند و داستان سازی می کنند.

در هر حال نمی توان سروصدایی را که این رمان در آمریکا کرد نادیده گرفت. پس از گذشت این همه سال همواره این رمان تجدید چاپ می شود و طرفداران اصلی آن جوانان آمریکایی هستند.

ترجم: الینا مصدق

* منتقد نشریه «نیویورکر»

نقاهتش بود که شوق نوشتن که از دوران کودکی در او بود دوباره شکوفا شد. بعد از مدتی برای او عادت شده بود که سر کلاس ها حاضر نشود و درس هایش را یکی در میان قبول شود. از همان زمان بود که هم کتاب خواندن را دوباره آغاز کرد و هم پرسه زدن در خیابان های نیویورک از علاقه اش شد.

کرواک سال ۱۹۴۱ پس از دعوائی که با مربی فوتبال مدرسه اش راه انداخت، این گونه که خودش می گوید با دل خوش از مدرسه برای همیشه بیرون آمد. در دوران جوانی کارهای متفرقه می کرد. چند هفته ای در یک پمپ بنزین و چند ماه بعد در یک روزنامه به عنوان گزارشگر ورزشی. برای مدتی هم در ارتش دریایی مشغول فعالیت شد تا این که با نویسندگانی مثل آلن گینز برگ و ویلیام بوروز آشنا شد. از همین زمان به بعد، زندگی «جاده ای» وی شروع شد. در این مدت نوشتن کار اصلی جک بود. جک کرواک در سن ۴۷ سالگی درگذشت.

کرواک در جست وجوی معنای «بیت»

جک کرواک، در ۱۲ مارچ ۱۹۲۲ میلادی در ماساچوست آمریکا به دنیا آمد. پدرش نقاش بود و مادرش در کارخانه ای نزدیک محل زندگی شان کار می کرد. جک دوست داشت نویسنده شود، اما تا پنج سالگی حتی زبان انگلیسی را به خوبی صحبت نمی کرد و به جایش مخلوطی از فرانسه و انگلیسی دست و پا شکسته می دانست که معمولاً افراد فرانسوی - کانادایی آن زمان با آن زبان حرف می زدند. جک به جز یک خواهر بزرگ تر از خود، برادر بزرگ تری هم داشت که در ۹ سالگی از دنیا رفت و تاثیر مرگش برای همیشه در جک باقی ماند.



نگاهی به کتاب «معجون عشق»، گفت و گوهای یوسف علیخانی

دشواری‌های نوشتن برای مخاطب عام

محاسن کتاب نام برد. همان طور که شتابزدگی گفت و گوها را می‌توان به عنوان ضعف این کار معرفی کرد.

به نظر می‌رسد مصاحبه‌کننده براساس یک چارچوب معین ذهنی سراغ هریک از نویسندگان رفته زیرا حال و هوای گفت و گوها، حال و هوایی یکسان و حتی کسالت‌آورند در حالی که او می‌توانست با حوصله بیشتر و یک ویرایش اصولی تر بیش از این حاصل زحماتش را. که قابل تقدیر است. به ثبت برساند.

یکی دیگر از مواردی که باید درباره این کتاب به آن اشاره کرد، این است که ظاهراً مصاحبه‌کننده دقیقاً نمی‌دانسته که از نویسندگان چه می‌خواهد و در واقع برای خواننده روشن نمی‌شود که نیت از رفتن سراغ یک نویسنده طبق چه هدفی صورت گرفته و مصاحبه حاضر قرار است در این وضعیت فرهنگی چه نقشی ایفا کند.

به هر شکل، کتاب «معجون عشق» به شرط یک بازنگری کلی، کتابی است که نیاز جامعه امروز است، به این معنا که نویسندگان کتاب‌های عامه‌پسند. که تاکنون نتوانسته‌اند از آلام خود بگویند. سفره دل را گشوده و به نکاتی اشاره کرده‌اند که درد دل مشترک همه اهالی قلم است.

کتاب «معجون عشق» سال ۱۳۸۹ در شمارگان ۲۲۰۰ نسخه و قیمت ۷۵۰۰ تومان توسط نشر آموث منتشر شده است.

یک بخش از بدنه فرهنگ به رسمیت بشناسیم. اخیراً کتابی به نام «معجون عشق» منتشر شده که مجموعه گفت و گوهایی با نویسندگان عامه‌پسند را شامل می‌شود. نکته جالب توجه در این کتاب آن است که دغدغه‌های این نویسندگان و رنج‌هایشان، هیچ تفاوتی با نویسندگان هنری تر ندارند. به این معنا که برخلاف تصور ما هیچ‌یک از آنها راه فروش کتاب‌هایشان به سرمایه‌های آنچنانی دست نیافته‌اند و هفته‌ای یک کتاب منتشر نمی‌کنند.

در لابه‌لای این گفت و گوها متوجه می‌شویم که یک نویسنده عامه‌پسند هم نیاز مبرم به یک سری مطالعات جانبی دارد که مصالح کارش به حساب می‌آیند و این گونه نیست که همه آنها پیش از نوشتن، قرارداد‌های میلیونی منعقد کنند و به عنوان مثال به عنوان ماشین تولید کلمه مطرح باشند.

البته مصاحبه‌کننده (یوسف علیخانی) در این کتاب ظاهراً برای حجیم‌تر شدن کارش سراغ نویسندگانی هم رفته که چندان برای خواننده عام آشنا نیستند و گنجاندن آنها در کنار نویسندگان پر فروش چون اعتمادی و امیر عشیری یا فهیمه رحیمی در حکم جفاست و ای کاش او براساس قدمت و قدرت نویسندگان دست به یک دسته‌بندی اصولی می‌زد تا کارش یکدستی لازم را به دست آورد.

در کتاب «معجون عشق» با طیفی از نویسندگانی مواجهیم که تاکنون مجال گفتن درباره خود را نداشته‌اند؛ نکته‌ای که می‌توان از آن به عنوان یکی از

ریشه در ادبیات عامه‌پسند دارند، یعنی این که کمتر کتابی به در نظر نگرفتن مخاطب عام بتواند در جامعه کنونی ما شاهد چند بار تجدید چاپ باشد. پس نامحرم خواندن نویسندگان عامه‌پسند و قرار دادن آنها در ردیف‌های دوم یا سوم، نمی‌تواند حرکتی حرفه‌ای به حساب آید.

اگر فرصتی مناسب به دست آید و هریک از ما بتواند فارغ از دغدغه‌های روزمره، مختصر پرس و جویی از مردم درباره موفق‌ترین نویسندگان ایرانی بکند، قطعاً نام نویسندگان عامه‌پسند در درجه اول قرار خواهند گرفت. زیرا، ساز و کار این گونه کارها به گونه‌ای‌اند که هر مخاطبی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. یکی از وام‌هایی که ادبیات داستانی مدرن از ادبیات عامه‌پسند گرفته، استفاده از عنصر تعلیق به عنوان یک اصل جدایی‌ناپذیر از بدنه روایت است؛ نکته‌ای که باعث می‌شود خواننده درباره سرنوشت شخصیت‌ها کنج‌کاو شود و کتاب را برای دانستن کل موضوع مطالعه کند.

البته این را هم باید گفت که نوشتن برای سلیقه عموم برخلاف تصور ما از عهده هر کسی بر نمی‌آید و افراد بسیاری دیده‌ایم که به طمع فروش بالای این گونه کارها، دست به نوشتن زده‌اند بدون آن که حتی بتوانند به اندازه‌ای اندک مخاطب جذب کنند، پس توجه به این نکته ضروری است که یک نویسنده عامه‌پسند به هیچ عنوان با فنون نوشتن ناآشنا نیست و ما خواه ناخواه باید این گونه نویسندگان را به عنوان

گفتن این حرف زیاد جرأت نمی‌خواهد که بگوییم در هیچ جای جهان آنقدر که در ایران مرسوم است، نسبت به کتاب‌های پر فروش یا عامه‌پسند یا همان «بست‌سلر» گارد منفی گرفته نشده است. کتاب‌های پر فروش در سراسر جهان به هر حال گوشه‌ای از بازار کتاب را به خود اختصاص داده‌اند بدون آن که منتقدان حرفه‌ای این گونه کتاب‌ها را خطری برای ادبیات یا به عنوان مثال عاملی برای پایین آمدن سطح سلیقه مخاطب بدانند.

همه ما بدون تعارف، برای آشنا شدن با دنیای کتاب قطعاً چند کتاب عامه‌پسند خوانده‌ایم زیرا کشتی که در این گونه کارها موجود است، باعث می‌شود که ذهن و چشم ما به اندازه کافی با عنصر کلمه‌آشنایی برقرار کند و اشتیاق ما را برای شناخت راه و رسم مطالعه حرفه‌ای تر فراهم آورد. بر همین اساس، نمی‌توان کتاب‌هایی را که در این راستا قرار می‌گیرند، کاملاً مردود اعلام کرد و بر زحمات نویسندگان آثاری از این دست خط بطلان کشید.

بازار کتاب جوامع اروپایی آکنده از نویسندگان عامه‌پسندی است که کارهایشان به هیچ عنوان با سطح انتظار ما همخوانی ندارند اما شاهد صف‌آرایی از سوی منتقدان و نویسندگان خاص در برابر آنها نیستیم. به زبان ساده‌تر می‌توان گفت که ادبیات عامه‌پسند یک نیاز برای جامعه است.

چه بپذیریم و چه نپذیریم، برخی از کتاب‌هایی که موفق به رسیدن به چاپ‌های متعدد شده‌اند به گونه‌ای

گزارش آماری هفته

در هفته گذشته از نظر انتشار کتاب‌های چاپ اول، انتشارات ارشد با بیست و نه عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ عبدالرضا حیاتی با نه عنوان پرکارترین مولف؛ و مهرداد تهرانی‌راد با یازده عنوان پرکارترین مترجم بوده‌اند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های بزرگسال

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۲۵۰۰ ریال	اعمال عبادی ماه شوال المکرم؛ احمد عیسی فر؛ ناشر: رایحه عسرت؛ چاپ ۱؛ ۲۴ صفحه؛ ۱۵۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۲۰۰۰۰۰ ریال	نهیج‌البلاغه؛ خطبه‌ها، فرمانها، نامه‌ها، عهدنامه‌ها، سخنان و بندهای امیرمومنان (ع)؛ جعفر شهیدی؛ ناشر: زرین و سبین؛ چاپ ۱؛ ۶۲۴ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۱۰۹ مرتبه	داد: خاطرات سیده زهرا حسینی؛ ناشر: سورمه مهر؛ ۸۱۴ صفحه؛ ۲۵۰۰ نسخه؛ ۱۲۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۵۰۰۰ نسخه	بهترین‌ها و بدترین‌ها از دیدگاه نهیج‌البلاغه؛ محمد تقی مصباح یزدی؛ ناشر: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)؛ چاپ ۳؛ ۳۰۴ صفحه؛ ۳۷۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۲۰۰ نسخه	راه‌نمای ۱۰ کیلو لاغری در هر ماه با روش کیسی پلکس (7kgldy)؛ بدون رژیم - بدون دارو - بدون ورزش - بدون بازگشت ۱۰۰٪ تضمینی؛ افسانه حسین پورمقدمی آذر؛ ناشر: افسانه حسین پورمقدمی آذر؛ چاپ ۱؛ ۶۸ صفحه؛ ۹۹۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۷۱۴ صفحه	فرهنگ جدید پزشکی تورلند؛ انگلیسی - فارسی؛ نیومن الکراند؛ محسن ارجمند؛ ناشر: رهنما؛ چاپ ۲؛ ۱۵۰۰ نسخه؛ ۱۸۵۰۰۰ ریال
کمترین صفحه	۲۴ صفحه	درون پیرهن یحیا؛ جمشید خانیان؛ ناشر: امیر کبیر، کتابهای سیمیرغ؛ چاپ ۱؛ ۱۰۰۰ نسخه؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال

شاخص‌های آماری کتاب‌های کمک‌درسی

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
ارزاترین کتاب	۱۰۰۰۰ ریال	دیکته‌ی شب سوم دبستان؛ اشرف کریمی؛ ناشر: قدیانی؛ چاپ ۱؛ ۵۶ صفحه؛ ۲۲۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۲۰۰۰۰ ریال	ریاضی عمومی ۱؛ محمد فرجام؛ ناشر: آیو؛ چاپ ۱؛ ۵۰۰ صفحه؛ ۱۵۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۵۹ مرتبه	۶ سال کنکور ریاضی فیزیک؛ شامل سوال‌ها و پاسخ‌نامه‌ی کلیدی؛ ۱۳ دوره سوال‌های دروس عمومی و اختصاصی، کنکورهای سراسری سال‌های ۸۳ تا ۸۸، کنکورهای هیات مولفان؛ ناشر: کانون فرهنگی آموزش؛ ۳۶۸ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۷۴۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۵۰۰۰ نسخه	۶ سال کنکور علوم تجربی؛ شامل سوال‌ها و پاسخ‌نامه‌ی کلیدی؛ ۱۲ دوره سوال‌های دروس عمومی و اختصاصی، کنکورهای سراسری سال‌های ۸۳ تا ۸۸، کنکورهای دانشگاه‌ها؛ هیات‌مؤلفین؛ ناشر: کانون فرهنگی آموزش؛ چاپ ۱؛ ۴۹۶ صفحه؛ ۳۵۲۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	مادلات دیفرانسیل (رشته ریاضی)؛ سعید فاریابی؛ ناشر: دانشگاه پیام نور؛ چاپ ۱؛ ۱۹؛ ۳۱۲ صفحه؛ ۲۴۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان				تعداد کتاب‌های افست
	مؤلف *		مترجم		
۳۷۸	زن	۱۲۰	مرد	۶۲۰	۷
	زن	۶۵	مرد	۱۷۳	

* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و ...) به جز مترجم.

گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع‌رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می‌شود. از شنبه ۸۹/۴/۱۲ تا چهارشنبه ۸۹/۴/۱۶، ۹۳۰ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتاب‌ها در موضوع ادبیات و سپس علوم عملی بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات دین، علوم اجتماعی، کودک و نوجوان و سایر موضوعات قرار دارند.

گزارش آماری کتاب‌های منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف *	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط	متوسط صفحه
۱	کلیات	۴۳	۳۶	۷	۲۰	۲۳	۴۱	۲	۱۸۱۹	۲۳۹
۲	فلسفه و روانشناسی	۵۱	۳۰	۲۱	۱۷	۳۴	۵۰	۱	۲۴۶۰	۲۴۶
۳	دین	۹۶	۷۳	۲۳	۴۷	۴۹	۸۸	۸	۳۶۰۴	۳۵۷
۴	علوم اجتماعی	۷۹	۶۵	۱۴	۴۴	۳۵	۷۷	۲	۲۰۸۰	۳۱۸
۵	زبان	۳۶	۳۲	۴	۱۱	۲۵	۳۶	۰	۲۹۴۴	۴۳۸
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۵۸	۵۰	۸	۳۵	۲۳	۵۶	۲	۱۷۱۷	۲۹۱
۷	علوم عملی	۱۷۹	۱۲۷	۵۲	۱۱۴	۶۵	۱۷۱	۸	۲۲۱۶	۳۳۲
۸	هنر	۴۷	۳۰	۱۷	۳۶	۲۱	۴۶	۱	۱۸۹۳	۲۱۹
۹	ادبیات	۱۸۴	۱۶۲	۲۲	۱۳۳	۵۱	۱۵۷	۲۷	۱۷۰۹	۲۲۸
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۵۵	۴۹	۶	۲۳	۳۳	۵۱	۴	۲۳۲۱	۲۸۷
۱۱	آموزشی و کمک درسی **	۳۰	۳۰	۰	۷	۲۳	۳۰	۰	۲۴۸۴	۲۳۴
۱۲	کودک و نوجوان	۷۲	۳۹	۳۳	۳۵	۳۷	۶۷	۵	۳۳۹۷	۶۸
	جمع بندی	۹۳۰	۷۲۳	۲۰۷	۵۱۲	۴۱۸	۸۷۰	۶۰	۲۳۸۷	۲۸۸

* «تالیف»، به تمامی آثاری اطلاق می‌شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.
** منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتاب‌هایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه‌های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش‌آموزان از پیش‌دبستانی تا دبیرستان هستند.

شاخص‌های آماری کتاب‌های کودک و نوجوان

شاخص‌ها	مقدار	مشخصات کتاب‌ها
گرانترین کتاب	۱۲۰۰۰۰ ریال	داستان‌های شاهنامه فردوسی؛ ناشر: طاهر؛ چاپ ۱؛ ۱۹۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۱۶ مرتبه	حسینی و شهر میوه؛ ماندانا شایر محمد کریمی؛ ناشر: دلفین آبی؛ ۱۲ صفحه؛ ۷۰۰۰ نسخه؛ ۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۱۰۰۰۰ نسخه	حضرت عیسی (ع)؛ اسماعیل هنرمندیا؛ ناشر: سایه گستر؛ چاپ ۵؛ ۱۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	نقاشی تزئینی؛ جودی بالچین‌بیره خاکبازان؛ ناشر: پیدایش؛ چاپ ۴؛ ۱۲۲ صفحه؛ ۱۰۰۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۳۲۸ صفحه	داستانمندان زحمتکش؛ نیک آرنولد؛ محمود مزینانی؛ ناشر: پیدایش؛ چاپ ۵؛ ۲۵۰۰۰ نسخه؛ ۶۰۰۰۰ ریال



انتشارات

حافظ نوین

 <p>نسخه ۳</p> <p>نسخه های شفا بخش</p>		<p>اسرار</p> <p>گیاهان دارویی</p> <p>راهنمای شناخت و کاربرد گیاهان طبی و درمان بیماریهای مختلف</p> <p>تالیف: احمد حاجی شریفی (عطار اصفهانی)</p> <p>نسخه شفا (۱)</p> 
<p>دائرة المعارف گیاه درمانی ایران</p>		
		

احمد حاجی شریفی (عطار اصفهانی)

تهران، بازار آهنگران، کوچه مسجد جامع
پاساژ کاشفی، پلاک ۹۷، تلفن: ۵۸ - ۵۵۱۶۰۰۵۵

مرکز پخش: نشر لوح دانش: میدان انقلاب، خ اردیبهشت

خ وحید نظری، پلاک ۲۵۶، تلفن: ۳ - ۱ - ۶۶۹۷۲۵۸

شکست پل پیروزی

■ سروناز پریشان زاده، نویسنده و تصویرگر

من فعالیتیم را در حوزه تصویرگری با تصویرگری مجلات رشد و سپس نشریه کوشش که توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر می شود، آغاز کردم. نخستین کتابی که تصویرگری اش را برعهده داشتم «پادشاه دوازده و یازده شاهزاده اش» نوشته فرحناز دامتیام بود که توسط نشر بنفام منتشر شد.

«کلاغ خنزر پنزری» دومین کتابم در حوزه تصویرگری و نخستین اثر تالیفی ام برای گروه سنی «ب» و «ج» بود که برنده سومین دوره جایزه ادبی گام اول شد.

اکنون کتاب «کرم کرم» را که داستانی درباره پرورش استعداد های کودکان است برای گروه سنی «ب» و «ج» توسط انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در دست انتشار دارم که علاوه بر نگارش داستان، تصویرگری آن نیز برعهده من بوده است.

از سوی دیگر کتابی با عنوان «خاکستری شماره ۳۲» با موضوع تغییر مسایل بد به مسایل خوب، همراه تصویرگری برای همین گروه سنی آماده انتشار دارم. یک مجموعه داستان نیز برای گروه سنی نوجوانان با موضوع کلی روانشناسی و عرفان در دست نگارش دارم. این داستان هابگرگرفته از مضامین کهن و قصه های مثنوی اند که به زبانی نو ارائه می شوند.

تا زمانی که کار ضعیف باشد، هیچ ناشری چاپ آن را برعهده نمی گیرد. اگر در حال حاضر جوانان با مشکلاتی در حوزه انتشار آثارشان مواجه اند، به این دلیل است که روی اثرشان متمرکز نیستند. نخستین کارهای من چه در حوزه تصویرگری و چه در حوزه تالیف داستان که برای چاپ به انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سپرده بودم، همگی رد شدند اما همین مسأله سبب شد تا کارهای بعدی من پخته تر شوند. در حوزه کتاب هرگز مشوقی نداشته ام و تمام فعالیت هایم براساس علاقه شخصی و هدفی که دنبال کرده ام بوده است. به طور کلی معتقدم اگر اینچنین کارهایی بیهوده و زود هنگام تشویق نشوند بهتر است و راه برای پیشرفت بیشتر خواهد بود.

خطرات مدرسه تا کافه خنده

■ علیرضا لبش، شاعر و نویسنده



به باور من، هیچ هنری غریزی نیست بلکه براساس پرورش است که هنر در انسان پدید می آید. این مسأله به این نکته بستگی دارد که انسان در چه مسیری قرار بگیرد و به کدام

جهت کشیده شود. سال اول دبیرستان خاطره ای نوشته بودم که در مسابقات دانش آموزی شرکت دادم و در آن دوره به عنوان برگزیده معرفی شد. این اتفاق در آن دوران برای من که تازه نوشتن را تمرین می کردم، بهترین مشوق بود. از سوی دیگر آموزش و پرورش یک مجموعه کلاس های آموزشی را برای ما برگزار کرد. اینها همگی دلیلی شد تا من سراغ ادبیات بروم.

نخستین کتابم با عنوان «خنده در مراسم تدفین» مهر سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات سوره مهر منتشر شد. این مجموعه اشعار و طرح های کوتاه من را در حوزه طنز و مضامین اجتماعی شامل می شود. تمامی

شعرهای این دفتر در قالب سپید و نیمایی سروده شده اند. پس از آن، دو مجموعه شعر دیگر با عنوان های «نسکافه های بعد از ظهر» و «مرثیه ای برای گم گشتگی» به ترتیب توسط انتشارات فصل پنجم و دفتر شعر جوان منتشر و راهی بازار نشر شدند. «مرثیه ای برای گم گشتگی» جدیدترین سروده هایم را شامل می شود و دربرگیرنده حدود ۷۰ قطعه شعر سپید با مضامین اجتماعی و عاشقانه است.

به تازگی نیز مجموعه ای از نثرها و داستان های کوتاه من در کتابی با عنوان «کافه خنده» و با فضایی طنز توسط انتشارات سوره مهر منتشر شد. این کتاب به نقد فضاهای شبه روشنفکری می پردازد. بخش نخست حدود ۵۰ متن یک تا سه صفحه ای را که پیش تر در نشریات منتشر شده بودند شامل می شود و بخش دوم، داستان های طنز کوتاهی اند که از زبان حیوانات بیان می شوند.

این روزها یک مجموعه داستان در فضای طنز سیاه را در دست نگارش دارم که هنوز عنوان آن و تعداد داستان هایش نهایی نشده است.

ادامه مسیر در هر شرایطی

■ یوسف عالی عباس آباد، پژوهشگر



به عنوان مولف یا ویراستار در مجموعه کتاب های «فرهنگی شفاهی سخن»، «فرهنگ اعلام سخن»، «فرهنگ درست نویسی سخن» و «فرهنگ کنایات و امثال سخن»

همکاری داشته ام. همچنین تعدادی کتاب رابه صورت مشترک با حسن انوری منتشر کرده ام. «دستور زبان فارسی او ۲» برای دانشگاه پیام نور از جمله این کتاب هاست که امسال منتشر شد و از نیمسال آینده در دانشگاه تدریس می شود. «راهنمای دستور زبان فارسی او ۲ دانشگاه پیام نور» و «راهنمای کامل فارسی عمومی دانشگاه پیام نور» نیز در دست چاپ است.

پیش تر نیز «گزیده لیلی و مجنون نظامی گنجه ای» به انتخاب من توسط انتشارات کتاب همراه و تصحیح من از کتاب «ختم الغرایب» (تحفه العراقرین) اثر خاقانی شروانی توسط نشر سخن منتشر شده است. یک کتاب با عنوان «پژوهشی در مثل های سمنانی» با مقدمه ای ۵۰ صفحه ای و دربرگیرنده بیش از هزار ضرب المثل را توسط انتشارات کلک سیمین در دست چاپ دارم. این مثل ها را براساس نشانه های زبان شناختی، عناصر بومی، امکان و ویژگی های مربوط به آنها گردآوری کرده ام. چند سالی می شود که کتاب دیگری با عنوان «فرهنگ شعر نو» را آماده انتشار دارم. این کتاب حجمی حدود پنج هزار صفحه دارد و به همین دلیل تاکنون منتشر نشده است.

یک کار تحقیقی درباره اقبال لاهوری با عنوان «تحلیل جاویدنامه» و همچنین «بررسی جریان های معاصر شعر فارسی» را در دست انجام دارم.

علاقه زیادی به تحقیق و پژوهش دارم و معتقدم حتی اگر به دلیل تمامی مشکلات حوزه نشر، کتاب منتشر نشود یا حق التالیف بسیار ناچیزی برای آن دریافت کنم، باز هم باید این مسیر را ادامه دهم.

دغدغه خدمت به فرهنگ

■ حمزه کوتی، مترجم

تاکنون پنج مجموعه شعر از شاعران عرب زبان با ترجمه من توسط نشر افراز منتشر و راهی بازار نشر شده اند. «پاییز، آرایشگر درختان» گزینده شعر جمال جمعه، شاعر عراقی، «پیشگویی کن ای نایبنا» شعرهای آدونیس (علی احمد سعید)، شاعر سوری و «کودکی مرگ»، «باغ های هملت» و «باغ ایرانی» سه دفتر شعر از نوری الجراح شاعر سوری عنوان این مجموعه ها هستند. همچنین سه مجموعه دیگر با عنوان های «تنش را برای زمان تفسیر می کند» سروده ولید علاءالدین، شاعر مصری، «دیواری» شعرهای محمود

درویش، شاعر فلسطینی و «زنبقی در وحشت سپیدی» سروده پروین حبیب، شاعر بحرینی در دست چاپ است که تا شهریور راهی بازار نشر می شود. حدود ۳۵ مجموعه شعر عربی را به فارسی برگردانده ام که به مرور این مجموعه ها را برای چاپ به ناشر می سپارم. از سوی دیگر، گزیده شعرهای ادیب کمال الدین، شاعر عراقی و شعرهای چند شاعر فلسطینی نیز از جمله مجموعه های در دست ترجمه من هستند. یک داستان نیز ترجمه کرده ام اما هنوز تصمیمی برای چاپ آن نگرفته ام.

بسیاری از شاعران عرب زبان از جمله ادیب کمال الدین، جمال جمعه، نوری الجراح و پروین ادیب برای نخستین بار ترجمه شعرشان توسط من به زبان فارسی، به مخاطبان شعر معرفی شده اند. همیشه دغدغه فعالیت در حوزه ادبیات و کتاب را با انگیزه خدمت به فرهنگ و نزدیک کردن مرزهای فرهنگی و رفع برخی از سوء تفاهم های بشری داشته ام که این امر با حضورم در زمینه ترجمه شعر امکان پذیر شده است.

زنگ های انشا و رویای نوشتن

■ مجید پور ولی کلشتری، نویسنده دفاع مقدس



روایای نوشتن در من برمی گردد به زنگ های کوتاه انشا که خیلی کم می شد معلمی آن کلاس ها را آنطور که باید جدی بگیرد و قسمتی هم از این رویا باز می گردد به

بعد از ظهرهای تابستان که قبل از خواب داستان می خواندم. به صورت حرفه ای داستان نویسی را از کلاس های آموزشی خانم راضیه تجار، آغاز کردم. آن روزها داستان های من در مطبوعات چاپ می شد. بیشتر دغدغه ام کیفیت کار بود. بهترین و موثرترین عامل پیشرفت من در نویسندگی دو چیز بود؛ یکی تشویق دوستان و دیگری تنهایی و خلوتی که داشتم. خانواده ام زیاد روی خوشی به نویسندگی نشان نمی دادند، برای آنها دورنمای مسایل مادی و آتیه نویسندگی تشویق آور و حل نشده بود.

شاید مطالعه آثار کلاسیک جهان و در کنارش، مروری کامل بر تمام نوشته های بهرام بیضایی در پیشرفت من بی تاثیر نبودند. تمام اینها در سال های آخر دبیرستان و یکی دو سال بعد از خدمت سربازی ام اتفاق افتادند. نخستین مجموعه ای که چاپ کردم «ما از دوکوهه امدیم اینجا غریبیم» نام داشت و هفت داستان درباره دفاع مفسر را شامل می شد. این کتاب با اقبال خوبی البته از نظر جشنواره ها مواجه شد. در آن سال من جایزه کتاب سال دفاع مقدس و جایزه گام اول را دریافت کردم و جزو نامزدهای جشنواره قلم زرین، جشنواره ادبی اصفهان و جشنواره شهید غنی پور بودم. پس از آن کتاب «نگار ماندگار» را منتشر کردم. این کتاب زندگی نامه داستانی مادر شهیدان افراسیابی بود. کتاب های «فصل خواب خرگوش ها» و «من پسر باد هستم» نیز دیگر داستان های من بودند که به ترتیب توسط نشر صریح و شاهد منتشر شدند.

در حال حاضر نیز داستان های بلند «چلچله های کاغذی»، «آواز ابابیل» و «یک مجموعه عاشقانه» را آماده چاپ دارم و در حال گفت و گو با چند ناشر هستم. گاهی این قسمت از زندگی ام بدترین لحظه های عمرم است! برخی مواقع صحبت با ناشران کاری غیر هنرمندانه و بازاری است. چیزی که این میان مطرح می شود، حساب و کتاب و چرتکه انداختن است برای سود و زیان کار. انگار هیچ کس ارزش هنری یک کار را مد نظر قرار نمی دهد.

آنچه سبب شد من در حیطه نویسندگی دوام بیاورم، سختکوشی و استمرار در نوشتن بود، هرچند در این میان ارتباط با سایرین رانمی توان نادیده گرفت. اگر تمام مجموعه های دولتی و غیردولتی با رویکردی دلسوزانه و هنرمندانه به حمایت از نویسندگان روی آورند، ما با تربیت و پیشرفت نویسندگان بزرگی مواجه خواهیم بود.

یادداشت

پروین قاسمی

معاون پژوهشی دانشکده ادبیات دانشگاه شیراز



کسب تجربه

از قلم ورزیده بزرگان



موضوع حمایت از نویسندگان جدید و نو قلمان امری است شایسته که باید جدی گرفته شود؛ چرا که این نسل از پدید آورندگان کتاب، هم نمایانگر و نماینده طرز فکر نسل جدید ادبیاتند و هم،

تداوم بخش راه فریختگان و نویسندگان پیشین. به طور کلی از چند جنبه، حمایت هایی را می توان برای نویسندگان نو قلم در نظر گرفت تا در رشد و پرورش این نسل از مولفان گامی موثر برداشته باشیم. اساسی ترین اصل در این زمینه، شناسایی و در حقیقت استعدادیابی این افراد است. اما پس از این مرحله، مهم ترین نهادی که می تواند راهگشا باشد، دانشگاه است که می تواند در ارتقای سطح علمی و ادبی این افراد و شکوفایی استعداد های آنها موثر واقع شود. برگزاری کارگاه های آموزش نویسندگی و روش نگاری مربوط به حوزه های گوناگون مدنظر نویسندگان نو قلم، در آموزش حرفه ای و تخصصی آنان امری بسیار تاثیر گذار است. از سوی دیگر این افراد را می توان تحت سرپرستی و هدایت صاحبان قلم های ورزیده و نویسندگان با تجربه گذاشت تا مهارت های لازم را نزد این بزرگان کسب کنند. همچنین در اجرای طرح های پژوهشی در دانشگاه ها و مراکز پژوهشی و آموزشی می توان و شایسته است از این افراد به عنوان همکار طرح استفاده کرد. این امر فرصتی برای ارتقای توان نو قلمان در امر نگارش و تالیف خواهد بود. هر طرح پژوهشی این امکان را دارد که استاد از همکاری یک یا دو همکار طرح، چه دانشگاهی و چه غیر دانشگاهی، به عنوان کارآموز بهره بگیرد. اگر این طرح ها دوباره احیا شوند، با شناختی که من از استادان پژوهشگران پیشکسوت دارم مطمئن هستم این افراد از همکاری با نو قلمان، نویسندگان و پژوهشگران جوان بسیار خرسند خواهند بود. بررسی و برخورد با کتاب های تازه باید با دید مثبت انجام گیرد و هیأت های داوران عنایت کافی به امر توسعه نشر کتاب های نو قلمان داشته باشند تا فضای نشر کشور با بهره گیری از

استعداد های جدید و تازه نفس بتواند نسل جوان را به خود جلب کند. بنابراین، چه بهتر آن که به جای سختگیری در ارتباط با نشر کتاب های نو قلمان، باروش ارشاد، راهنمایی، آموزش و ارتقای کیفیت به توسعه نشر آثار این نویسندگان کمک کنیم. سخن آخر آن که حمایت های مالی شایسته، مانند اهدای وام به نویسندگان نو قلم برای رفع مشکلات مالی نیز اصل مهم دیگری است که باید مدنظر دست اندرکاران حوزه فرهنگ و به ویژه چاپ و نشر کتاب قرار گیرد تا شاهد حضور فعال تر و موثر تر نو قلمان در حوزه کتاب باشیم.

